

حکمت : نامہ بیچ

مولوی امجد علی شہری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

حکمت: نامہ سچ



مرکز عربی - فارسی

افغانی

محمدی اری شہری



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

محمدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -

حکمت‌نامه‌ی بسیج / محمّد محمّدی ری شهری، - قم: دارالحدیث، ۱۴۲۳ق = ۱۳۸۱.
۲۱۵ ص.

ISBN: 978 - 964 - 7489 - 05 - 8

کتاب‌نامه: ص ۲۱۵-۲۰۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. احادیث شیعه. ۲. احادیث اهل سنت. ۳. بسیج. الف. عنوان.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۳۱/۵/۵ پ ۳ م

حکمتنامه بسیج

تألیف: محمد محمدی ری شهری

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحديث

ویراستار: سید محمد دلال موسوی

نمونه خوانی متن: محمود سپاسی، مهدی جوهرچی

صفحه آرائی: سید علی موسوی کیا، محمد

خوشنویسی کامپیوتری: حسن فرزندگان

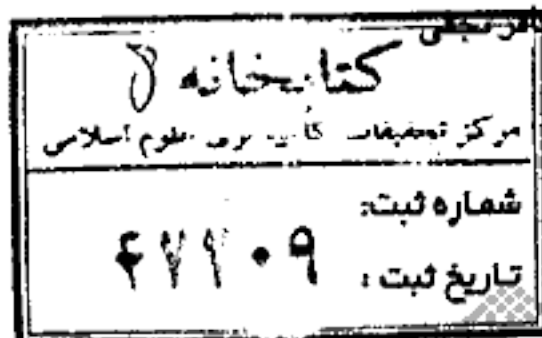
ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحديث

چاپ: چهارم / ۱۳۸۷

چاپخانه: دارالحديث

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰ تومان



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قم، خیابان معلم، نبش کوچه ی ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص. پ ۲۳۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۳۵

فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، صحن کاشانی): ۰۲۱ ۵۹۵۰۹۲۱ داخلی ۲۹۳

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN: 978 - 964 - 7489 - 05 - 8



9 789647 489058

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱۳
درآمد.....	۱۵
فصل اول: جایگاه بسیجی.....	۲۷
۱/۱ پیشگویی قرآن.....	۲۷
۲/۱ پیشوایان بسیج.....	۳۳
۳/۱ دوستان خدا.....	۳۷
۴/۱ اصلی‌ترین یاوران امت.....	۴۱
۵/۱ زمینه سازان حکومت جهانی اسلام.....	۴۳
۶/۱ بسیجیان گمنام.....	۴۷
فصل دوم: بایسته‌های بسیج.....	۵۱
۱/۲ آگاهی‌های دینی.....	۵۱
۱-۱/۲ راز تداوم دینداری.....	۵۱
۲-۱/۲ آشنایی با قرآن.....	۵۳
۳-۱/۲ آشنایی با حدیث.....	۵۵
۴-۱/۲ دین‌شناسی.....	۵۷

۵۷	همه سونگری به دین	۵-۱/۲
۵۹	هشیاری دینی	۶-۱/۲
۶۱	اندیشه در مسایل دینی	۷-۱/۲
۶۳	شبهه شناسی	۸-۱/۲
۶۵	شناخت اساس دین	۹-۱/۲
۶۵	الف. محبت خدا	
۶۵	ب. محبت اهل بیت	
۶۷	آگاهی های سیاسی	۲/۲
۶۷	ایمان و زیرکی	۱-۲/۲
۶۹	زمان آگاهی	۲-۲/۲
۶۹	هشیاری سیاسی	۳-۲/۲
۷۱	اجتناب از دشمنی	۴-۲/۲
۷۵	دشمن شناسی	۵-۲/۲
۷۵	الف. انگیزه دشمنی	
۷۵	ب. اقسام دشمنان	
۷۵	ج. خطرناک ترین دشمنان	
۷۷	د. ناتوان ترین دشمن	
۷۷	تلاش برای دوست کردن دشمنان	۶-۲/۲
۷۹	هشیاری در برابر دشمن	۷-۲/۲
۸۱	کمک نخواستن از دشمن	۸-۲/۲
۸۳	کوچک نشمردن دشمن	۹-۲/۲

فهرست مطالب ۷

سیاست حق و سیاست باطل ۸۳	۲/۲-۱۰
سیاست رفتار با دوستان ۸۵	۲/۲-۱۱
سیاست رفتار با دشمنان ۸۷	۲/۲-۱۲
سیاست رفتار با همگان ۹۱	۲/۲-۱۳
اخلاق شایسته ۹۵	۲/۲
اخلاص ۹۵	۲/۲-۱
توکل ۹۹	۲/۲-۲
ایثار ۱۰۱	۲/۲-۲
زهد ۱۰۳	۲/۲-۴
همت بلند ۱۰۵	۲/۲-۵
مروت ۱۰۷	۲/۲-۶
شجاعت ۱۰۷	۲/۲-۷
قوت ۱۰۹	۲/۲-۸
قاطعیت ۱۱۱	۲/۲-۹
استقامت ۱۱۳	۲/۲-۱۰
تحمل سختی ۱۱۵	۲/۲-۱۱
آرامش ۱۱۷	۲/۲-۱۲
میانه روی ۱۱۷	۲/۲-۱۳
امانتداری ۱۱۹	۲/۲-۱۴
تولاً و تبرّاً ۱۲۱	۲/۲-۱۵
راستگویی ۱۲۳	۲/۲-۱۶

۱۲۵	 حقگویی	۱۷-۳/۲
۱۲۷	 رازداری	۱۸-۳/۲
۱۲۹	 انصاف	۱۹-۳/۲
۱۳۱	 اظهار دوستی	۲۰-۳/۲
۱۳۱	 حُسن خلق	۲۱-۳/۲
۱۳۵	 فروتنی	۲۲-۳/۲
۱۳۷	 سرفرازی	۲۳-۳/۲
۱۳۹	 بیم نداشتن از غیر خدا	۲۴-۳/۲
۱۳۹	 بیم نداشتن از ملامت مردم	۲۵-۳/۲
۱۴۱	 هراس نداشتن از کمی همراهان	۲۶-۳/۲
۱۴۳	 احساس تقصیر	۲۷-۳/۲
۱۴۵	 دوری از اخلاق نکوهیده	۴/۲
۱۴۵	 بداخلاقی	۱-۴/۲
۱۴۵	 عصبانیت	۲-۴/۲
۱۴۷	 آزمندی	۳-۴/۲
۱۴۹	 تعصب	۴-۴/۲
۱۵۱	 تنبلی	۵-۴/۲
۱۵۳	 خود بزرگ بینی	۶-۴/۲
۱۵۵	 خودپسندی	۷-۴/۲
۱۵۵	 خودنمایی	۸-۴/۲
۱۵۹	 ناهماهنگی رفتار و گفتار	۹-۴/۲

۱۶۱	افراطیگری	۱۰-۴/۲
۱۶۱	سازشکاری	۱۱-۴/۲
۱۶۳	مزاحمت	۱۲-۴/۲
۱۶۳	تحقیر	۱۳-۴/۲
۱۶۵	سرزنش	۱۴-۴/۲
۱۶۵	عیبجویی	۱۵-۴/۲
۱۶۷	سزبار دیگران بودن	۱۶-۴/۲

فصل سوم: مسئولیتهای بسیجی ۱۷۳

۱۷۳	مسئولیتهای فردی	۱/۳
۱۷۳	انجام دادن واجبات	۱-۱/۳
۱۷۵	ترك محرمات	۲-۱/۳
۱۷۷	مواظبت بر نماز	۳-۱/۳
۱۸۱	احتیاط در امور شبههناک	۴-۱/۳
۱۸۳	تقوا و نیکوکاری	۵-۱/۳
۱۸۳	مبارزه با نفس	۶-۱/۳
۱۸۵	محاسبه نفس	۷-۱/۳
۱۸۵	یاد خدا	۸-۱/۳
۱۸۹	نیایش	۹-۱/۳
۱۹۳	خشوع	۱۰-۱/۳
۱۹۵	شب زنده‌داری	۱۱-۱/۳
۲۰۱	عشق به خدا	۱۲-۱/۳

۱۰ حکمتنامه بسیج

۲۰۷	انضباط	۱۳-۱/۲
۲۰۷	کم خرجی	۱۴-۱/۲
۲۱۳	پاکیزگی	۱۵-۱/۲
۲۱۵	مسئولیت‌های اجتماعی	۲/۲
۲۱۵	پیشگامی در عمل	۱-۲/۲
۲۱۵	اهتمام به امور مسلمانان	۲-۲/۲
۲۱۷	حسن معاشرت	۳-۲/۲
۲۲۱	خیرخواهی برای همه	۴-۲/۲
۲۲۳	نیکی به همه مردم	۵-۲/۲
۲۲۵	وساطت در نیکی	۶-۲/۲
۲۲۷	یاری ستم‌دیده	۷-۲/۲
۲۲۷	کمک به آسیب‌دیدگان	۸-۲/۲
۲۲۹	چشم پوشی	۹-۲/۲
۲۳۱	مسئولیت‌های فرهنگی	۳/۲
۲۳۱	دعوت به ارزش‌ها	۱-۳/۲
۲۳۵	دعوت به وحدت کلمه	۲-۳/۲
۲۳۹	جذب جوانان	۳-۳/۲
۲۳۹	پاسداری از دین	۴-۳/۲
۲۴۱	خطر ترك مسئولیت	۵-۳/۲
۲۴۳	مراتب انجام مسئولیت	۶-۳/۲

۴/۳ مسئولیتهای نظامی ۲۴۵

الف. فرماندهی و فرمانبری نظامی ۲۴۵

۱-۴/۳ حقوق متقابل فرمانده و بسیجی ۲۴۵

۲-۴/۳ اهتمام فرمانده به آموزش نظامی ۲۴۷

۳-۴/۳ توجه فرمانده به نیروها ۲۴۹

۴-۴/۳ اطاعت از فرمانده ۲۵۱

۵-۴/۳ مرز فرمانبری نظامی ۲۵۱

ب. رزم آوری ۲۵۳

۶-۴/۳ اهمیت آموزش نظامی ۲۵۳

۷-۴/۳ آمادگی رزمنده ۲۵۵

۸-۴/۳ ارزش رزمندگان ۲۵۷

۹-۴/۳ عشق به شهادت ۲۵۹

۱۰-۴/۳ درخواست شهادت ۲۶۱

۱۱-۴/۳ ارزش شهادت ۲۶۳

فصل چهارم: راز موفقیت بسیجی ۲۶۵

۱/۴ کسب شایستگیهای لازم ۲۶۵

۲/۴ رعایت ظرفیت مخاطب ۲۶۵

۳/۴ رعایت ادب رسالت ۲۷۳

۴/۴ مدارا ۲۷۵

۵/۴ اجتناب از سختگیری ۲۷۷

۱۲ حکمتنامه بسیج

۶/۴ اجتناب از خشونت بدون ضرورت ۲۷۹

۷/۴ تحمل سختیهای رسالت ۲۸۱

فصل پنجم: بسیجیان نمونه ۲۸۳

۱/۵ شرطة الخميس (سپاه ویژه) ۲۸۳

۲/۵ یاران سید الشهداء ۲۸۷

۲/۵ بسیجیان نمونه از دیدگاه امام علی ۲۹۱

فهرست ها ۲۹۵

فهرست آیات ۲۹۷

فهرست معصومان (علیهم السلام) ۳۰۱

فهرست منابع ۳۰۵



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

پیش‌گفتار

حکمت‌نامه بسیج، نخستین مجموعه از سلسله نوشتارهایی است که با بهره‌گیری از رهنمودهای حکیمانه قرآن کریم و سخنان نورانی اهل بیت (ع)، به خواست خداوند متعال، به صورت موضوعی برای اقشار مختلف جامعه سامان خواهد یافت. در آغاز برای پی بردن به اهمیت این اقدام، اشاره به دو نکته ضروری است:

یک. انسان برای رسیدن به فلسفه آفرینش خود و بهره‌برداری بهتر از سرمایه زندگی در جهت صعود به قله تکامل مادی و معنوی، نیاز به برنامه دارد و این برنامه در دوره‌های مختلف زندگی و برای اقشار مختلف جامعه، متفاوت است.

دو. اسلام، پیام‌آور تکامل برای انسان در همه دوره‌هاست و برای آن که همه اقشار جامعه با برنامه متناسب زندگی خود آشنا شوند، رهنمودهای حکیمانه‌ای ارائه کرده است که در هر مقطع از تاریخ، جمع‌آوری و موضوع‌بندی این رهنمودها متناسب با نیازهای زمان برای گسترش فرهنگ اسلام ناب، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. با این نگاه، نگارنده با وجود همه مسئولیتهای اجرایی و فرهنگی‌ای که بر دوش دارد، مصمم شد که در کنار سایر کارها با اعتماد

به یاری خداوند متعال، این اقدام مهم و ضروری را نیز تحت عنوان «حکمتنامه» برای اقشار مختلف جامعه دنبال کند و در این حرکت پُر برکت و نورانی، نخستین مجموعه‌ای که سامان یافت، در جهت گسترش فرهنگ قشری پیشتاز در جامعه اسلامی گردید که امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - افتخار می‌کرد که در دنیا یکی از آنهاست و از خداوند متعال می‌خواست که او را در قیامت، در صف آنان محشور فرماید. من این سرآغاز را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم که خداوند متعال، توفیق تهیه سایر مجموعه‌های موضوعی را نیز عنایت فرماید. بر خود لازم می‌دانم از فاضل عزیز و بزرگوار حجة الاسلام جناب آقای حاج احمد غلامعلی که در ساماندهی نهایی این مجموعه مرا یاری داد و نیز از دانشمند گرانمایه حجة الاسلام والمسلمین آقای عبدالهادی مسعودی که ترجمه شماری^۱ از احادیث این مجموعه را پذیرفت، صمیمانه سپاسگزاری نمایم و برای همه خدمتگزاران در «مرکز تحقیقات دارالحدیث» که به گونه‌ای در آماده‌سازی این کتاب سهیم‌اند، از خداوند متعال، توفیق خدمت بیشتر به فرهنگ اهل بیت و خیر دنیا و آخرت را مسئلت می‌نمایم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ!

محمّدی ری شهری

۱۲ شهریور ۱۳۸۱

۲۷ جمادی الثانیه ۱۴۲۳

۱. گفتنی است که ترجمه اکثر مطالب حکمتنامه برگرفته از ترجمه میزان الحکمة و برخی تألیفات دیگر نگارنده پس از اصلاح است.

درآمد

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُم عَن دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ﴾^۱

این آیه نورانی، الهام بخش تدوین حکمتنامه بسیج شد. در این
آیه، خداوند متعال، ضمن تهدید جمعی از همراهان پیامبر اسلام که در
باورهای دینی و دفاع از ارزشهای اسلامی استوار نیستند، با صراحت
پیش‌بینی می‌کند در آینده تاریخ، گروهی به یاری این آیین خواهند
شتافت که خداوند متعال، آنان را دوست دارد و آنان نیز به خدا علاقه
دارند. آنان با اهل ایمان، فروتن و مهربان‌اند و در برابر دشمنان
ارزشهای دینی، سرفراز و قاطع، در راه اقامه ارزشهای الهی با دشمنان
پیکار می‌کنند و از سرزنش ملامتگران پروایی ندارند.

قرآن در دو آیه دیگر به این پیشگویی اشارت دارد. یکی آیه ۱۳۳

سوره نساء:

﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا﴾

اگر خدا بخواهد، شما را می‌برد و دیگری را می‌آورد، و خداوند
بر این کار تواناست.

و دیگر، آیه ۳۸ سوره محمد:

﴿وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ﴾.

و اگر روی برتایید، خداوند، گروه دیگری را جای شما می‌آورد
که آنان، مانند شما نخواهند بود.

آیا این پیشگویی قرآن تاکنون تحقق یافته است یا باید در انتظار
تحقق آن باشیم؟

بی تردید، همه کسانی که واجد ویژگیهایی که قرآن در آیه ۵۴ مائده
برای مدافعان ارزشهای اسلامی در آینده تاریخ ذکر کرده، بوده‌اند،
می‌توانند مصداق پیشگویی قرآن باشند؛ اما مراجعه به روایاتی که
در باره تبیین مصداق یا بزرگ‌ترین مصداق این پیشگویی است،
تأمل برانگیز و برای علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی در ایران، بسیار
نویدبخش و امیدآفرین است.

در تفسیر گرانسنگ مجمع البیان می‌خوانیم که وقتی از پیامبر اسلام
در باره مردمی که مصداق پیشگویی قرآن در آیه ۵۴ مائده هستند،
پرسیدند، آن حضرت دست به شانه سلمان فارسی زد و فرمود:

هذا و ذوهه.^۱

[مقصود آیه] این مرد و هموطنان اویندا

سپس فرمود:

اگر ایمان به [ستاره] ثریا آویخته باشد، هر آینه مردانی از ایرانیان به آن دست یابند.^۱

همچنین در تفسیر آیه ۱۳۳ سورة نساء «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ...»، امین الاسلام طبرسی می نویسد: روایت شده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر خدا دستش را به پشت سلمان زد و فرمود:

هم قوم هذا، یعنی عجم الفرس.^۲

آنان، هموطنان این مرد هستند، یعنی ایرانیان.

و نیز در تفسیر آیه ۳۸ سورة محمد: «وَإِنْ تَقُولُوا يُسْتَبَدَّلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ...» می نویسد: وقتی پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود، از ایشان پرسیدند: اینهایی که اگر ما رو برتابیم، خداوند آنان را جایگزین ما می کند، کیستند؟

پیامبر ﷺ در حالی که به شانه سلمان می زد، فرمود:

هذا و قومه.^۳

این مرد و هموطنان او.

و افزود:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر ایمان به ثریا آویزان باشد، مردانی از ایران به آن دست خواهند یافت.

۱. ر.ك: فصل یکم / ح ۱.

۲. ر.ك: فصل یکم / ح ۴.

۳. ر.ك: فصل یکم / ح ۱.

نکته قابل توجه این که اگر این احادیث هم نبود، بی شک، انسانهای شایسته‌ای که از همه اقشار ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) در این مقطع از تاریخ به یاری اسلام آمدند و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران را آفریدند و برای تداوم آن، بار سنگین هشت سال دفاع مقدس را بر دوش کشیدند، مصداق بارز پیشگویی قرآن‌اند، و احادیث مذکور، علاوه بر تأیید صحت این استنباط، یکی از دلایل صدق گفتار پیامبر اسلام و از معجزات حضرت ختمی مرتبت است.

اکنون بر همه علاقه‌مندان به اسلام و ایران و انقلاب اسلامی است که برای حفظ این سند افتخار قرآنی و تداوم این دستاورد بزرگ تاریخی برنامه‌ریزی کنند و در این راه، همه توان خود را به کار گیرند. حفظ این سند افتخار، در گرو تداوم و تقویت ویژگیهایی است که قرآن برای یاوران راستین اسلام، مشخص کرده است:

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ویژگیهای یاوران راستین اسلام

اینک برای آشنا شدن با ویژگیهای یاوران راستین اسلام، از قرآن به عنوان متن و از کلام امام خمینی (ره) به عنوان شرح بهره می‌جویم؛ اما پیش از آن، توجه به این نکته ضروری است که از نگاه امام خمینی (ره) بسیجیان، مصداق کامل یاوران راستین اسلام در این مقطع از تاریخ‌اند: اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود؟^۱

بلکه از دیدگاه امام، یاوران راستین اسلام در همه اعصار، بسیجی اند و در قالب مشخصات و تفکر بسیجی تشکّل یافته اند: بسیج، لشکر مخلص خداست که دفتر تشکّل آن را همه مجاهدان، از اولین و آخرین، امضا نموده اند.^۱

با این مقدمه، به شرح اجمالی برجسته ترین ویژگی های یاوران راستین اسلام یا به تعبیر امام علیه السلام، بسیجیان، از نگاه قرآن می پردازیم:

یک. محبّت خدا

نخستین ویژگی مدافعان راستین ارزش های دینی، محبّت خداست.



قرآن، درباره این ویژگی می فرماید:

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُمِيتُونَ

[خداوند]، آنان را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند.

امام خمینی علیه السلام درباره این ویژگی می فرماید:

بسیج، شجره طیّبه و درخت تناور و پُر ثمری است که شکوفه های آن، بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج، مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن،

اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند.^۱

و از آنجا که عشق و محبت، فرع معرفت و آگاهی است، آگاهی‌های دینی، مقدمه رسیدن بسیجی به برجسته‌ترین ویژگی‌های مدافعان راستین ارزشهای دینی است و از این رو، برنامه‌ریزی برای تقویت آگاهی‌های دینی بسیج، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

امام علیه السلام برای تقویت آگاهی‌های دینی بسیج، ضمن توصیه به تشکّل‌های بسیج دانشجویی و طلاب، حوزه و دانشگاه را مسئول تقویت مبانی اعتقادی و آگاهی‌های دینی بسیجیان می‌داند:

امروز، یکی از ضروری‌ترین تشکّلها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند. فرزندان بسیجی‌ام در این مراکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حسّاس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد و مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه، باید چارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند.^۲

۱. صحیفه نور: ۵۲/۲۱.

۲. همان: ۵۲.

دو. فروتنی و سرافرازی

عشق به خدا، عشق به همه زیباییها و همه ارزشهای اعتقادی، اخلاقی و عملی، و نیز دشمنی با همه زشتیها و ضد ارزشهاست. دوستی با خدا، دوستی با همه دوستان خداوند متعال و دشمنی با همه دشمنان اوست.

تولاً و تبراً نخستین شاخه محبت حقیقی نسبت به حضرت حق تعالی است. انسان نمی تواند خدا را دوست داشته باشد و دوستان خدا و ارزشهای الهی را دوست نداشته باشد و دشمنان خدا و ضد ارزشها را دشمن ندارد.

بر این اساس، یاوران راستین اسلام از نگاه قرآن با دوستان خدا که اهل ایمان اند، فروتن و مهربان اند و در برابر دشمنان خدا - که کفار نامیده می شوند - سرفراز و قاطع:

أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ.

در برابر مؤمنان، فروتن و در برابر کفار، سرافرازند.

امام خمینی رحمته الله برای سرفرازی در برابر دشمنان خدا، پیروان اسلام

ناب را به آشنایی به فنون نظامی و دفاعی توصیه می فرماید:

ملتّی که در خطّ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و مخالف با استکبار

و پول پرستی و تحجّر گرایی و مقدّس نمایی است، باید همه

افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند؛

چرا که در هنگامه خطر، ملتّی سربلند و جاوید است که

اکثریت آن، آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.^۱

سه . جهاد در راه خدا

سومین ویژگی یاوران راستین اسلام که نشانه دیگری از ایمان و محبت حقیقی به خداوند متعال، و دوستی با دوستان او و دشمنی با دشمنان اوست، جهاد در راه خداست:

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

در راه خدا جهاد می کنند.

جهاد در راه خدا، در واقع به معنای به کارگیری همه توان در پیکار با همه ضد ارزشهای اعتقادی، اخلاقی و عملی با هدف ایجاد حکومت بزرگ اسلامی و در جهت رشد و تکامل جامعه انسانی است.

امام خمینی ره، نه تنها بسیجیان ایران، بلکه بسیجیان جهان اسلام را به آماده شدن برای چنین جهادی توصیه می کند:

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ چرا که بسیج، منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.^۱

چهار . مقاومت در برابر تهاجم تبلیغاتی

چهارمین و آخرین خصوصیات برجسته بسیجیان راستین - که نشانه دیگری از محبت آنان به خدا و ارزشهای دینی است - نهراسیدن از دشمنان و عقب نشینی نکردن در برابر تهاجم تبلیغاتی آنان است:

وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ.

و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند.
تهاجم تبلیغاتی، مقدمه نبرد تسلیحاتی است. کسی که در جنگ
تبلیغاتی عقب‌نشینی می‌کند، بی‌تردید نمی‌تواند در صحنه نبرد
مسلحانه، مدافع اسلام و ارزشهای دینی باشد.

اصول حکمتنامه بسیج

آنچه تاکنون در تبیین ویژگیهای یاوران راستین اسلام ذکر شد، در
واقع اصول حکمتنامه بسیج است.
به سخن دیگر، آنچه در این کتاب درباره جایگاه بسیج، بایسته‌ها،
مسئولیتها و راز موفقیت این نهاد مقدس آمده، به گونه‌ای با این ویژگیها
و این اصول در ارتباط است. یا از پیش نیازهای وصول به این اصول است و
یا از لوازم و آثار آن.

جایگاه قرآنی بسیج

بسیج، هنگامی در جایگاه قرآنی خود - که در فصل اول این
حکمتنامه آمده - قرار می‌گیرد و بسیجی، هنگامی پیرو پیامبران بزرگ
الهی، برادر خاتم پیامبران در آخر الزمان، ارجمندتر از یاران پیامبر
اسلام در بدر و احد و در نهایت، زمینه‌ساز حکومت جهانی اسلام به
رهبری مهدی آل محمد علیه السلام است^۱ که جانش لبریز از عشق خدا باشد؛

عشق پیامبرانه، نه عشق صوفیانه. محبتی که او را در برابر دوستان خدا، فروتن، و در برابر دشمنان او سرفراز می‌دارد؛ عشقی که عاشق را برای استقرار آرمانها و ارزشهای الهی و انسانی در جهان به پیکار وادارد، و «اذان شهادت و رشادت سردادن» و استواری در برابر تهاجم تبلیغاتی دشمنان خدا، گواه صداقت عاشق در دعوی محبت است.

بایسته‌های بسیج

دارا بودن آگاهیهای دینی، آگاهیهای سیاسی، اخلاق شایسته و دوری از صفات نکوهیده، به شرحی که در فصل دوم حکمتنامه آمده. مقدمه و پیش‌نیاز دستیابی به قلّه شکوهمند بسیج است.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

مسئولیت‌های بسیجی

همچنین انجام دادن مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی که در فصل سوم حکمتنامه بدان پرداخته‌ایم و نیز آنچه در فصل چهارم راز موفقیت بسیجی شناخته شده است، آثار و لوازم دستیابی به این جایگاه بلند است.

بسیجیان نمونه

در فصل پنجم حکمتنامه، دو نمونه از پیشگامان وصول به قلّه جایگاه بسیج، معرفی شده‌اند:

نمونه اول، شماری از یاران امیر مؤمنان اند که «شُرطه الخمیس» (نیروهای ویژه) نامیده می‌شدند و با آن حضرت، پیمان

جانبازی بسته بودند و علی علیه السلام در سوگشان از عمق جان آه می کشید.
نمونه دوم، یاران سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام هستند که
حضرت آنان را بهترین یاوران خوانده است.

عصر ما، از نگاه امام خمینی علیه السلام، دوران ظهور سومین نمونه از این
دست بسیجیان است؛ آنانی که امام علیه السلام به خلوص و صفایشان غبطه
می خورد و بسیجی بودن را مایه افتخار خود در دنیا می داند و از خدا
می خواهد تا او را در قیامت، در صف آنان محشور نماید:

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از
خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چرا که در این
دنیا افتخارم این است که خود، بسیجی ام.^۱

بدان امید که ادامه دهندگان راه امام بتوانند با تقویت نهاد نورانی
بسیج و تربیت هرچه بیشتر بسیجیان نمونه، مقدمات تحقق کامل
پیشگوییهای قرآن را فراهم سازند و بدین سان، انقلاب اسلامی ایران
را به انقلاب جهانی اسلام به رهبری امام عصر - ارواحنا فداه و عجل الله
فرجه - پیوند دهند.

الفصل الأول مكانة التعبوي

١/١

نبوة القرآن



القرآن :

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَزِيدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^(١)

﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا﴾^(٢)
﴿وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ﴾^(٣)

الحديث :

١. رسول الله ﷺ (لَمَّا سُتِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. المائدة: ٥٤.

٢. النساء: ١٣٣.

٣. محمد: ٣٨.

فصل یکم جایگاه سحبی



قرآن:

ای مؤمنان! هر کس از شما از دینش (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن‌اند و با کافران سختگیرند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند. این، فضل الهی است که به هر کس بخواهد، می‌دهد، و خداوند، گشایشگرِ دانا است.

ای مردم! اگر [خدا] بخواهد همه شما را از میان می‌برد و گروه دیگری پدید می‌آورد؛ و خداوند، همواره بر این کار تواناست. و اگر [از دین او] روی برتابید، به جای شما گروه دیگری را می‌آورد. آن‌گاه، آنها مانند شما نخواهند بود.

حدیث:

۱. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال از این آیه: «ای مؤمنان هر کس از

يَزِدُّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... ﴿...﴾
فَقَالَ وَهُوَ يَضْرِبُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ -: هَذَا وَذَوُوهُ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ
كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَّا لَتَنَاولَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ. ^(۱)

۲. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...﴾ -: الموالی. ^(۲)

۳. تفسیر القمی: قوله: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَزْدَدُ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ،
فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ
عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ^(۳) نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام
وَأَصْحَابِهِ ﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾. ^(۴)

۴. مجمع البیان - في قوله تعالى: ﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ﴾ -: يَعْنِي إِنْ
يَشَأَ اللَّهُ يُهْلِكُكُمْ ﴿أَيُّهَا النَّاسُ﴾ وَيُفْنِيكُمْ، وَقِيلَ: فِيهِ مَحْذُوفٌ؛ أَيِ
إِنْ يَشَأْ أَنْ يُذْهِبْكُمْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ ﴿وَيَأْتِ بِآخَرِينَ﴾ أَيِ:
بِقَوْمٍ آخَرِينَ غَيْرِكُمْ يَنْصُرُونَ نَبِيَّهٗ وَيُوَازِرُونَهُ. وَيُرَوَّى أَنَّهُ لَمَّا
نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ضَرَبَ النَّبِيُّ يَدَهُ عَلَى ظَهْرِ سَلْمَانَ وَقَالَ: هُمْ قَوْمٌ

۱. مجمع البیان: ۳/۳۲۱؛ المعجم الكبير: ۱۸/۳۵۳/۹۰۰، مسند أبي يعلى: ۲/۱۵۶/۱۴۳۴.

تاریخ أصبهان: ۱/۲۵ کلها نحوه: کنز العمال: ۱۲/۹۱/۳۴۱۳۰.

۲. تفسیر العیاشی: ۱/۳۲۷/۱۳۶.

۳. المائدة: ۵۴.

۴. تفسیر القمی: ۱/۱۷۰، بحار الانوار: ۳۱/۵۷۷/۷.

شما از دینش (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند...» :- در حالی که به شأنه سلمان می‌زد، فرمود: «[آنان] این مرد و هموطنان اویند». سپس فرمود: «اگر دین به ثریا آویخته باشد، هرآینه، مردانی از ایرانیان به آن دست یابند».

۲. **امام صادق (ع)** - درباره آیه «خداوند، خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند...» :- مقصود، آزاد شدگان [ایرانی] است.

۳. **تفسیر القمی** :- در تفسیر سخن خداوند متعال: «ای مؤمنان! هر کس از شما از دینش (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن‌اند و با کافران، سختگیرند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند» :- [این آیه] درباره قائم (عج) و یارانش است که در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند.

۴. **مجمع البیان** - درباره سخن خدای تعالی: «اگر [خدا] بخواهد، همه شما را از میان می‌برد» :- یعنی اگر خدا بخواهد، شما را هلاک می‌کند، ای مردم، و نابودتان می‌گرداند. به قولی در این آیه، کلمه‌ای محذوف در تقدیر است؛ یعنی: اگر بخواهد شما را ببرد، می‌برد، ای مردم، و عده‌ای دیگر را می‌آورد؛ یعنی مردم دیگری غیر از شما را می‌آورد که پیامبرش را یاری می‌رسانند. روایت شده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (ص) دستش را به پشت

هذا، یعنی: عَجَمَ الْفُرسِ. (۱)

۵. الإمام الصادق عليه السلام - ليعقوب بن قيس -: يا بن قيس، «وإن تتولوا
يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ» عَنِ ابْنَاءِ الْمَوَالِي
الْمُعْتَقِينَ. (۲)

۶. سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ:
يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ إِنْ تَوَلَّيْنَا اسْتَبْدَلُوا بِنَا
ثُمَّ لَمْ يَكُونُوا أَمْثَلَنَا؟ قَالَ: وَكَانَ سَلْمَانُ بِجَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
فَضْرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَخِذَ سَلْمَانَ، قَالَ: هَذَا وَأَصْحَابُهُ، وَالَّذِي
نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مَنُوطًا بِالشُّرْيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ
فَارِسَ. (۳)

۷. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ
أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي - مَرَّتَيْنِ - فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ
أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ
أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرُونِي...
لَأَحْدُثُ لَهُمْ أَشَدَّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ،

۱. مجمع البيان: ۱۸۷/۳: تفسير الطبري: ۴/ الجزء ۵/ ۳۱۹ نحوه.

۲. تفسير القمي: ۳۰۹/۲، بحار الانوار: ۶۷/ ۱۷۴/ ۵.

۳. سنن الترمذي: ۵/ ۳۸۴/ ۳۲۶۱، صحيح ابن حبان: ۱۶/ ۶۳/ ۷۱۲۳، المستدرک علی

الصحيحين: ۲/ ۴۹۸/ ۳۷۰۹، تاریخ أصبهان: ۱/ ۲۵، تاریخ دمشق: ۲۱/ ۴۱۶، تفسير

الطبري: ۱۳/ الجزء ۲۶/ ۶۶ و ص ۶۷ کلها نحوه.

سلمان زد و فرمود: «آنان، هموطنان این مرد هستند، یعنی ایرانیان».

۵. امام صادق (ع) - به یعقوب بن قیس - ای پسر قیس! «واگر روی برتابید، [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود»، مقصودش فرزندان آزاد شدگان [ایرانی] است.

۶. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - گروهی از یاران پیامبر خدا گفتند: این قومی که خداوند فرموده در صورت روی گرداندن ما، به جایمان خواهند آمد و چون ما نخواهند بود، کیان‌اند؟
راوی می‌گوید: سلمان در کنار پیامبر (ص) بود. ایشان بر پای او زد و فرمود: «این و قومش، سوگند به آن که جانم به دست اوست، اگر ایمان از ستارهٔ ثریا هم آویخته بود، مردانی از فارس به آن دست می‌یافتند».

۷. امام باقر (ع) - روزی پیامبر خدا در حالی که گروهی از یاران در نزدش بودند، دوبار فرمود: «خدایا! مرا به دیدار برادرانم برسان».
فردی از یارانش گفت: ای پیامبر خدا! آیا ما برادران نیستیم؟
فرمود: «خیر. شما یاران منید و برادران من، مردمانی‌اند در آخرالزمان که مرا ندیده‌اند؛ اما ایمان آورده‌اند... برای هر کدامشان پایداری در دین، از با دست خُرد کردن خار مغیلان در شب تیره، سخت‌تر است یا همچون کسی است که اخگر شورهٔ گز را در کف

أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَى، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ. (١)

٨. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ؛ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ يَبْدِرُ وَأَحَدٌ وَخْنَيْنِ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُونَ لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ. (٢)

٢/١

رَوَايَاتُ التَّعْبِيَةِ

٩. الإمام علي عليه السلام - فِي بَيَانِ خَصَائِصِ الْأَنْبِيَاءِ -: كَانُوا قَوْمًا مُسْتَضَعْفِينَ، قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْمَصَةِ، وَابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ، وَامْتَحَنَهُمُ بِالْمَخَاوِفِ، وَمَخَضَهُمُ بِالْمَكَارِهِ. فَلَا تَعْتَبِرُوا الرِّضَى وَالشُّحْطَ بِالْمَالِ وَالْوَلَدِ جَهْلًا بِمَوَاقِعِ الْفِتْنَةِ وَالِاخْتِبَارِ فِي مَوْضِعِ الْغِنَى وَالِاقْتِدَارِ؛ فَقَدْ قَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (٣)

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ

١. بصائر الدرجات: ٤/٨٤، بحار الانوار: ٥٢/١٢٣/٨.

٢. الغيبة للطوسي: ٤٥٦/٤٦٧، الخرائج والجرائح: ٣/١١٤٩/٥٧، بحار الانوار: ٥٢/٢٦/١٣٠.

٣. المؤمنون: ٥٥ و ٥٦.

نگه دارد. اینان، چراغهای تابان در دل تاریکی اند. خداوند، آنان را از هر فتنه غبارآلود و شبگون، نجات می بخشد».

۸. امام صادق (ع): پیامبر خدا فرمود: «پس از شما مردمی خواهند آمد که مردی از آنان، پاداش پنجاه نفر از شما را دارد». گفتند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و احد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد! فرمود: «اگر آنچه بر سر ایشان می آید، به سر شما بیاید، مانند آنان صبر و شکیبایی نمی کنید».

۲/۱

پیشوایان بسیج

۹. امام علی (ع) - در تبیین ویژگی های پیامبران - : آنان گروهی مستضعف بودند که خداوند، آنان را با گرسنگی آزموده بود و به سختی گرفتارشان ساخته و با ترس و بیمها آزمایششان کرده بود و از ناملايمات و ناراحتی ها پاکشان گردانیده بود. پس خشنودی و خشم خدا را به [داشتن یا نداشتن] مال و فرزند مپندارید، که این از سرِ جهل به موارد آزمایش هنگام بی نیازی و قدرت است و از این رو، خداوند پاک و بزرگ فرموده است: «آیا گمان می کنند که مال و فرزندان، که به آنها می بخشیم، [از آن روست که] در نیکویی به ایشان، بی درنگ و پُرشتابیم؟ [نه]، اما نمی فهمند».

خداوند سبحان، بندگانِ خود را که خودپسند و مستکبرند، به دوستانش که در نظر آنان مستضعف و خوار و زیون اند، می آزماید. آنجا که موسی بن عمران و برادرش هارون (ع)، بر فرعون وارد شدند، درحالی که هر دو لباس پشمین بر تن و عصای چوبین در دست داشتند و با او شرط کردند که اگر تسلیم دین حق شود، پادشاهی اش برجا و عزّتش بادوام باشد؛ اما او گفت: «از این

الْمُسْتَضَعْفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ. وَلَقَدْ دَخَلَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ وَمَعَهُ أَخُوهُ
 هَارُونُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى فِرْعَوْنَ وَعَلَيْهِمَا مَدَارِعُ الصُّوفِ وَبِأَيْدِيهِمَا
 الْعِصِيُّ، فَشَرَطَا لَهُ إِنْ أَسْلَمَ بَقَاءَ مُلْكِهِ وَدَوَامَ عِزِّهِ فَقَالَ: «أَلَا
 تَعَجَبُونَ مِنْ هَذَيْنِ يَشْرِطَانِ لِي دَوَامَ الْعِزِّ وَبَقَاءَ الْمُلْكِ وَهُمَا بِمَا
 تَرَوْنَ مِنْ حَالِ الْفَقْرِ وَالذُّلِّ، فَهَلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِمَا أَسَاوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ؟»
 إِعْظَامًا لِلذَّهَبِ وَجَمْعِهِ، وَاحْتِقَارًا لِلصُّوفِ وَلُبْسِهِ. وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ
 سُبْحَانَهُ لِأَنْبِيَائِهِ - حَيْثُ بَعَثَهُمْ - أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الذَّهَبَانِ،
 وَمَعَادِنَ الْعِيقَانِ، وَمَغَارِسَ الْجَنَانِ، وَأَنْ يَحْشُرَ مَعَهُمْ طُيُورَ السَّمَاءِ
 وَوُحُوشَ الْأَرْضِينَ لَفَعَلَ، وَلَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاءُ، وَبَطُلَ الْجَزَاءُ،
 وَاضْمَحَلَّتِ الْأَنْبَاءُ، وَلَمَّا وَجَبَ لِلْقَائِلِينَ أَجُورُ الْمُبْتَلَيْنِ،
 وَلَا اسْتَحَقَّ الْمُؤْمِنُونَ ثَوَابَ الْمُحْسِنِينَ، وَلَا لَزِمَتْ الْأَسْمَاءُ
 مَعَانِيهَا. وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ،
 وَضَعَفَةً فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ مِنْ حَالَاتِهِمْ، مَعَ قَنَاعَةٍ تَمْلَأُ الْقُلُوبَ
 وَالْعُيُونَ غِنًى، وَخَصَاصَةً تَمْلَأُ الْأَبْصَارَ وَالْأَسْمَاعَ أَدًى، وَلَوْ كَانَتْ
 الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَا تُرَامُ، وَعِزَّةٍ لَا تُضَامُ، وَمُلْكٍ تَمْتَدُّ نَحْوُهُ أَعْنَاقُ
 الرِّجَالِ، وَتُشَدُّ إِلَيْهِ عُقَدُ الرِّحَالِ لَكَانَ ذَلِكَ أَهْوَنَ عَلَى الْخَلْقِ فِي
 الْإِعْتِبَارِ، وَأَبْعَدَ لَهُمْ فِي الْإِسْتِكْبَارِ، وَلَا مَنُوا عَنْ رَهْبَةٍ قَاهِرَةٍ لَهُمْ،
 أَوْ رَغْبَةٍ مَائِلَةٍ بِهِمْ، فَكَانَتْ النِّيَّاتُ مُشْتَرَكَةً وَالْحَسَنَاتُ مُقْتَسَمَةً.
 وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْإِتِّبَاعُ لِرُسُلِهِ وَالتَّصَدِيقُ بِكُتُبِهِ
 وَالْخُشُوعُ لَوُجْهِهِ وَالِاسْتِكَانَةُ لِأَمْرِهِ وَالِاسْتِسْلَامُ لِطَاعَتِهِ أُمُورًا لَهُ

دو نفر تعجب نمی‌کنید که با من شرط می‌کنند که سروری‌ام به جا بماند و پادشاهی‌ام برقرار باشد، با آنکه آنان را با این حال پریشان و زیون می‌بینید! پس چرا دستبندهای طلا به دست آنها آویخته نیست؟»، به دلیل آنکه فرعون، طلا و جمع‌آوری آن را مهم می‌دانست و لباس پشمین و پوشیدن آن را پستی و حقارت می‌پنداشت!

اگر خداوند سبحان می‌خواست، هنگام بعثت پیامبرانش درهای گنجهای طلا و معادن زر ناب و باغهایی را که از هر نوع درخت در آن کاشته شده، بر آنان می‌گشود، و مرغهای آسمان و جانوران زمین را همراه آنان می‌ساخت. و اگر چنین می‌کرد، آزمایش از میان می‌رفت و پاداش، نادرست می‌شد و اخبار الهی (وعده و وعیدها) بی‌فایده می‌شد و برای پذیرندگان دعوت پیامبران، مُزد آزمایش‌شدگان لازم نمی‌آمد؛ و گرویدگان به انبیا، شایسته ثواب نیکوکاران نبودند و نامها با معانی آنها تطبیق نمی‌کرد. اما خداوند سبحان، پیامبرانش را در اراده و تصمیمات خودشان توانا گردانید، و در آنچه دیده‌ها از ظاهر آنان می‌بینند، خوار نمایاند، با قناعتی که دلها و چشمها را از بی‌نیازی پُر می‌دارد و فقر و ضعف ظاهری‌ای که چشمها و گوشها را بسیار بیازارد.

و اگر پیامبران دارای چنان نیرویی بودند که کسی خیال مخالفت با آنان را نمی‌کرد و قدرت و عزتی داشتند که هرگز، ستمی نمی‌کشیدند و سلطنتی داشتند که همه به سویشان گردن می‌کشیدند و مردم به قصد دیدارشان بار سفر می‌بستند، بر مردم آسان‌تر بود که از قدرت آنان، عبرت پذیرند و راه گردنکشی در پیش نگیرند؛ لیکن در چنین حالی ایمانشان یا از بیم جان بود و یا امید [به دست آوردن نان و چنان ایمان و کار نیکویی خالص

خاصّةً لا تشوبها من غيرها شائبة. وكلّما كانت البلوى والاختبار أعظم كانت المثوبة والجزاء أجزل.^(۱)

۳/۱

أَوْلِيَاءُ اللَّهِ

القرآن:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.^(۲)

الحديث:

۱۰. رسول الله ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ - : هُمُ الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ.^(۳)

۱۱. عنه ﷺ: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَنُوا فَكَانَ سُكُونُهُمْ ذِكْرًا، وَنَظَرُوا فَكَانَ

نَظَرُهُمْ عِبْرَةً، وَنَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً، وَمَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ

بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً، لَوْلَا الْآجَالُ الَّتِي قَدْ كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَقْرَأْ

أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَشَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ.^(۴)

۱۲. الإمام علي عليه السلام - لَمَّا قَرَأَ: ﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ...﴾ - :

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۲. يونس: ۶۲.

۳. الدر المنثور: ۴ / ۳۷۳.

۴. الكافي: ۲ / ۲۳۷ / ۲۵.

نمی نمود]، بلکه نیمی از ترس و نیمی به رغبت بود. اما خداوند سبحان، چنین خواسته است که پیروی از پیامبران او و تصدیق کتابهای او، و فروتنی در راه او، و تسلیم در مقابل امر او، و گردن نهادن به طاعت او، اموری مخصوص به او باشد که از غیر آنها چیزی با آن آموز آمیخته نشود؛ و هرچه آزمایش و امتحان بزرگتر باشد، ثواب و پاداش آن نیز بیشتر است.

۳/۱

دوستان خدا

قرآن:

آگاه باشید که به یقین، دوستان و نزدیکان خدا، نه بیمی [در عالم آخرت] بر آنان می رود و نه اندوهی خواهند داشت.

حدیث:

۱۰. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال درباره سخن خدای تعالی: «آگاه باشید که به یقین، دوستان و نزدیکان خدا، نه بیمی [در عالم آخرت] بر آنان می رود و نه اندوهی خواهند داشت»:- آنان، کسانی اند که در راه خدا به یکدیگر محبت می ورزند.

۱۱. پیامبر خدا ﷺ: دوستان خدا، خاموشی می گزینند و خاموشی آنها ذکر خداست، و می نگرند و نگاهشان عبرت است، و سخن می گویند و سخنانشان حکمت است، و راه می روند و راه رفتنشان در میان مردم، مایه برکت است. اگر نه این بود که اجلهایشان نوشته شده است، از ترس عذاب و شوق به ثواب، [لحظه ای] جانهایشان در کالبدهایشان قرار نمی گرفت.

۱۲. امام علی علیه السلام - چون آیه «آگاه باشید که به یقین، دوستان و نزدیکان

تَدْرُونَ مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ؟ قَالُوا: مَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: هُمْ نَحْنُ وَاتَّبَاعُنَا، فَمَنْ تَبِعْنَا مِنْ بَعْدِنَا طُوبَى لَنَا، وَطُوبَى لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى لَنَا! قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا شَأْنُ طُوبَى لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى لَنَا؟ أَلَسْنَا نَحْنُ وَهُمْ عَلَى أَمْرٍ؟ قَالَ: لَا؛ لَأَنَّهُمْ حَمَلُوا مَا لَمْ تُحْمَلُوا عَلَيْهِ، وَأَطَاعُوا مَا لَمْ تُطِيقُوا.^(۱)

۱۳. عنه علیه السلام - لَمَّا سئل عن قول الله تعالى: ﴿الْأَيُّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ فَقِيلَ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ - هُمْ قَوْمٌ أَخْلَصُوا لِلَّهِ تَعَالَى فِي عِبَادَتِهِ، وَنَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، فَعَرَفُوا أَجَلَهَا حِينَ غَرَّ النَّاسُ سِوَاهُمْ بِعَاجِلِهَا، فَتَرَكَوْا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتْرُكُهُمْ، وَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيُمِيتُهُمْ.^(۲)

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

۱۴. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَمْ يَزَالُوا مُسْتَضَعْفِينَ قَلِيلِينَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ علیه السلام.^(۳)

۱۵. عنه علیه السلام: يَا أَبَا بَصِيرٍ، طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^(۴)

۱. بحار الأنوار: ۶۹/۲۷۷/۱۰.

۲. بحار الأنوار: ۶۹/۳۱۹/۳۵.

۳. بحار الأنوار: ۶۸/۱۵۴/۱۰.

۴. کمال الدین: ۳۵۷/۵۴.

خدا نه بیمی بر آنان می‌رود و ...» را خواند :- «می‌دانید دوستان خدا چه کسانی‌اند». گفتند: چه کسانی‌اند، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «آنان، ما و پیروانمان هستیم. پس، هر که بعد از ما از ما پیروی کند، خوشا به حال ما و خوش‌تر به حال آنان!».

گفتند: ای امیر مؤمنان! چرا خوشا به حال ما و خوش‌تر به حال آنان؟ مگر نه این است که ما و آنان، هر دو در یک راهیم؟!

فرمود: «نه؛ زیرا آنان، باری را به دوش می‌کشند که شما نکشیده‌اید و چیزهایی را تحمل می‌کنند که شما تحمل نکرده‌اید».

۱۳. امام علی علیه السلام - در پاسخ به سؤال از اینکه منظور از دوستان خدا در سخن خدای تعالی: «آگاه باشید که به یقین، دوستان و نزدیکان خدا، نه بیمی [در عالم آخرت] بر آنان می‌رود و نه اندوهی خواهند داشت» :- آنان، مردمی‌اند که در عبادت خداوند متعال، اخلاص می‌ورزند و چون مردم ظاهر دنیا را می‌بینند، آنان، باطن دنیا را مشاهده می‌کنند و از این رو، آینده آن را شناختند، در حالی که دیگر مردم، فریفته امروز آن‌اند. پس، از دنیا آنچه را که می‌دانند به زودی آنان را ترک می‌کند، ترک کردند و آنچه از آن را که می‌دانند به زودی آنان را می‌میراند، میراندند.

۱۴. امام صادق علیه السلام: دوستان خدا، از همان زمانی که خداوند، آدم علیه السلام را آفرید، همواره در ضعف و اقلیت بوده‌اند.

۱۵. امام صادق علیه السلام: ای ابوبصیر! خوشا به حال پیروان قائم ماکه در زمان غیبت او منتظر ظهورش هستند و در زمان ظهورش فرمانبردار اویند. آنان، دوستان خدایند که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

الْمُنَاصِرُونَ السَّالِوُونَ لِلْأُمَّةِ

١٦. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا نَصَرَ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِضَعْفَائِهَا وَدَعَاوَتِهِمْ

وَإِخْلَاصِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ. ^(١)

١٧. عنه ﷺ: أَبْغُونِي فِي الضُّعْفَاءِ؛ فَإِنَّمَا تُرَزَقُونَ وَتُنَصَرُونَ

بِضَعْفَائِكُمْ. ^(٢)

١٨. عنه ﷺ: أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ الْفُقَرَاءُ وَالْمُهَاجِرُونَ

الَّذِينَ تُسَدُّ بِهِمُ الثُّغُورُ، وَتُتَّقَى بِهِمُ الْمَكَارِهِ، وَيَمُوتُ أَحَدُهُمْ

وَحَاجَّتُهُ فِي صَدْرِهِ لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا قَضَاءً، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ

يَشَاءُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ: ائْتُوهُمْ فَحَيُّوهُمْ، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: نَحْنُ سُكَّانُ

سَمَاوِكَ وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْتَأْمُرُنَا أَنْ نَأْتِيَ هَؤُلَاءِ فَنُسَلِّمَ

عَلَيْهِمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ كَانُوا عِبَادًا يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا،

وَتُسَدُّ بِهِمُ الثُّغُورُ، وَتُتَّقَى بِهِمُ الْمَكَارِهِ، وَيَمُوتُ أَحَدُهُمْ وَحَاجَّتُهُ

فِي صَدْرِهِ لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا قَضَاءً، فَتَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ

فَيَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿سَلِّمُوا عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى

الدَّارِ﴾ ^{(٣) (٤)}.

١٩. مسند ابن حنبل عن عمرو: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، حِينَ طَلَعَتْ

١. المحجة البيضاء: ١٢٥ / ٨.

٢. المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ١١٦ / ٢٥٠٩.

٣. الرعد: ٢٤.

٤. مسند ابن حنبل: ٢ / ٥٧٢ / ٦٥٨١.

۴/۱

اصلی ترین یاوران امت

۱۶. پیامبر خدا ﷺ: همانا خداوند، این امت را به سبب ناتوانان آنها و دعا و اخلاص و نمازشان یاری کرد.
۱۷. پیامبر خدا ﷺ: مرا در میان ضعیفان بجویند؛ زیرا که شما به برکت ضعیفان روزی داده و یاری می شوید.
۱۸. پیامبر خدا ﷺ: نخستین کسانی از خلق خدا که وارد بهشت می شوند، تهیدستان و مهاجران اند؛ کسانی که مرزها با آنان محفوظ می ماند و حوادث ناگوار به وسیله آنان برطرف می گردد و فردی از ایشان می میرد، در حالی که نیازها (و آرزوهای) او در سینه اش مانده و توانایی بر آوردنش را ندارد. پس خداوند متعال به کسانی از فرشتگانش که بخواهد، می فرماید: نزد آنها بروید و به آنان تحیت (و خوشامد) گویند. فرشتگان می گویند: ما ساکنان آسمان تو و برگزیدگان از خلق تو هستیم. آیا ما را فرمان می دهی که نزدشان رویم و بر آنان سلام گوئیم؟! خداوند [خواهد] گفت: آنها بندگان بودند که مرا می پرستیدند و شریکی برای من نمی گرفتند، و مرزها با آنان حفظ می شد، و حوادث ناگوار به وسیله آنان برطرف می گشت، و فردی از آنان می مُرد، در حالی که نیاز (ها و آرزوهای) او در سینه اش مانده بود و توان بر آوردنش را نداشت. پس فرشتگان نزدشان می آیند و از هر دری [از درهای بهشت] بر آنان داخل می گردند، و [می گویند]: سلام بر شما باد به خاطر شکیبایی شما، و چه خوش است پاداش سرا [ی جاوید]!
۱۹. مسند ابن حنبل - به نقل از عمرو -: هنگام طلوع خورشید نزد

الشَّمْسُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَأْتِي أُنَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَوْرُهُمْ كَضَوْءِ الشَّمْسِ، قُلْنَا: مَنْ أُولَئِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: فَقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ تَتَّقَى بِهِمُ الْمَكَارِهَ، يَمُوتُ أَحَدُهُمْ وَحَاجَّتُهُ فِي صَدْرِهِ، يُحْشَرُونَ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ^(۱).

۲۰. كنز العمال عن أمية بن خالد - في سيرة النبي ﷺ -: كَانَ يَسْتَفْتِحُ وَيَسْتَنْصِرُ بِصَعَالِكِ الْمُسْلِمِينَ^(۲).

۲۱. حلية الأولياء عن الحسن: جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَهْلِ الصُّفَّةِ فَقَالَ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ قَالُوا: بِخَيْرٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ، وَإِذَا غَدِيَ عَلَى أَحَدِكُمْ بِخَفْنَةٍ وَرِيحٍ بِأُخْرَى، وَسَتَرَ أَحَدَكُمْ بَيْتَهُ كَمَا تُسْتَرُ الْكَعْبَةُ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نُصِيبُ ذَلِكَ وَنَحْنُ عَلَى دِينِنَا؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالُوا: فَنَحْنُ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ، نَتَصَدَّقُ وَنُعْتَقُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا، بَلْ أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ؛ إِنَّكُمْ إِذَا أَصَبْتُمُوهَا تَحَاسَدْتُمْ وَتَقَاطَعْتُمْ وَتَبَاغَضْتُمْ^(۳).

۵/۱

اَللّٰهُمَّ هِدْ وَلَدَكَ وَلَدَ الْاِسْلَامِ الْعَالَمِيَّةِ

القرآن:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً

۱. مستند ابن حنبل: ۲ / ۵۹۱ / ۶۶۶۲.

۲. كنز العمال: ۷ / ۷۳ / ۱۸۰۲۳.

۳. حلية الأولياء: ۱ / ۳۴۰.

پیامبر خدا بودیم. فرمود: «به زودی از امت من در روز قیامت مردمی خواهند آمد که نورشان همانند پرتو خورشید است». گفتیم: آنان چه کسانی اند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «تهیدستان مهاجر، کسانی که حوادث ناگوار (و جنگ) به وسیله آنان برطرف می شود؛ فردی از آنان می میرد، در حالی که نیاز (ها و آرزوهای) او در سینه اش مانده است [و] از کرانه های زمین محشور می گردند».

۲۰. کنز العمال - به نقل از امیه بن خالد (درباره پیامبر ﷺ) :- آن حضرت

به کمک مسلمانان پابرهنه و بینوا، فتح می کرد و یاری می خواست.

۲۱. حلیه الأولیاء - به نقل از حسن :- پیامبر خدا نزد اهل صفه آمد

و فرمود: «شب را چگونه به روز آوردید؟». گفتند: به خوبی.

پیامبر خدا فرمود: «شما امروز بهترید یا آن گاه که برای یکی از شما

کاسه بزرگی [لبریز از غذا] آورده و کاسه دیگری برده شود و

خانه هایتان را آن چنان که کعبه را می پوشانند، بپوشانید؟». گفتند:

ای پیامبر خدا! آیا در حالی که بر دین خود هستیم، به آن [نعمتها]

دست خواهیم یافت؟

فرمود: «آری».

گفتند: پس آن روز برای ما بهتر است. صدقه می دهیم و بنده

آزاد می کنیم.

پیامبر خدا فرمود: «نه، بلکه امروز وضعیتان بهتر است؛ زیرا

اگر به آن [نعمتها] برسید، به یکدیگر حسادت خواهید کرد، از

یکدیگر خواهید بُرید و کینه یکدیگر را در دل خواهید پرورد».

۵/۱

زمینه سازان حکومت جهانی اسلام

قرآن:

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان

وَنَجْعَلُهُمُ النُّورَيْنِ»^(١).

الحديث :

٢٢. رسول الله ﷺ: يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ^(٢).

٢٣. الإمام علي عليه السلام: لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا، وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا»^(٣).

٢٤. الإمام زين العابدين عليه السلام: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيعَتِهِ وَإِنْ عَدَوْنَا وَأَشْيَاعُهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ^(٤).

٢٥. الإمام الباقر عليه السلام: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ. قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوِ ادْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ^(٥).

١. القصص: ٥.

٢. كنز العمال: ١٤/ ٢٤٣/ ٣٨٦٥٧.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ٢٠٩.

٤. مجمع البيان: ٧/ ٣٧٥.

٥. بحار الأنوار: ٥٢/ ٢٤٣/ ١١٦.

مردم و وارثان [حکومت جهان] گردانیم.

حدیث:

۲۲. پیامبر خدا ﷺ: مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حاکمیت مهدی را فراهم می آورند.

۲۳. امام علی ﷺ: دنیا پس از سرکشی با ما مهربان شود، همچون مهربان شدن ماده شتر بدخو به فرزندش. سپس این آیه را خواند: «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [حکومت جهان] گردانیم».

۲۴. امام زین العابدین ﷺ: سوگند به آن که محمد را به حقیقت، مرده دهنده و بیم دهنده برانگیخت، نیکان از میان ما، اهل بیت و پیروان آنها، مانند موسی و پیروانش، و دشمنان ما و پیروان آنها، مانند فرعون و پیروانش هستند.

۲۵. امام باقر ﷺ: گویا مردمانی را می بینم که در خاور زمین، قیام کرده اند و حق را می طلبند؛ اما به آنان نمی دهند. دوباره می طلبند، باز به آنان داده نمی شود. چون چنین دیدند، شمشیرهای (سلاحهای) خود را بر شانه هایشان می نهند. در این هنگام، خواسته شان داده می شود؛ اما آنها نمی پذیرند تا آنکه بر می خیزند، [حکومت تشکیل می دهند] و [پرچم] آن را جز به مولای شما تسلیم نمی کنند. کشتگان آنان، شهیدند. بدانید که اگر من آن زمان را دریابم، خود را برای [یاری] صاحب این امر ابقا خواهم کرد.

۲۶. الامام الصادق علیه السلام: إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظَةٌ لَهُ أَصْحَابُهُ لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعاً، أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ، وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تعالى: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْماً لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ»^(۱) وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «فَسَوْفَ يَأْتِي آلَهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^(۲) (۳)

۶/۱

التَّعَبُّونَ الْمَجْهُولُونَ

۲۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ، الَّذِينَ إِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا، وَإِذَا شَهِدُوا لَمْ يُعْرَفُوا، أُولَئِكَ أُمَّةُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الْعِلْمِ.^(۴)

۲۸. عنه علیه السلام: رَبُّ ذِي طَمَرَيْنِ لَا يُؤْتِيهِ لَهْ، لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ.^(۵)

۲۹. عنه علیه السلام: أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ؟ كُلُّ ضَعِيفٍ مُسْتَضْعَفٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ، أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ؟! كُلُّ عُتْلٍ جَوَاطِ جَعْظَرِي مُتَكَبِّرٍ.^(۶)

۱. الأنعام: ۸۹.

۲. المائدة: ۵۴.

۳. الغيبة للنعماني: ۱۲/۳۱۶.

۴. كنز العمال: ۵۹۲۹/۱۵۳/۳.

۵. المحجة البيضاء: ۱۰۹/۶.

۶. كنز العمال: ۵۹۳۴/۱۵۳/۳.

۲۶. امام صادق (ع): به راستی صاحب این امر (امام زمان ع)، یارانش برای او نگهداری شده‌اند. اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداوند یارانش را به او می‌رساند، و آنان همان کسانی هستند که خدای تعالی فرموده: «و اگر اینان بدان (به اسلام) کفر ورزند، بی گمان، گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که کافر نباشند» و آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده: «خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن‌اند و با کافران سختگیرند».



۲۷. پیامبر خدا (ص): محبوب‌ترین بندگان نزد خدای تعالی، پرهیزگاران گمنام‌اند؛ همانان که هرگاه غایب باشند، جویای حالشان نمی‌شوند و وقتی حضور دارند، ناشناخته‌اند. آنان، پیشوایان هدایت‌اند و چراغهای دانش.

۲۸. پیامبر خدا (ص): بسا يك لا قبای ژنده‌پوشی که کسی به او اعتنایی نکند؛ اما اگر خدا را سوگند دهد، خداوند سوگندش را بپذیرد [و دعا یا نفرینش را مستجاب کند].

۲۹. پیامبر خدا (ص): آیا اهل بهشت را به شما شناسانم؟! هر ناتوان مستضعفی که اگر به خدا سوگند خورد، خداوند سوگندش را تصدیق می‌کند. آیا اهل دوزخ را به شما معرفی نکنم؟! هر درشتخوی مالدار خسیس فخر فروش گردنفرازی است.

۳۰. الإمام علي عليه السلام: طوبى لكل عبد نومة، عرف الناس ولم يعرفه الناس، عرفه الله برضوان، أولئك مصابيح الهدى، يكشف الله عنهم كل فتنة مظلمة، سيدخلهم الله في رحمة منه، ليس أولئك بالمذاييع البذر، ولا الجفافة المرائين.^(۱)

۳۱. عنه عليه السلام - في وصف آخر الزمان - : وذلك زمان لا ينجو فيه إلا كل مؤمن نومة، إن شهد لم يعرف، وإن غاب لم يفتقد، أولئك مصابيح الهدى وأعلام السرى.^(۲)

۳۲. الامام الصادق عليه السلام: إن قدرتم أن لا تعرفوا فافعلوا، وما عليك إن لم يثن الناس عليك؟ وما عليك أن تكون مذموماً عند الناس إذا كنت محموداً عند الله تبارك وتعالى؟^(۳)

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱. حلیۃ الأولیاء: ۱/ ۷۶.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۳.

۳. الکافی: ۸/ ۱۲۸/ ۹۸.

۳۰. امام علی علیه السلام: خوشا به حال هر بنده بی نام و نشانی که مردم را می شناسد و مردم او را نمی شناسند. خداوند، او را به خشنودی [از خدا]، می شناسد. اینان، چراغهای هدایت اند. خداوند، هر گونه فتنه تاریکی را از آنان می زداید، به زودی، آنان را غرق رحمتی از رحمتهای خود می کند. نه سخن پراکن و فاش کننده اسرارند، و نه نافر هیخته و ریاکار.

۳۱. امام علی علیه السلام - در توصیف آخر الزمان -: زمانی می رسد که هیچ کس در آن زمان نجات نمی یابد، مگر هر مؤمن بی نام و نشانی. اگر حاضر باشد، ناشناخته است و اگر غایب باشد، جستجو نمی شود. این افراد، چراغهای هدایت اند و نشانه هایی روشن برای شبروان.

۳۲. امام صادق علیه السلام: اگر می توانید ناشناس بمانید، چنین کنید؛ و باکی بر تو نیست اگر مردم تو را ستایش نکنند و حتی در میان مردم، نکوهیده باشی، اگر نزد خداوند - تبارک و تعالی -، ستوده باشی.

الفصل الثاني مواصفات التعبئة

١/٢

المعاني الدينية

١-١/٢

سُرْمَةُ الْأَمْرِ الدِّيْنِيِّ

٣٣. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرُّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ
الرُّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ، وَمَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتْ
الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. (١)

٣٤. عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ﷻ زَالَتْ الْجِبَالُ
قَبْلَ أَنْ يَزُولَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بِجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ
بِجَهْلٍ. (٢)

١. بحار الأنوار: ٢/ ١٠٥/ ٦٧.

٢. بحار الأنوار: ٢٣/ ١٠٣/ ١١.

فصل دوم بایسته های سچ



۳۳. امام صادق علیه السلام: هر که از طریق شخصیت گرایی به این دین در آید، همان شخصیتها، چنان که او را به آن در آوردند، از آن خارج سازند و کسی که از طریق کتاب و سنت به این دین گرایش یابد، کوهها بجنبند و او نجنبند [و در عقیده و دینش متزلزل نشود].

۳۴. امام صادق علیه السلام: کسی که دینش را از طریق کتاب خدای تعالی بشناسد، اگر کوهها از جای خود بجنبند، او در دین خود متزلزل نشود و کسی که ندانسته عقیده ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج شود.

۲-۱/۲

التَّعَرُّفُ عَلَى الْقُرْآنِ

القرآن:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾. (۱)

الحديث:

۳۵. رسول الله ﷺ: إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَمَا حُلُّ مُصَدِّقٍ، وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ، وَهُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ، وَهُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَتَحْصِيلٌ، وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ، وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ؛ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَبَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَهُ نُجُومٌ وَعَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ، لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَبْلَى غَرَائِبُهُ، فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَمَنَارُ الْحِكْمَةِ وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَّةَ، فَلْيَجْلُ جَالٍ بِصَرِّهِ وَلْيُبْلِغِ الصِّفَّةَ نَظَرَهُ. (۲)

۳۶. عنه ﷺ: مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ غَمَطَ أَفْضَلَ النُّعْمَةِ. (۳)

۱. الاسراء: ۹.

۲. الكافي: ۲/۵۹۹.

۳. كنز العمال: ۱/۵۱۸/۲۳۱۷.

۲-۱/۲

آشنایی با قرآن

قرآن:

بی‌گمان این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند.

حدیث:

۳۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه فتنه‌ها و آشوب‌ها چون پاره‌های شبِ تار، شما را فراگرفت، به قرآن روی آورید؛ زیرا قرآن، شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و گزارشگر بدیهاست که گفته‌اش [درباره آن کس که بدان عمل نکرده] مورد تصدیق است. هر کس آن را رهبر خود سازد، او را به بهشت می‌برد و هر کس آن را پشت سر اندازد، او را به دوزخ راند. قرآن، راهنمایی است که به بهترین راه، ره نماید، و کتابی است که تفصیل و بیان [حقایق] و تحصیل [مقاصد] در آن است، و آن است جداکننده [حق و باطل]، و شوخی و لغو نیست؛ ظاهری دارد و باطنی، که ظاهرش حکم است و باطنش علم. ظاهرش خرم و زیباست و باطنش ژرف و ناپیدا. ستارگانی دارد و ستارگانش نیز ستارگانی. شگفتیهایش به شماره نیایند و غرایبش کهنه نشوند. در آن است چراغهای هدایت و فروزانگاه حکمت، و دلیل بر معرفت برای کسی که راه آن را بداند.

پس باید هر پژوهشگری دیده‌اندیشه خود را به همه سوی آن بچرخاند و نظر تأمل خود را تا [ژرفای مفاهیم عمیق] آن برساند.

۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس که خدا نعمت حفظ کتاب خود را به او عطا کند و گمان کند که به دیگری نعمتی بزرگ‌تر از این نعمت او داده شده است، بی‌گمان، نسبت به بزرگ‌ترین نعمت، ناسپاسی کرده است.

۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: الحافظ للقرآن العاقل به مع السفرة الكرام البررة. ^(۱)

۳-۱/۲

التَّعَرُّفُ عَلَى الْحَدِيثِ

۳۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ حَمَلَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَفِيهَا عَالِمًا. ^(۲)

۳۹. عنه عليه السلام: مَنْ تَعَلَّمَ حَدِيثَيْنِ اثْنَيْنِ يَنْفَعُ بِهِمَا نَفْسَهُ، أَوْ يُعَلِّمُهُمَا غَيْرَهُ فَيَسْتَفِيعَ بِهِمَا، كَانَ خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً. ^(۳)

۴۰. عنه عليه السلام: تَذَاكُرُوا وَتَلَاقُوا وَتَحَدَّثُوا؛ فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ، إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرَيْنُ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ، جَلَاؤُهَا الْحَدِيثُ. ^(۴)

۴۱. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ حَدِيثَنَا يُحْيِي الْقُلُوبَ. ^(۵)

۴۲. الإمام الصادق عليه السلام: اَعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ مِنَّا عَلَى قَدْرِ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا. ^(۶)

۱. الكافي: ۲/۶۰۳/۲.

۲. كنز العمال: ۱۵۸/۱۰/۲۸۸۱۸.

۳. بحار الأنوار: ۲/۱۵۲/۴۴.

۴. الكافي: ۸/۴۱/۱.

۵. بحار الأنوار: ۲/۱۴۴/۵.

۶. بحار الأنوار: ۲/۱۵۰/۲۴.

۳۷. امام صادق علیه السلام: حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه فرشتگان پیغام آور بزرگوار و نیکوکار است.

۳-۱/۲

آشنایی با حدیث

۳۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از امت من که چهل حدیث از حفظ داشته باشد، خداوند در روز رستاخیز، او را دین شناسی عالم برانگیزد.

۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دو حدیث سودمند بیاموزد یا آنها را به دیگری آموزش دهد که از آن دو حدیث، بهره‌مند شود، این کار بهتر از شصت سال عبادت است.

۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با یکدیگر مذاکره [ی علمی] و ملاقات کنید و حدیث بگوئید؛ زیرا حدیث، دلها را صیقل می‌دهد. همانا دلها همچون شمشیر، زنگار می‌گیرند و صیقل دهنده آنها حدیث است.

۴۱. امام باقر علیه السلام: همانا حدیث ما، دلها را زنده می‌کند.

۴۲. امام صادق علیه السلام: جایگاه مردم نزد ما را از اندازه روایاتی که از ما نقل می‌کنند، بشناسید.

۲-۱/۲

التَّفَقُّهُ بِالْإِسْلَامِ

القرآن:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^(۱)
 ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَنَ اللَّهُ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^(۲)

الحديث:

۴۳. رسول الله ﷺ: لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ، وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ.^(۳)
 ۴۴. عنه ﷺ: مَثَلُ الْعَابِدِ الَّذِي لَا يَتَفَقَّهُ كَمَثَلِ الَّذِي يَبْنِي بِاللَّيْلِ وَيَهْدِمُ
 بِالنَّهَارِ.^(۴)

۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ.^(۵)

۵-۱/۲

النَّظَرُ الشَّمُولُ لِنِزَالِ الدِّينِ

۴۶. رسول الله ﷺ: لَيْسَ يَقُومُ بِدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ

۱. التوبة: ۱۲۲.

۲. يوسف: ۱۰۸.

۳. بحار الأنوار: ۱/ ۲۱۶/ ۳۰.

۴. كنز العمال: ۱۰/ ۱۷۹/ ۲۸۹۳۰.

۵. معاني الأخبار: ۲/ ۳.

۴-۱/۲ دین‌شناسی

قرآن:

و مؤمنان را نسرزد که همگی رهسپار [میدان جهاد] شوند. پس چرا از هر جمعیتی از آنان، گروهی کوچ نمی‌کنند تا دین پژوهی کنند و مردم خود را آن‌گاه که به سوی آنها بازگشتند، هشدار دهند، باشد که پروا پیشه کنند.

بگو: این، راه من است که من و هر کس که پیرو من است، با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم.



حدیث:

۴۳. پیامبر خدا ﷺ: هر چیزی را تکیه‌گاهی است و تکیه‌گاه این دین، فهم دقیق است.

۴۴. پیامبر خدا ﷺ: مثل عابدی که دین‌شناس نیست، همچون مثل کسی است که شب، [بنایی] می‌سازد و روز، ویران می‌کند.

۴۵. امام صادق علیه السلام: [اگر] حدیثی را بفهمی، بهتر است از آنکه هزار حدیث، [نفهمیده] نقل کنی.

۵-۱/۲ هم‌نوگرایی به دین

۴۶. پیامبر خدا ﷺ: تنها آن کس می‌تواند برای [یاری] دین خداوند ﷻ

جَوَانِبِهِ (۱).

۴۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ دِينَ اللَّهِ ﷻ لَنْ يَنْصُرَهُ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ

جَوَانِبِهِ (۲).

۴۸. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا الْمُسْتَحْفِظُونَ لِدِينِ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ أَقَامُوا الدِّينَ

وَنَصَرُوهُ، وَحَاطُوهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ، وَحَفِظُوهُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ

وَرَعَوْهُ (۳).

۶-۱/۲

الْوَعَى الدِّينِيَّةُ

۴۹. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقَيُّطُ فِي الدِّينِ نِعْمَةٌ عَلَى مَنْ رَزَقَهُ (۴).

۵۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ،

وَالْمَوْجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ، وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَى اللَّهِ بِاللهِ وَتَسْتَعِينُوا بِهَا

عَلَى اللَّهِ. فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْجَنَّةِ، وَفِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى

الْجَنَّةِ. مَسْلَكُهَا وَاضِحٌ، وَسَالِكُهَا رَابِحٌ، وَمُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ. لَمْ

تَبْرَحْ عَارِضَةٌ نَفْسَهَا عَلَى الْأُمَمِ الْمَاضِينَ مِنْكُمْ، وَالْغَائِبِينَ

۱. شرح الاخبار: ۲/ ۳۸۹.

۲. الفردوس: ۱/ ۲۳۴/ ۸۹۷.

۳. غرر الحكم: ۳۹۱۲.

۴. غرر الحكم: ۲۰۵۸.

قیام کند که از همه سو به آن، احاطه داشته باشد.

۴۷. پیامبر خدا ﷺ: دین خدای عزوجل را هرگز یاری نمی‌رساند، مگر کسی که از همه سو آن را احاطه کند.

۴۸. امام علی علیه السلام: نگهبانان دین خدا، همانانند که دین را بر پا داشتند و یاری‌اش کردند و از همه سو، آن را در میان گرفتند و آن را برای بندگان خدا، نگه‌داشتند و آن را پاس داشتند و رعایت کردند.

۶-۱/۲

بشاری‌نبی

۴۹. امام علی علیه السلام: بیداری در دین، نعمتی است بر آن‌که روزی‌اش شده است.

۵۰. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا این کار، حق خداست بر شما، و موجب حق شما بر خدا می‌شود.

و به شما سفارش می‌کنم که در راه تقوا، از خدا کمک بخواهید و به وسیله آن، برای گزاردن حق خدا یاری طلبید؛ زیرا پرهیزگاری، امروز پناهگاه و سپر است و در فردا، راهی به سوی بهشت است. راه آن، روشن است و رونده در این راه، بهره‌ور و امانتدار آن (یعنی خدای بزرگ)، حافظ و نگهدار. تقوا، همواره خود را بر مردم گذشته و حال، نشان داده است؛ زیرا آنان در فردای قیامت، به آن نیاز دارند؛ فردایی که خداوند بزرگ، آنچه را پدید آورده است، باز می‌گرداند و آنچه را بخشیده است، باز می‌گیرد و از آنچه عطا فرموده است، سؤال می‌کند.

پس چه بس اندک‌اند کسانی که تقوا را پذیرفته‌اند و به

لِحَاجَتِهِمْ إِلَيْهَا عَدَا إِذَا أَعَادَ اللَّهُ مَا أَبَدَى، وَأَخَذَ مَا أُعْطَى، وَسَأَلَ
عَمَّا أُسْدَى. فَمَا أَقَلَّ مَنْ قَبْلَهَا وَحَمَلَهَا حَقَّ حَمْلِهَا. أُولَئِكَ
الْأَقْلَوْنَ عَدَدًا، وَهُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ: ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ
عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾. (١) فَأَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَيْهَا، وَالْظُّلُوعَ بِجِدِّكُمْ
عَلَيْهَا. وَاعْتَاضُوهَا مِنْ كُلِّ سَلَفٍ خَلَفًا، وَمِنْ كُلِّ مُخَالِفٍ مُّوَافِقًا.
أَيَقِظُوا بِهَا نَوْمَكُمْ، وَاقْطَعُوا بِهَا يَوْمَكُمْ. (٢)

٥١. عنه عليه السلام: وَمَا بَرَحَ اللَّهُ - عَزَّتْ آلاؤُهُ - فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَفِي
أَزْمَانِ الْفَقَرَاتِ، عِبَادٌ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ، وَكَلَّمَهُمْ فِي ذَاتِ
عُقُولِهِمْ، فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورٍ يَقْظِيهِ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ،
يُذَكِّرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ، وَيُخَوِّفُونَ بِمَنْزِلَةِ الْإِدْلَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، مَنْ
أَخَذَ الْقَصْدَ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ أَخَذَ يَمِينًا
وَشِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ، وَخَذَرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَكَانُوا كَذَلِكَ
مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ وَأِدْلَةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ. (٣)

٧-١/٢

التفكير في المسائل الدينية

٥٢. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَسْهَرَ عَيْنَ فِكْرَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ هِمَّتِهِ. (٤)

١. سبأ: ١٣.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٩١.

٣. نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٢.

٤. غرر الحكم: ٨٧٨٤.

شایستگی، آن را به کار بسته‌اند! آنان از نظر تعداد، کم‌اند و شایستگی توصیف خدای بزرگ را دارند، در آنجا که می‌گوید: «وبندگان بسیار شکرگزار من، کم‌اند».

پس گوشه‌های خود را به تقوا فرا دارید، و به جد بدان روی آرید، و از هر چه خلاف تقوا بود، دل بکنید و تقوا را دلخواه خود شمارید. خود را با پرهیزگاری بیدار دارید و روز خود را با آن به سر آرید.

۵۱. امام علی علیه السلام: و همواره خداوند را - که نعمتها و بخششهایش بی‌شمار است - در دورانی از روزگار، پس از روزگاری دیگر و در زمانی میان آمدن دو پیامبر، بندگانی است که از راه اندیشه، با آنان در راز است و از طریق خرد، با آنان دمساز.

و آنان، چراغ هدایت را به نور بیداری برافروختند که در گوشه‌ها و چشمها و دلها فروزان ساختند. ایام الله را به یاد مردم می‌آورند و آنان را از عظمت و بزرگواری او می‌ترسانند. اینان، همچون نشانه‌های بیابانها هستند. کسی که راه میانه را در پیش گیرد، او را می‌ستایند و به نجات و رستگاری‌اش بشارت می‌دهند؛ و کسی را که به راست و چپ متمایل شود، از راهی که در پیش گرفته است، نکوهش می‌کنند و او را از هلاکت، برحذر می‌دارند؛ و آنان، چراغهایی در دل تاریکی‌ها و راهنمایی در میان شبهه‌ها هستند.

۷-۱/۲ اندیشه‌در مسائل دینی

۵۲. امام علی علیه السلام: هر که دیده‌اندیشه خود را پیوسته بیدار نگه دارد، به اوج خواست خویش دست می‌یابد.

۵۳. الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ أَكْثَرُ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ عليه السلام خَصْلَتَيْنِ: التَّفَكُّرُ وَالْإِعْتِبَارُ. (۱)

۵۴. الإمام الرضا عليه السلام : لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ، إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عليه السلام. (۲)

۵۵. تنبيه الخواطر عن أم أبي ذر - وَقَدْ سُئِلَتْ عَنْ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ -: كَانَ نَهَارُهُ أَجْمَعَ يَتَفَكَّرُ فِي نَاحِيَةٍ عَنِ النَّاسِ. (۳)

۸-۱/۲



۵۶. الإمام علي عليه السلام : إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ ؛ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَائُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَدَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى ، وَأَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدُعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى. (۴)

۵۷. عنه عليه السلام : إِحْذَرُوا الشُّبُهَةَ ؛ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ. (۵)

۱. الخصال: ۴۲/۳۳.

۲. الكافي: ۲/۵۵/۴.

۳. تنبيه الخواطر: ۱/۲۵۰.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۳۸.

۵. تحف العقول: ۱۱۵.

۵۳. امام صادق علیه السلام: بیشترین عبادت ابوذر - رحمت خدا بر او باد - دو چیز بود: اندیشیدن و پند گرفتن.

۵۴. امام رضا علیه السلام: عبادت، بسیاری نماز و روزه نیست؛ بلکه عبادت، اندیشیدن در کار خدای جل جلاله است.

۵۵. تنبیه الخواطر: از مادر ابوذر، درباره عبادت او سؤال شد. گفت: تمام روز را از مردم کناره می‌گرفت و به اندیشیدن می‌پرداخت.

۸-۱/۲



۵۶. امام علی علیه السلام: شبهه به این دلیل شبهه نامیده شده که شبهه حق است؛ اما دوستان خدا در هنگام شبهه، روشنایی راهشان یقین است و راهنماییشان، راه راست؛ ولی دشمنان خدا به گاه شبهه، دعوتشان گمراهی است و راهنماییشان کوری.

۵۷. امام علی علیه السلام: از شبهه حذر کنید؛ زیرا که شبهه، برای فتنه و گمراه‌سازی است.

٩-١/٢

مَعْرِفَةُ دَعَائِمِ الدِّينِ

أ. حَبَّ اللَّهِ

٥٨. الإمام عليّ عليه السلام - في فضل الإسلام -: ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ، وَاصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ، وَأَصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ، وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ. (١)

ب. حَبَّ أَهْلَ الْبَيْتِ

٥٩. رسول الله ﷺ: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَتَكُونَ عِزَّتِي إِلَيْهِ أَعَزَّ مِنْ عِزَّتِهِ، وَيَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ، وَتَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ. (٢)

٦٠. عنه عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (٣)

٦١. الأماشي عن عبد الرزاق بن قيس الرحبي: كُنْتُ جَالِساً مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَى بَابِ الْقَصْرِ حَتَّى أَجَاءَتْهُ الشَّمْسُ إِلَى حَائِطِ الْقَصْرِ، فَوُتِبَ لِيَدْخُلَ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ فَتَعَلَّقَ بِثَوْبِهِ وَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، حَدِّثْنِي حَدِيثاً جَامِعاً يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ، قَالَ: أَوْلَمْ

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٨.

٢. علل الشرايع: ٣/١٤٠.

٣. الكافي: ٢/٤٦/٢.

۹-۱/۲

شناخت اساس دین

الف. محبت خدا

۵۸. امام علی علیه السلام - درباره ارزش اسلام - : وانگهی، این اسلام، آیین خداست که آن را برای خود برگزید و بر دیده خویش پرورید و بهترین آفریدگانش را ویژه [ابلاغ] آن گرداند و ستونهایش را بر دوستی خود، استوار کرد.

ب. محبت اهل بیت

۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای ایمان نمی آورد، مگر آن‌که من برایش دوست داشتنی تر از خودش باشم و خاندانم، برایش ارجمندتر از خاندانش باشند و خانواده‌ام، برایش دوست داشتنی تر از خانواده‌اش باشند و هستی‌ام، برایش دوست داشتنی تر از هستی خودش باشد.

۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی را بنیادی است و بنیاد اسلام، دوستی ما اهل بیت است.

۶۱. الأُمّالی - به نقل از عبدالرزاق بن قیس رحبی - : همراه علی بن ابی طالب علیه السلام، بر درِ دار الحکومه نشسته بودیم که تابش خورشید، امام را به پناه بردن به داخل دار الحکومه، ناگزیر ساخت. حضرت برخاست تا داخل شود که مردی از قبیله همدان، چنگ در پیراهن ایشان زد و گفت: ای امیر مؤمنان! برایم حدیثی جامع باز گو تا

يَكُنْ فِي حَدِيثٍ كَثِيرٍ؟ قَالَ: بَلَى، وَلَكِنْ حَدَّثَنِي حَدِيثًا جَامِعًا
(يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ).

قال: حَدَّثَنِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنِّي أَرِدُ أَنَا وَشِيعَتِي
الْحَوْضَ رِوَاءَ مَرُوءَيْنَ، مُبَيَّضَةً وَجُوهُهُمْ، وَيَرْدُ عَدُونَنَا ظِمَاءً
مُظْمًئِينَ، مُسَوَّدَةً وَجُوهُهُمْ. خُذْهَا إِلَيْكَ قَصِيرَةً مِنْ طَوِيلَةٍ؛ أَنْتَ
مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ، وَلَكَ مَا اكْتَسَبْتَ، أَرْسِلْنِي يَا أَخَا هَمْدَانَ، ثُمَّ
دَخَلَ الْقَصْرَ. (۱)

۲/۲

المعارف السياسية

۱-۲/۲

الایمان و الفطنة

۶۲. رسول الله ﷺ: الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ. (۲)

۶۳. الإمام عليّ عليه السلام: أَشْرَفُ الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرُهُمْ كَيْسًا. (۳)

۶۴. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ، بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ، وَحُزْنُهُ فِي
قَلْبِهِ. (۴)

۱. الأماالي للمفيد: ۴/۳۳۸.

۲. الفردوس: ۴/۱۷۵/۶۵۴۴.

۳. غرر الحكم: ۳۰۰۹.

۴. الكافي: ۲/۲۲۶/۱.

خداوند، بدان سودم دهد.

حضرت فرمود: «آیا این سود، در احادیث بسیار نیست؟».

گفت: چرا؛ ولی می‌خواهم حدیثی جامع، برایم بازگویی.

حضرت فرمود: «دوستم، پیامبر خدا، برایم این حدیث را

گفت که من و پیروانم، سیراب و سیراب شده، با چهره‌هایی سپید،

بر حوض [کوثر] وارد خواهیم شد. دشمنان ما نیز تشنه‌لب و

تشنه‌کام و با چهره‌هایی سیاه، بر حوض، وارد خواهند شد. این

حدیث را با کوتاهی‌اش به جای حدیثی بلند، بگیر. تو همراه

کسی هستی که دوستش می‌داری و بهره‌ات، همان است که به

دست آورده‌ای. اینک ای برادر همدانی! رهایم کن».

سپس داخل دارالحکومه شد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

۲/۲

آگاهی‌های سیاسی

۱-۲/۲

ایمان و زیرکی

۶۲. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن، زیرک و هوشیار و بیدار است.

۶۳. امام علی علیه السلام: والاترین مؤمنان، زیرک‌ترین آنهاست.

۶۴. امام علی علیه السلام: مؤمن، زیرک و هوشیار است. شادمانی او در

چهره‌اش و غمش در دل اوست.

..... ۶۸ بایسته‌های بسیج

۶۵. الإمام الصادق عليه السلام: المؤمن له قُوَّةٌ في دينٍ... وَعِلْمٌ في حِلْمٍ،
وَكَيْسٌ في رَفَقٍ. ^(۱)

۲-۲/۲

وَعَى الْعَصْرِ

۶۶. الإمام علي عليه السلام: العالم يزمانه لا تهجم عليه اللوايس. ^(۲)

۶۷. عنه عليه السلام: حسب المرء... من عرفانه علمه يزمانه. ^(۳)

۶۸. عنه عليه السلام: من عاند الزمان أرغمه، ومن استسلم إليه لم
يسلم. ^(۴)

۳-۲/۲

الْوَعَى السَّيَاسِي

۶۹. الإمام علي عليه السلام: من دلائل الدولة قلة الغفلة. ^(۵)

۷۰. عنه عليه السلام: من أمارات الدولة اليقظة لحراسة الأمور. ^(۶)

۱. الكافي: ۲/۲۳۱/۴.

۲. الكافي: ۱/۲۷/۲۹.

۳. كشف الغمة: ۳/۱۳۷.

۴. غرر الحكم: ۹۰۵۴.

۵. غرر الحكم: ۹۴۱۰.

۶. غرر الحكم: ۹۳۶۰.

۶۵. امام صادق علیه السلام: مؤمن در دینداری، قوی است... و دانش همراه با بردباری و زیرکی همراه با مدارا دارد.

۲-۲/۲

زمان آگاهی

۶۶. امام علی علیه السلام: شبهات، به کسی که زمان خود را می‌شناسد، یورش نمی‌آورند.

۶۷. امام علی علیه السلام: در معرفت انسان، همین بس که... زمان خود را بشناسد.

۶۸. امام علی علیه السلام: هرکس با زمان دشمنی کند، [زمان] بر زمینش می‌کوبد، و هرکس تسلیم آن شود، به سلامت نمی‌ماند.

۳-۲/۲

هشیاری سیاسی

۶۹. امام علی علیه السلام: از نشانه‌های [پایداری] دولت، غفلت کم [و هشیاری بسیار] دولتمردان است.

۷۰. امام علی علیه السلام: از نشانه‌های [پایداری] دولت، بیداری [دولتمردان] برای مراقبت از کارهاست.

۴-۲/۲

الْاِخْتِرَازُ مِنْ اَثَارِ الْعَدَاءِ

۷۱. رسول الله ﷺ: مَا عَهَدَ إِلَيَّ جِبْرِئِيلُ ﷺ فِي شَيْءٍ مَا عَهَدَ إِلَيَّ فِي مُعَادَاةِ الرِّجَالِ. (۱)

۷۲. عنه ﷺ: مَا أَتَانِي جِبْرِئِيلُ ﷺ قَطُّ إِلَّا وَعَظَنِي، فَأَخِرُ قَوْلَهُ لِي: إِيَّاكَ وَمُشَارَّةَ النَّاسِ؛ فَإِنَّهَا تَكْشِفُ الْعَوْرَةَ وَتَذْهَبُ بِالْعِزِّ. (۲)

۷۳. عنه ﷺ: أَرْبَعَةُ الْقَلِيلِ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّارُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ، وَالنَّوْمُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْمَرَضُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْعَدَاوَةُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ. (۳)

۷۴. الإمام عليّ ﷺ: تَجَنَّبُوا تَضَاعُنَ الْقُلُوبِ وَتَشَاخُنَ الصُّدُورِ، وَتَدَابُرَ النَّفُوسِ وَتَخَاذُلَ الْأَيْدِي، تَمْلِكُوا أَمْرَكُمْ. (۴)

۷۵. عنه ﷺ: رَأْسُ الْجَهْلِ مُعَادَاةُ النَّاسِ. (۵)

۷۶. عنه ﷺ: مَنْ حَارَبَ النَّاسَ حُرِبَ. (۶)

۱. الكافي: ۱۱/۳۰۲/۲.

۲. الكافي: ۱۰/۳۰۲/۲.

۳. الخصال: ۸۴/۲۳۸.

۴. غرر الحكم: ۴۵۴۴.

۵. غرر الحكم: ۵۲۴۷.

۶. غرر الحكم: ۹۰۱۳.

۲-۲/۲

اجتناب از دشمنی

۷۱. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل علیه السلام درباره هیچ چیز به اندازه دوری کردن از

دشمنی با مردم، به من سفارش نکرد.

۷۲. پیامبر خدا ﷺ: هیچ‌گاه جبرئیل علیه السلام نزد من نیامد، مگر اینکه مرا پند

داد و آخرین سخنش به من این بود: از دشمنی کردن با مردم،

بپرهیز؛ زیرا این کار، عیب نهفته را آشکار می‌سازد و عزت را از

بین می‌برد.

۷۳. پیامبر خدا ﷺ: چهار چیزند که اندک آنها هم زیاد است: آتش،

خواب، بیماری و دشمنی، که اندک هریک هم زیاد است.

۷۴. امام علی علیه السلام: از کینه به دل گرفتن و تخم دشمنی در سینه کاشتن و به

یکدیگر پشت کردن و دست از یاری هم کشیدن بپرهیزید، تا

اختیار کار خود را داشته باشید.

۷۵. امام علی علیه السلام: اوج نادانی، دشمنی با مردم است.

۷۶. امام علی علیه السلام: آن‌که با مردم بستیزد، با او دشمنی شود.

۷۷. عنه علیه السلام: الواحد من الأعداء كثير. ^(۱)

۷۸. عنه علیه السلام: يا بني إياكم ومُعَاداة الرجال؛ فإنهم لا يخلون من ضارين: من عاقلٍ يَمَكُرُ بِكُمْ، أو جاهلٍ يَعْجُلُ عَلَيْكُمْ، وَالكَلَامُ ذَكَرٌ، وَالْجَوَابُ أَنْثَى، فإذا اجتمع الزوجان فلا بد من التناج. ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

سَلِيمُ الْعَرَضِ مَنْ حَذَرَ الْجَوَابَا وَمَنْ دَارَى الرَّجَالَ فَقَدْ أَصَابَا
وَمَنْ هَابَ الرَّجَالَ تَهَيَّبُوهُ وَمَنْ حَقَرَ الرَّجَالَ فَلَنْ يُهَابَا ^(۲)

۷۹. عنه علیه السلام: أَحَبُّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا؛ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ
يَوْمًا مَا، وَأَبْغَضُ بَغِيضِكَ هَوْنًا مَا؛ عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ
يَوْمًا مَا. ^(۳)

مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

۸۰. الإمام زين العابدين علیه السلام: لا تُعَادِينَ أَحَدًا وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ،
وَلَا تَزْهَدَنَّ فِي صَدَاقَةِ أَحَدٍ وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُكَ؛ فَإِنَّكَ
لَا تَدْرِي مَتَى تَرْجُو صَدِيقَكَ، وَلَا تَدْرِي مَتَى تَخَافُ عَدُوَّكَ. ^(۴)

۸۱. لقمان - لابنه - : يا بُنَيَّ، صَاحِبِ مِثَّةً وَلَا تُعَادِ وَاحِدًا. ^(۵)

۱. غرر الحكم: ۱۱۴۹.

۲. الخصال: ۷۲/۱۱۱.

۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۶۸.

۴. الدرّة الباهرة: ۲۶.

۵. معانی الاخبار: ۲۵۳/۱.

۷۷. امام علی علیه السلام: یک دشمن [هم] بسیار است.

۷۸. امام علی علیه السلام: «فرزنداتم! پرهیزید از دشمنی با مردمان؛ چرا که آنان، از دو دسته خارج نیستند: خردمندی که با شما حيله می‌ورزد، یا نادانی که به سرعت با شما تلافی می‌کند. سخن، نر است و پاسخ، مادینه. هرگاه نر و ماده جمع گردند، قهرأ نتیجه‌ای [حاصل] آید».

سپس این شعر را سرود:

«کسی آبرویش محفوظ می‌ماند که به پاسخ [سخنش] بیندیشد /

آن‌که با مردمان به نر می‌رفتار کند، به مقصد رسد.

آن‌که حریم مردم را نگاه دارد، آنان [نر] احترامش می‌کنند /

و آن‌که مردمان را تحقیر کند، احترامی نخواهد داشت».

۷۹. امام علی علیه السلام: در دوستی با دوست، اندازه نگاه دار، چه بسا که روزی دشمنت شود؛ و در دشمنی با دشمنت، از حدش تجاوز مکن، چه بسا که روزی دوست گردد.

۸۰. امام سجاده علیه السلام: هرگز با کسی دشمنی مکن، هرچند گمان ببری که به تو زیانی نمی‌رساند، و به دوستی با هیچ کس بی‌ رغبتی مکن، هرچند که تصوّر کنی که سودی به تو نمی‌رساند؛ زیرا نمی‌دانی که چه وقت به دوستت امید داری و نمی‌دانی کی از دشمنت ترسان می‌شوی.

۸۱. لقمان - به پسرش - : پسرکم! با صد نفر دوست شو و با یک نفر هم دشمنی مکن.

۵-۲/۲

تَشْخِصُ الْعَدُوِّ

أ. بواعث العداة

۸۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَ نَفْعُهُ فِي مَضَرَّتِكَ لَمْ يَخُلْ فِي كُلِّ حَالٍ مِنْ عَدَاوَتِكَ. (۱)

ب. صنوف الأعداء

۸۳. الإمام علي عليه السلام: أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، فَأَصْدِقَاؤُكَ: صَدِيقُكَ، وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَعَدُوُّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ: عَدُوُّكَ، وَعَدُوُّ صَدِيقِكَ، وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ. (۲)

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ج. أخطر الأعداء

۸۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمْ الْأَنَمَةُ الْمُضِلُّونَ. (۳)

۸۵. عنه عليه السلام: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمْ بَعْدِي كُلُّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ. (۴)

۸۶. عنه عليه السلام: أَشَدُّ مَا يُتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةُ عَالِمٍ، أَوْ

۱. غرر الحكم: ۹۱۵۰.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۲۹۵.

۳. مسند ابن حنبل: ۱۰ / ۴۱۶ / ۲۷۵۵۵.

۴. منية المرید: ۱۳۷.

۵-۲/۲

دشمن‌شناسی

الف. انگیزه دشمنی

۸۲. امام علی علیه السلام: آن‌که سودش در زیان تو باشد، هیچ‌گاه از دشمنی با تو بیرون نباشد.

ب. اقسام دشمنان

۸۳. امام علی علیه السلام: دوستان تو، سه دسته‌اند و دشمنانت نیز سه دسته‌اند: دوستان، دوست تو و دوست دوست تو و دشمن دشمنت هستند و دشمنانت، دشمن تو و دشمن دوست و دوست دشمنت هستند.

ج. خطرناک‌ترین دشمنان

۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وحشتناک‌ترین چیزی که از آن برای شما می‌ترسم، پیشوایان گمراه‌کننده‌اند.

۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترسناک‌ترین چیزی که از آن برآینده شما می‌ترسم، منافق زباندان است.

۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنچه بیش از هر چیز درباره اَمتِ نگران‌کننده است، سه چیز است: لغزش عالم، یا مجادله منافق به وسیله قرآن، یا

جِدَالُ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهِمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ. (۱)

۸۷. الإمام علي عليه السلام: شَرُّ الْأَعْدَاءِ أَبْعَدُهُمْ غَوْرًا وَأَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً. (۲)

۸۸. عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: كُنْ لِلْعَدُوِّ الْمُكَاتِمِ أَشَدَّ حَذَرًا مِنْكَ لِلْعَدُوِّ الْمُبَارِزِ. (۳)

د. أضعف الأعداء

۸۹. عنه عليه السلام: مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ. (۴)

۹۰. الإمام العسكري عليه السلام: أضعف الأعداء كيداً مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ. (۵)

۶-۲/۲

مرکز اسنادی و کتابخانه ای

۹۱. الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدِيدِهِ. (۶)

۹۲. عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَصْلَحَ الْأَضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ. (۷)

۱. الخصال: ۱۶۳/۲۱۴.

۲. غرر الحكم: ۵۷۸۱.

۳. شرح نهج البلاغة: ۲۰/۳۱۱/۵۷۵.

۴. غرر الحكم: ۷۹۵۶.

۵. أعلام الدين: ۳۱۳.

۶. غرر الحكم: ۸۲۳۰.

۷. غرر الحكم: ۸۰۴۳.

دنیا بی که گردنهای شما را می‌زند. پس، از دنیا بر خویش بترسید.

۸۷. امام علی علیه السلام: بدترین دشمنان، دست‌نیافتنی‌ترین و پنهانکارترین آنها در حيله گری است.

۸۸. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: - از دشمن پنهانکار، بیشتر از دشمن آشکار، بر حذر باش.

د. ناتوان‌ترین دشمن

۸۹. امام علی علیه السلام: آن‌که دشمنی‌اش را آشکار کند، نیرنگش کم شود.

۹۰. امام عسکری علیه السلام: سست‌اندیش‌ترین دشمنان، کسی است که دشمنی خود را آشکار سازد.

مرکز تحقیقات کمپوتر علوم اسلامی

۶-۲/۲

تلاش برای دست کردن دشمنان

۹۱. امام علی علیه السلام: آن‌که دشمنش را اصلاح کند، بر جمعیت خود، افزوده است.

۹۲. امام علی علیه السلام: آن‌که مخالفان را اصلاح کند، به مقصود رسد.

۹۳. عنه علیه السلام: كَمَالُ الْحَزْمِ اسْتِصْلَاحُ الْأَضْدَادِ، وَ مُدَارَاةُ الْأَعْدَاءِ. ^(۱)
۹۴. عنه علیه السلام: الْإِسْتِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَجَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَ مُغَالَبَتِهِمْ بِمَضِيضِ الْقِتَالِ. ^(۲)
۹۵. عنه علیه السلام: الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيِّ يَسْتَصْلِحُ الْعَدُوَّ. ^(۳)
۹۶. عنه علیه السلام: - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا صَافَاكَ عَدُوُّكَ رِيَاءً مِنْهُ فَتَلَقَّ ذَلِكَ بِأَوْكَدِ مَوَدَّةٍ، فَإِنَّهُ إِنْ أَلِفَ ذَلِكَ وَاعْتَادَهُ خَلُصَتْ لَكَ مَوَدَّتُهُ. ^(۴)

۷-۲/۲

الْحَذَرُ وَالْحَيْظَةُ إِزَاءَ الْعَدُوِّ

۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: النَّصِيحَةُ مِنَ الْعَدُوِّ مُحَالٌ. ^(۵)
۹۸. الإمام علي علیه السلام: مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ. ^(۶)
۹۹. عنه علیه السلام: جَمَاعُ الْغُرُورِ فِي الْإِسْتِنَامَةِ إِلَى الْعَدُوِّ. ^(۷)
۱۰۰. عنه علیه السلام: مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ. ^(۸)

۱-۳. غرر الحكم: ۷۲۳۲، ۱۹۲۶، ۱۵۱۷.

۴. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۳۲۱ / ۶۸۰.

۵. معدن الجواهر: ۴۹.

۶. نهج البلاغة: الكتاب ۶۲.

۷. غرر الحكم: ۴۷۷۵.

۸. غرر الحكم: ۸۶۷۲.

۹۳. امام علی علیه السلام: کمال دوراندیشی، اصلاح مخالفان و مدارا با دشمنان است.

۹۴. امام علی علیه السلام: اصلاح دشمنان با سخن نیک و رفتار زیبا، آسان‌تر است از رویارویی و پیکار با آنان با [تحمل] رنج نبرد.

۹۵. امام علی علیه السلام: نیکی به بدکار (آن‌که در حق ما بدی کرده)، دشمن را اصلاح می‌کند.

۹۶. امام علی علیه السلام: - در حکمت‌های منسوب به ایشان -: اگر دشمنت با تو تظاهر به دوستی و یکرنگی کند، آن را به گرمی بپذیر؛ چرا که اگر این را ادامه دهد و بدان خو بگیرد، دوستی‌اش خالص گردد.

مرکز تحقیقات کمیت‌های اسلامی
۷-۲/۲

همکاری در برابر دشمن

۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خیرخواهی از سوی دشمن، محال است.

۹۸. امام علی علیه السلام: آن‌که به خواب رود، [بداند که] دشمن او نخوابیده است.

۹۹. امام علی علیه السلام: فریب خوردن کامل، در غافل ماندن از دشمن است.

۱۰۰. امام علی علیه السلام: آن‌که در برابر دشمنش به خواب غفلت فرو رود، نیرنگ‌ها او را بیدار می‌کند.

۱۰۱. عنه علیه السلام: كُنْ مِنْ عَدُوِّكَ عَلَى أَشَدِّ الْحَذَرِ. (۱)
۱۰۲. عنه علیه السلام: لَا تَأْمَنْ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ. (۲)
۱۰۳. عنه علیه السلام: قَدْ جَهِلَ مَنْ اسْتَنْصَحَ أَعْدَاءَهُ. (۳)
۱۰۴. عنه علیه السلام: لَا تُشَاوِرْ عَدُوَّكَ وَاسْتُرْهُ خَبْرَكَ. (۴)
۱۰۵. عنه علیه السلام: لَا تَغْتَرَّنَ بِمُجَامَلَةِ الْعَدُوِّ؛ فَإِنَّهُ كَالْمَاءِ وَإِنْ أَطِيلَ إِسْخَانُهُ بِالنَّارِ لَا يَمْتَنِعُ مِنْ إِطْفَائِهَا. (۵)
۱۰۶. الإمام الصادق علیه السلام: الشَّفَقَةُ مِنَ الْعَدُوِّ مُحَالٌ. (۶)

۸-۲/۲

عَلَّمَ الْأَسْتِغَاثَةَ بِالْعَدُوِّ

۱۰۷. الإمام علي علیه السلام: مَنْ اسْتَعَانَ بِعَدُوِّهِ عَلَى حَاجَتِهِ از داد بُعداً مِنْهَا. (۷)
۱۰۸. السنن الكبرى عن خبيب بن عبد الرحمن عن أبيه عن جده: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَأَتَيْتُهُ أَنَا وَرَجُلٌ قَبْلَ أَنْ نُسَلِّمَ

۱. غرر الحكم: ۱۰۳۰۱.

۲. غرر الحكم: ۱۰۱۹۷.

۳. غرر الحكم: ۶۶۶۳.

۴. غرر الحكم: ۱۰۱۹۸.

۵. غرر الحكم: ۱۰۲۹۸.

۶. الخصال: ۵/ ۲۶۹.

۷. غرر الحكم: ۸۹۸۴.

۱۰۱. امام علی علیه السلام: از دشمنیت به شدت برحذر باش.
۱۰۲. امام علی علیه السلام: از دشمن آسوده خاطر مباش، هرچند [تو را] سپاس گوید.
۱۰۳. امام علی علیه السلام: کسی که از دشمنانش انتظار خیرخواهی داشته باشد، نادان است.
۱۰۴. امام علی علیه السلام: با دشمنیت مشورت مکن و خبرت را پنهان دار.
۱۰۵. امام علی علیه السلام: از مدارای دشمن، فریب مخور که او چون آب است؛ اگرچه داغ شدنش با آتش طول می‌کشد، اما از خاموش کردنش دریغ ندارد.
۱۰۶. امام صادق علیه السلام: مهربانی از سوی دشمن، محال است.

۸-۲/۲

کمک‌خواستن از دشمن

۱۰۷. امام علی علیه السلام: آن‌که برای انجام یافتن خواسته خود از دشمن خویش، کمک خواهد، از آن دورتر می‌شود.
۱۰۸. السنن الکبری - به نقل از خبیب بن عبدالرحمان، از جدش -: پیامبر خدا به یکی از جنگهایش می‌رفت که من و مرد دیگری که هنوز مسلمان نشده بودیم، به حضورش رسیدیم و گفتیم: ما حیا

فَقُلْنَا: إِنَّا نَسْتَحْيِي أَنْ يَشْهَدَ قَوْمُنَا مَشْهَدًا فَلَا نَشْهَدُهُ. قَالَ: أَسَلِمْتُمَا؟
قُلْنَا: لَا، قَالَ: فَإِنَّا لَا نَسْتَعِينُ بِالْمُشْرِكِينَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ. (۱)

۹-۲/۲

عَدُوُّ الْأَسْتِخْفَافِ بِالْعَدُوِّ

۱۰۹. الإمام علي عليه السلام: لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعُفَ. (۲)
۱۱۰. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: احْذَرِ اسْتِصْغَارَ الْخَصْمِ؛ فَإِنَّهُ يَمْنَعُ مِنَ التَّحَفُّظِ، وَرُبَّ صَغِيرٍ غَلَبَ كَبِيرًا. (۳)
۱۱۱. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: لَا تَسْتَصْغِرَنَّ أَمْرَ عَدُوِّكَ إِذَا حَارَبْتَهُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ ظَفِرْتَ بِهِ لَمْ تُحْمَدَ وَإِنْ ظَفِرَ بِكَ لَمْ تُعْذَرَ، وَالضَّعِيفُ الْمُحْتَرَسُ مِنَ الْعَدُوِّ الْقَوِيِّ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ مِنَ الْقَوِيِّ الْمُغْتَرِّ بِالضَّعِيفِ. (۴)

۱۰-۲/۲

سِيَاسَةُ الْحَقِّ وَسِيَاسَةُ الْبَاطِلِ

۱۱۲. الإمام علي عليه السلام: الْكَيْسُ صَدِيقُ الْحَقِّ، وَعَدُوُّهُ الْبَاطِلُ. (۵)

۱. السنن الكبرى: ۹/۶۴/۱۷۸۷۹.

۲. غرر الحكم: ۱۰۲۱۶.

۳. شرح نهج البلاغة: ۲۰/۲۸۲/۲۳۱.

۴. شرح نهج البلاغة: ۲۰/۳۰۹/۵۴۳.

۵. غرر الحكم: ۱۵۲۴.

می‌کنیم که قوممان به سوی جنگی برود و ما حضور نیابیم.
پیامبر ﷺ فرمود: «آیا اسلام آورده‌اید؟». گفتیم: نه. فرمود: «ما
برای پیکار با مشرکان، از مشرکان کمک نمی‌گیریم».

۹-۲/۲

کوچک نشمردن دشمن

۱۰۹. امام علی علیه السلام: هیچ دشمنی را کوچک مشمار، گرچه ناتوان باشد.
۱۱۰. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: - پرهیز از کوچک
شمردن دشمن؛ چرا که از مراقبت، باز می‌دارد؛ و چه بسیار
کوچکی که بر بزرگی پیروز شد!
۱۱۱. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: - کار دشمن را به
هنگامی که با او نبرد می‌کنی، کوچک مشمار؛ چرا که اگر پیروز
شدی، ستایش نشوی، و اگر او بر تو پیروز گشت، معذورت
ندارند. ناتوانی که مراقب دشمن نیرومند است، به سلامت
نزدیک‌تر است از نیرومندی که فریفته ناتوانی دشمن است.

۱۰-۲/۲

یاست حق و یاست باطل

۱۱۲. امام علی علیه السلام: دوست زیرک، حقیقت است و دشمنش، باطل.

۱۱۳. عنه علیه السلام: لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدْ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِهِ الْغَدَرَ كَيْسًا وَنَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحِيلَةِ. مَا لَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ؟! قَدْ يَرَى الْحَوَّلُ الْقُلُوبَ وَجَهَ الْحِيلَةِ وَدَوْنَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ فَيَدْعُهَا رَأْيَ عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا، وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيَجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ. (۱)

۱۱-۲/۲

مَنْجُ النَّعَامِ مَعَ الْأَصْدِقَاءِ

۱۱۴. الإمام علي عليه السلام: ابْذِلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ الْمَوَدَّةِ، وَلَا تَبْذِلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَانِينَةِ. وَأَعْطِهِ كُلَّ الْمَوَاسَاةِ، وَلَا تُفْضِ إِلَيْهِ بِكُلِّ الْأَسْرَارِ؛ تَوْفِ الْحِكْمَةَ حَقَّهَا، وَالصَّدِيقَ وَاجِبَهُ. (۲)

۱۱۵. عنه علیه السلام: احْتَمِلْ زَلَّةً وَلَيْلِكَ لَوْ قَتِ وَثْبَةً عَدُوَّكَ. (۳)

۱۱۶. عنه علیه السلام: مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةٍ وَلَيْتَهُ انْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ. (۴)

۱۱۷. عنه علیه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: لَيْسَ يَضُرُّكَ أَنْ تَرَى صَدِيقَكَ عِنْدَ عَدُوِّكَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَنْفَعَكَ لَمْ يَضُرَّكَ. (۵)

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۴۱.

۲. كنز الفوائد: ۱/ ۹۳.

۳. الارشاد: ۱/ ۲۹۹.

۴. غرر الحكم: ۸۶۷۳.

۵. شرح نهج البلاغة: ۲۰/ ۳۳۶/ ۸۵۲.

۱۱۳. امام علی علیه السلام: ما در روزگاری به سر می‌بریم که بیشتر مردم آن بی‌وفایی را زیرکی می‌دانند و نادانان، آنان را سیاستمدار می‌خوانند. آنها را چه می‌شود؟ خدا آنها را بکشد! شخص زیرک، از نیرنگ در کار، آگاه است؛ اما امر و نهی خدا، مانع اوست و با اینکه قدرت دارد، آن را به کار نمی‌بندد. اما آن‌که پروای دین ندارد، فرصت‌طلبی می‌کند و سودجویی می‌نماید.

۱۱-۲/۲

سیاست رفتار با دوستان

۱۱۴. امام علی علیه السلام: تمام دوستی‌ات را در باره دوستت نثار کن؛ اما به وی اطمینان تمام ننما. با او کمال همراهی را داشته باش؛ اما تمام رازها را به وی مگو، تا آنکه [از یک سو] حق خردمندی را به جا آورده باشی و [از دگر سو] وظایف دوستی را.

۱۱۵. امام علی علیه السلام: لغزشهای دوست را تحمل کن، برای هنگامه هجوم دشمنت.

۱۱۶. امام علی علیه السلام: هر کس از یاری رسانی به دوستش غفلت ورزد، با گامهای دشمنش، هشیار می‌گردد.

۱۱۷. امام علی علیه السلام: در حکمتهای منسوب به ایشان :- اینکه دوست را نزد دشمنت ببینی به تو آسیبی نمی‌رساند، که اگر به تو سود ندهد، ضرر نمی‌زند.

۱۱۸. عنه علیه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا كَانَ لَكَ صَدِيقٌ وَلَمْ تَحْمَدْ إِخَاءَهُ وَمَوَدَّتَهُ فَلَا تُظْهِرْ ذَلِكَ لِلنَّاسِ؛ فَإِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ السَّيْفِ الْكَالِيلِ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ، يُرْهِبُ بِهِ عَدُوَّهُ وَلَا يَعْلَمُ الْعَدُوُّ أَصَارِمُهُ هُوَ أَمْ كَلِيلٌ. ^(۱)

۱۱۹. عنه علیه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا صَادَقْتَ إِنْسَانًا وَجَبَ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ صَدِيقَ صَدِيقِهِ، وَلَيْسَ يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ عَدُوَّ عَدُوِّهِ؛ لِأَنَّ هَذَا إِنَّمَا يَجِبُ عَلَى خَادِمِهِ وَلَيْسَ يَجِبُ عَلَى مُمَائِلٍ لَهُ. ^(۲)

۱۲۰. عنه علیه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا أَحْسَنَ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِكَ فَلَا تَخْرُجْ إِلَيْهِ بِغَايَةِ بَرِّكَ، وَلَكِنْ اتْرُكْ مِنْهُ شَيْئاً تَزِيدُهُ إِيَّاهُ عِنْدَ تَبَيُّنِكَ مِنْهُ الزِّيَادَةَ فِي نَصِيحَتِهِ. ^(۳)

۱۲-۲/۲

مَنْهَجُ التَّعَامُلِ مَعَ الْأَعْدَاءِ

۱۲۱. الإمام علي علیه السلام: اسْتَشِرْ أَعْدَاءَكَ تَعْرِفَ مِنْ رَأْيِهِمْ مِقْدَارَ عَدَاوَتِهِمْ وَمَوَاضِعَ مَقَاصِدِهِمْ. ^(۴)

۱. شرح نهج البلاغة: ۵۵۰/۳۰۹/۲۰.

۲. شرح نهج البلاغة: ۷۹۲/۳۳۱/۲۰.

۳. شرح نهج البلاغة: ۷۹۸/۳۳۱/۲۰.

۴. غرر الحکم: ۲۴۶۲.

۱۱۸. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان :- چون دوستی داری که برادری و محبتش را نمی‌پسندی، آن را برای مردم، آشکار مساز که مانند شمشیر کُند در خانه انسان است، که دشمن را می‌ترساند و نمی‌داند که کُند است یا تیز.

۱۱۹. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان :- چون با انسانی دوست شدی، بر تو لازم است که دوست دوست او نیز باشی؛ ولی لازم نیست که با دشمن او دشمن باشی، چون این بر خدمتگزار او لازم است، نه بر کسی همانند او.

۱۲۰. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان :- هرگاه یکی از یاران‌ت به تو نیکی روا داشت، نهایت خوبی را در حق او روا مدار و قدری از آن را واگذار که به هنگام آشکار شدن خیرخواهی فراوان او، بر آن بیفزایی.

۱۲-۲/۲

سیاست رفتار با دشمنان

۱۲۱. امام علی علیه السلام : با دشمنان مشورت کن تا اندازه دشمنی و اهداف و مقصودشان را از نظرشان دریابی.

۱۲۲. عنه علیه السلام: اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقِبَةَ الْإِمْكَانِ وَانْتِهَارَ الْفُرْصَةِ؛ تَظْفَرُ. (۱)

۱۲۳. عنه علیه السلام: لَا تُوقِعْ بِالْعَدُوِّ قَبْلَ الْقُدْرَةِ. (۲)

۱۲۴. عنه علیه السلام: لَا تَعَرَّضْ لِعَدُوِّكَ وَهُوَ مُقْبِلٌ؛ فَإِنَّ إِقْبَالَه يُعِينُهُ عَلَيْكَ، وَلَا تَعَرَّضْ لَهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ؛ فَإِنَّ إِدْبَارَهُ يَكْفِيكَ أَمْرَهُ. (۳)

۱۲۵. عنه علیه السلام: - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: أَقْتُلِ الْأَشْيَاءَ لِعَدُوِّكَ أَلَّا تُعْرِفَهُ أَنَّكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا. (۴)

۱۲۶. عنه علیه السلام: صَافِحْ عَدُوَّكَ وَإِنْ كَرِهَ؛ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ تعالى بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ: «أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ * وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو خَطِّ عَظِيمٍ» (۵). (۶)

۱۲۷. عنه علیه السلام: كَانَتْ الْحُكْمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشْرَةِ أَوْجُهٍ: أَوَّلُهَا بَيْتُ اللَّهِ تعالى لِقَضَاءِ نُسْكِهِ وَالْقِيَامُ بِحَقِّهِ وَأَدَاءُ فَرْضِهِ... وَالتَّاسِعُ أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ

۱. غرر الحكم: ۲۳۴۷.

۲. غرر الحكم: ۱۰۲۵۸.

۳. غرر الحكم: ۱۰۳۰۶.

۴. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۲۸۳ / ۲۴۴.

۵. فصلت: ۳۴ و ۳۵.

۶. بحار الأنوار: ۷۱ / ۴۲۱ / ۵۸.

۱۲۲. امام علی علیه السلام: در برخورد با دشمنیت، مراقب توان و فرصت مناسب باش تا پیروز شوی.

۱۲۳. امام علی علیه السلام: پیش از توانمندی، بر دشمن یورش مبر.

۱۲۴. امام علی علیه السلام: به هنگام روی کردن دشمن، متعرض او مشو؛ چرا که روی کردنش او را بر تو یاری دهد، و به هنگام روی گرداندن دشمن، متعرض او مشو؛ چرا که روی گرداندنش تو را از کار او کفایت کند.

۱۲۵. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: «کُشنده‌ترین چیزها برای دشمنیت آن است که به وی نفهمانی که او را دشمن گرفته‌ای.

۱۲۶. امام علی علیه السلام: با دشمنیت مصافحه کن، هر چند ناپسند دارد، که این از فرمانهای خدای تعالی به بندگانش است. او می‌فرماید: «بدی را با بهترین روش، دفع کن. ناگاه، [خواهی دید] همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. اما جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره بزرگی [از ایمان و تقوا] دارند، بدان نایل نمی‌گردند.

۱۲۷. امام علی علیه السلام: حکیمان پیشین چنین می‌گفتند: شایسته است که آمد و شد به خانه‌ها برای ده منظور باشد: نخستین آن، خانه خدای تعالی برای انجام دادن عبادت خدا و برپا داشتن حقش و ادای فریضة

التي تَسْكُنُ بِالمُدَارَةِ غَوَائِلُهُمْ وَيُدْفَعُ بِالحِيلِ والرَّفَقِ واللُّطْفِ
وَالزِّيَارَةِ عَدَاوَتُهُمْ. (۱)

۱۲۸. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْصُوبَةِ إِلَيْهِ -: قَارِبَ عَدُوِّكَ بَعْضَ الْمُقَارَبَةِ
تَمَلَّ حَاجَتَكَ، وَلَا تَقْرُطْ فِي مُقَارَبَتِهِ فَتَذِلَّ نَفْسُكَ وَنَاصِرُكَ، وَتَأْمَلْ
حَالَ الخَشَبَةِ الْمَنْصُوبَةِ فِي الشَّمْسِ الَّتِي إِنْ أَمَلَتْهَا زَادَ ظِلُّهَا، وَإِنْ
أَفْرَطَتْ فِي إِمَالَةِ نَقْصِ الظِّلِّ. (۲)

۱۲۹. الإمام الباقر عليه السلام: صَابِرُوا عَلَى عَدُوِّكُمْ وَرَابِطُوا عَدُوَّكُمْ. (۳)

۱۳۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ نَاتَانُ أَنْ قَالَ لَهُ:
يَا بُنَيَّ لِيَكُنْ مِمَّا تَسْلُحُ بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ فَتَصْرَعُهُ الْمُمَاسَحَةُ
وِإِعْلَانُ الرِّضَى عَنْهُ وَلَا تُزَاوِلُهُ بِالْمُجَانِبَةِ فَيَبْذُوكَ لَهُ مَا فِي نَفْسِكَ
فَيَأْهَبَ لَكَ. (۴)

۱۳-۲/۲ مَنْهَجُ التَّعَامُلِ مَعَ الْجَمِيعِ

۱۳۱. الإمام علي عليه السلام: زِنِ الرِّجَالَ بِمَوَازِينِهِمْ. (۵)

۱. الخصال: ۴۲۶/۳.

۲. شرح نهج البلاغة: ۲۰/۳۴۲/۹۲۳.

۳. بحار الأنوار: ۲۴/۲۱۶/۶.

۴. الأمالي للصدوق: ۷۶۶/۱۰۳۱.

۵. المواعظ العددية: ۵۷.

حجّش... و نهمین آن، خانه‌های دشمنانی که مدارای با آنها،
[آتش] شرارتشان را خاموش می‌کند و با چاره‌جویی و لطف و
مدارا و دیدارشان، دشمنی‌شان از بین می‌رود.

۱۲۸. امام علی علیه السلام - در حکمتهای منسوب به ایشان -: اندکی به دشمنت
نزدیک شو تا خواسته‌ات تأمین شود؛ اما در نزدیکی با او، افراط
مکن که خود و یاورت را خوار می‌کنی، و در چوب آویخته شده
در برابر خورشید بنگر که چون کجش کنی، سایه‌اش زیاد می‌شود
و چون در این کار، زیاده‌روی کنی، سایه کم می‌گردد.

۱۲۹. امام باقر علیه السلام : بر [گزند] دشمنان صبر کنید و آنان را بیایید.

۱۳۰. امام صادق علیه السلام - از سفارشهای لقمان به پسرش، ناتان -: پسرکم! از
جمله سلاحهایی که می‌توانی دشمنت را با آن از پای درآوری،
مدارا و ابراز خشنودی از اوست، و از وی دوری مکن که نهان
خودت را برایش آشکار کرده‌ای و او را آماده‌ی رویارویی
ساخته‌ای.

۱۳-۲/۲

سیاست رفتار با همگان

۱۳۱. امام علی علیه السلام : مردمان را با معیار [ویژه] خودشان ارزیابی کن.

۱۳۲. عنه علیه السلام: مِنَ الْحِكْمَةِ طَاعَتُكَ لِمَنْ فَوْقَكَ، وَإِجْلَالُكَ مَنْ فِي طَبَقَتِكَ، وَإِنصَافُكَ لِمَنْ دُونَكَ. (۱)

۱۳۳. عنه علیه السلام: مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْ لَا تُنَازِعَ مَنْ فَوْقَكَ، وَلَا تَسْتَذِلَّ مَنْ دُونَكَ، وَلَا تَتَعَاطَى مَا لَيْسَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يُخَالِفَ لِسَانُكَ قَلْبَكَ، وَلَا قَوْلُكَ فِعْلَكَ، وَلَا تَتَكَلَّمَ فِيمَا لَا تَعْلَمُ، وَلَا تَتْرَكَ الْأَمْرَ عِنْدَ الْإِقْبَالِ وَتَطْلُبُهُ عِنْدَ الْإِدْبَارِ. (۲)

۱۳۴. عنه علیه السلام: - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: عَامِلُوا الْأَحْرَارَ بِالْكَرَامَةِ الْمَحْضَةِ، وَالْأَوْسَاطَ بِالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ، وَالسَّفَلَةَ بِالْهَوَانِ. (۳)

۱۳۵. عنه علیه السلام: أَقِمِ النَّاسَ عَلَى سُنتِهِمْ وَدِينِهِمْ، وَلِيَأْمَنَكَ بَرِيئُهُمْ وَلِيَخَفَكَ مُرِيئُهُمْ، وَتَعَاهِدَ نُفُورَهُمْ وَأَطْرَافَهُمْ. (۴)

۱۳۶. عنه علیه السلام: إِيَّاكَ وَكُلَّ عَمَلٍ يُنْفَرُ عَنْكَ حُرّاً، أَوْ يُذِلُّ لَكَ قَدْرًا، أَوْ يَجْلِبُ عَلَيْكَ شَرًّا، أَوْ تَحْمِلُ بِهِ إِلَى الْقِيَامَةِ وَزَرًّا. (۵)

۱۳۷. عنه علیه السلام: - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: مِنَ النَّاسِ مَنْ يَنْقُصُكَ إِذَا زِدْتَهُ، وَيَهُونُ عَلَيْكَ إِذَا خَاصَصْتَهُ، لَيْسَ لِرِضَاهُ مَوْضِعٌ تَعْرِفُهُ،

۱. غرر الحكم: ۹۴۲۲.

۲. غرر الحكم: ۹۴۵۰.

۳. شرح نهج البلاغة: ۵۷۴/۳۱۱/۲۰.

۴. غرر الحكم: ۲۴۱۹.

۵. غرر الحكم: ۲۷۲۷.

۱۳۲. امام علی علیه السلام: از نشانه‌های حکمت، فرمانبرداری از بالا دست و گرمی داشتن همتایان و انصاف با زیردستان است.

۱۳۳. امام علی علیه السلام: [نمونه‌ای] از رفتار حکیمانه این است که: با بالا دست خود، جدال نکنی و زیردستان را خوار نسازی و به کاری که در توان تو نیست، نپردازی و زبانت با دلت، و گفتارت با رفتارت مخالفت نکند و در آنچه نمی‌دانی، سخن نگویی و کارها را به هنگام روی آوردن (فراهم شدن زمینه انجام دادن آن) رها نسازی و به هنگام پشت کردن، پیگیری نکنی.

۱۳۴. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: با آزاد مردان، تنها با بزرگواری رفتار کنید، با مردمان متوسط، با میل و هراس، و با مردمان پست، با خواری. *تذکره نیکو بزرگوار*

۱۳۵. امام علی علیه السلام: مردم را بر سنتها و آیینشان برپای دار و [چنان کن] که بی‌گناهان، از تو احساس امنیت کنند و بدکاران، از تو بترسند؛ و به مرزها و کناره‌های شهرها رسیدگی کن.

۱۳۶. امام علی علیه السلام: پرهیز از هر کاری که آزاده‌ای را از تو پرماند، یا جایگاه تو را خوار سازد، یا بدی را به سویت سرازیر کند، و یا عقوبتی را بدان عمل در رستاخیز، به دوش کشی!

۱۳۷. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان: برخی از مردمان اند که اگر بر نیکی‌شان بیفزایی، تو را کوچک کنند و اگر آنان را دوست و یار قلمداد کنی، تو را سبک سازند.

وَلَا لِسُخْطِهِ مَكَانٌ تَحْذَرُهُ، فَإِذَا لَقِيتَ أَوْلَئِكَ فَابْذِلْ لَهُمْ مَوْضِعَ
الْمَوَدَّةِ الْعَامَّةِ، وَاحْرَمْهُمْ مَوْضِعَ الْخَاصَّةِ؛ لِيَكُونَ مَا بَدَلْتَ لَهُمْ مِنْ
ذَلِكَ حَائِلًا دُونَ شَرِّهِمْ، وَمَا حَرَمْتَهُمْ مِنْ هَذَا قَاطِعًا لِحُرْمَتِهِمْ^(۱).

۳/۲

الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ

۱-۳/۲

الْإِخْلَاصُ

القرآن:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ^(۲).

الحديث:

۱۳۸. رسول الله ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ، حَتَّى
فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ^(۳).

۱۳۹. عنه ﷺ: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ ﷻ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ
الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ^(۴).

۱. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۳۲۰ / ۶۷۳.

۲. ص: ۸۲ و ۸۳.

۳. مكارم الأخلاق: ۲ / ۳۷۰ / ۲۶۶۱.

۴. عيون أخبار الرضا: ۲ / ۶۹ / ۳۲۱.

خشنودی‌شان را جایگاهی نیست که آن را بشناسی، و خشمشان مکانی ندارد که از آن بپرهیزی. اگر با اینان برخورد داشتی، دوستی‌های عمومی را با آنان به کار بند و آنان را از دوستی خصوصی، محروم ساز، تا آنچه به آنان روا داشتی، مانعی باشد در برابر آسیبهای آنان، و آنچه را از آنان دریغ داشتی، بردارنده احترام آنان شود.



قرآن:

گفت: به عزت سوگند که همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تواز میان آنان را.

حدیث:

۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ: ای ابو ذر! باید در هر کاری انگیزه‌ای نیکو داشته باشی، حتی در خوابیدن و خوردن.

۱۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای چهل بامداد برای خدا اخلاص نورزید، مگر آنکه چشمه‌های حکمت از دلش به زبانش جاری شد.

١٤٠. الإمام علي عليه السلام: أفضل المؤمنين إيماناً من كان لله أخذُهُ وعطاهُ
وسخطُهُ ورضاهُ. (١)

١٤١. المناقب: لما أدرك [أمير المؤمنين عليه السلام] عمرو بن عبد ودٍّ لم
يضرِبهُ، فوقعوا في علي عليه السلام، فردَّ عنه حذيفة، فقال النبي صلى الله عليه وآله:
مه يا حذيفة! فإن علياً عليه السلام سيذكرُ سببَ وقفته.

ثم إنه ضربهُ، فلما جاء سألهُ النبي صلى الله عليه وآله عن ذلك، فقال: قد
كان شتمَ أمي وتفلَّ في وجهي، فخشيتُ أن أضربهُ لحظَّ نفسي،
فتركتُهُ حتَّى سكنَ ما بي، ثم قتلتهُ في الله. (٢)

١٤٢. فاطمة عليها السلام: من أصدَدَ إلى الله خالصَ عبادته أهبطَ الله تعالى إليه
أفضلَ مصلحته. (٣)

١٤٣. الإمام الصادق عليه السلام: العملُ الخالصُ: الذي لا تريدُ أن يحمَدَكَ
عليه أحدٌ إلا الله تعالى. (٤)

١٤٤. بحار الأنوار في قصة موسى وشعيب عليه السلام: فلما دخلَ على شعيب
إذا هو بالعشاء مهتأ، فقال له شعيب: اجلس يا شاب فتعش،
فقال له موسى: أعودُ بالله! قال شعيب: ولمَ ذاك؟ ألسن
بجائع؟ قال: بلى، ولكن أخافُ أن يكونَ هذا عَوْضاً لما سقيتُ

١. غرر الحكم: ٣٢٧٨.

٢. المناقب لابن شهر آشوب: ١١٥/٢.

٣. عدة الداعي: ٢١٨.

٤. الكافي: ٢/١٦/٤.

۱۴۰. امام علی علیه السلام: ارزشمندترین مؤمنان از نظر باورهای دینی کسی است که داد و ستد و خشم و خشنودی اش برای خدا باشد.

۱۴۱. المناقب: زمانی که امیر مؤمنان، عمرو بن عبدود را در چنگ خود، گرفتار کرد، او را نکشت. جمعی، زبان به نکوهش علی علیه السلام گشودند. حذیفه به دفاع از او برخاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آرام باش ای حذیفه! به زودی علی علت درنگ خود را خواهد گفت». آن گاه، علی علیه السلام عمرو را کشت. وقتی برگشت، پیامبر صلی الله علیه و آله علت درنگش را جویا شد. گفت: «او مادرم را دشنام داد و به صورتم آب دهان انداخت و من ترسیدم اگر او را بکشم، برای دلخوشی خودم باشد. از این رو، رهایش کردم تا خشمم فرو نشیند. سپس او را به خاطر خدا کشتم».

۱۴۲. فاطمه علیها السلام: هر که عبادت ناب و خالصانه خود را به درگاه خدا فرا برد، خداوند تعالی، بهترین کاری را که به صلاح اوست، برایش فرو فرستد.

۱۴۳. امام صادق علیه السلام: عمل خالص، آن است که نخواهی کسی جز خدای تعالی، تو را بر انجام دادن آن بستاید.

۱۴۴. بحار الأنوار: در داستان موسی و شعیب علیهما السلام آمده است: زمانی که موسی نزد شعیب رفت، شعیب، آماده خوردن شام بود. پس به موسی گفت: ای جوان! بنشین شام بخور. موسی گفت: پناه بر خدا!

شعیب گفت: چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟ موسی گفت: چرا؛ اما می ترسم این پاداش آبی باشد که به دخترانت دادم. من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پُر از طلا شود، کمترین کار آخرت را به آن نمی فروشیم.

لَهُمَا، وَأَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ لَا تَبِيعُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِ الْآخِرَةِ بِمِلٍّ
الْأَرْضِ ذَهَبًا، فَقَالَ لَهُ شُعَيْبٌ: لَا وَاللَّهِ يَا شَابُّ، وَلَكِنَّهَا عَادَتِي
وَعَادَةُ آبَائِي: نُقْرِي الضَّيْفَ وَنُطْعِمُ الطَّعَامَ. قَالَ: فَجَلَسَ مُوسَى
يَأْكُلُ^(۱).

۲-۳/۲

التَّوَكَّلُ

القرآن:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^(۲)

الحديث:

۱۴۵. رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى
الله. ^(۳)

۱۴۶. عنه ﷺ: مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مُؤْنَتَهُ وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا
يَحْتَسِبُ. ^(۴)

۱۴۷. جبرئیل علیه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ النَّبِيُّ ﷺ عَنِ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ -: الْعِلْمُ بِأَنَّ
الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ، وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ، وَاسْتِعْمَالُ

۱. بحار الأنوار: ۲۱/۱۳.

۲. الطلاق: ۲-۳.

۳. تحف العقول: ۲۷.

۴. كنز العمال: ۵۶۹۳/۱۰۳/۳.

شعیب گفت: ای جوان! به خدا این پاداش آن کار تو نیست؛ بلکه عادت ما و پدران ما، میهمان‌نوازی و اطعام است. در این هنگام، موسی نشست و شام خورد.

۲-۳/۲

توکل

قرآن:

کسی که تقوا (و پارسایی) پیشه کند، خداوند راهی برای بیرون شدن [از گرفتاریها] برایش فراهم کند و او را از راهی که گمان نمی‌برد، روزی دهد؛ و کسی که بر خدا توکل نماید، او برایش بس است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

حدیث:

۱۴۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که دوست دارد نیر و مندترین مردم باشد، باید به خدا توکل کند.

۱۴۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که به خدا توکل کند، خداوند، هزینه او را کارسازی می‌کند و از جایی که گمان نمی‌برد، به او روزی می‌رساند.

۱۴۷. جبرئیل علیه السلام: در پاسخ به سؤال پیامبر ﷺ از او درباره تفسیر توکل بر خداوند: دانستن این مطلب است که مخلوق، نه زیانی می‌زند و نه سودی می‌رساند، نه می‌دهد و نه جلوگیری می‌کند، و ناامیدی

الْيَاسِ مِنَ الْخَلْقِ، فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ، وَلَمْ يَرْجُ وَلَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ، وَلَمْ يَطْمَعَ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ، فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ (۱).

۱۴۸. الإمام علي عليه السلام: أَصْلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ (۲).

۱۴۹. الإمام الجواد عليه السلام: الثِّقَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ، وَسُلْمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ (۳).

۳-۳/۲

الْإِثَارُ



القرآن:

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۴)

الحديث:

۱۵۰. الإمام علي عليه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِيمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ (۵).

۱۵۱. الكافي عن علي بن سويد السائي عن أبي الحسن عليه السلام: قلت له:

۱. معاني الأخبار: ۱/۲۶۱.

۲. غرر الحكم: ۳۰۸۲.

۳. بحار الأنوار: ۵/۳۶۴/۷۸.

۴. الحشر: ۹.

۵. شرح نهج البلاغة: ۴۱/۱۸.

از خلق است. هرگاه بنده چنین باشد، دیگر برای احدی جز خداوند، کار نمی‌کند و امید و بیمش از کسی جز خداوند نیست، و چشم طمع به هیچ کس جز خدا ندارد. این است معنای توکل.

۱۴۸. امام علی علیه السلام: ریشه نیرومندی دل، توکل به خداست.

۱۴۹. امام جواد علیه السلام: اعتماد به خداوند متعال، بهای هر چیز گرانی است و نردبان رسیدن به هر بلندایی.



مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

قرآن:

و [آنها را] بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و کسانی که از آزمندی نفس خود در امان مانند، آنان اند که رستگاران اند.

حدیث:

۱۵۰. امام علی علیه السلام: بهترین مؤمنان، آن کسی است که از جان و خانواده و دارایی خود، [در راه خدا] بیشتر مایه بگذارد.

۱۵۱. الکافی - به نقل از علی بن سوید سائی، از امام کاظم علیه السلام - : به او (امام کاظم علیه السلام) گفتم: مرا اندرز ده فرمود: «تو را به پروای الهی سفارش می‌کنم». سپس سکوت کرد. من از تنگدستی‌ام به او شکوه کردم

أَوْصِنِي فَقَالَ: أَمُرُّكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، ثُمَّ سَكَتَ. فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ قِلَّةَ ذَاتِ يَدَيَّ، وَقُلْتُ: وَاللَّهِ، لَقَدْ عَرَيْتُ حَتَّى بَلَغَ مِنْ عُرْيَتِي أَنْ أَبَا فُلَانٍ نَزَعَ ثَوْبَيْنِ كَانَا عَلَيْهِ وَكَسَانِيهِمَا! فَقَالَ: صُمْ وَتَصَدَّقْ، قُلْتُ: أَتَصَدَّقُ مِمَّا وَصَلَنِي بِهِ إِخْوَانِي وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا؟ قَالَ: تَصَدَّقْ بِمَا رَزَقَكَ اللَّهُ وَلَوْ آثَرَتْ عَلَى نَفْسِكَ.^(۱)

۴-۳/۲

الزُّهْدُ

۱۵۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الزُّهْدُ أَقَلُّ مَا يُوجَدُ وَأَجَلُّ مَا يُعْهَدُ، وَيَمْدَحُهُ الْكُلُّ، وَيَتْرَكُهُ الْجُلُّ.^(۲)

۱۵۳. عنه عليه السلام: الزُّهْدُ شِمَّةُ الْمُتَّقِينَ وَسَجِيَّةُ الْأَوَّابِينَ.^(۳)

۱۵۴. عنه عليه السلام: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا، وَلَا تَغْفَلَ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ.^(۴)

۱۵۵. عنه عليه السلام: كُلُّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهُوَ غَنِيمَةٌ.^(۵)

۱۵۶. الإمامُ الباقرُ عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أُتِيَ

۱. الكافي: ۲/۱۸/۴.

۲. غرر الحكم: ۲۰۲۱.

۳. غرر الحكم: ۱۷۱۳.

۴. نهج البلاغة: الحكمة ۳۹۱.

۵. غرر الحكم: ۷۲۰۷.

و گفتم: به خدا سوگند، لباس بر تن نداشتم، به طوری که ابو فلان، دو جامه‌ای را که بر تن خود داشت، درآورد و به من پوشاند! حضرت فرمود: «روزه بگیر و صدقه بده».

گفتم: از همان اندک کمکی که برادرانم به من می‌کنند، صدقه بدهم؟ فرمود: «آنچه را که خداوند به تو روزی کرده است، صدقه بده، هر چند خودت بدان محتاج باشی».

۲/۳-۴



۱۵۲. امام علی علیه السلام: زهد، کمیاب‌ترین چیزها و ارزشمندترین چیزی است که آدمی می‌شناسد. همگان آن را می‌ستایند؛ ولی بیشتر مردم، آن را وامی‌نهند.

۱۵۳. امام علی علیه السلام: زهد، خوی پرهیزگاران است و سرشتِ توبه‌کنندگان.

۱۵۴. امام علی علیه السلام: دل از دنیا برکن، تا خداوند تو را به عیبها و زشتیهای آن بینا کند، و غافل مباش؛ زیرا که تو بی‌مراقب نیستی.

۱۵۵. امام علی علیه السلام: هرچه در دنیا از دست دهی، غنیمتی برای توست.

۱۵۶. امام باقر علیه السلام: حلوایی از آرد و خرما خدمت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آورده شد. حضرت از خوردن آن خودداری ورزید.

بَخْبِیصٍ، فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهُ، فَقَالُوا لَهُ: أَتُحَرِّمُهُ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تَتَوَقَّ إِلَى نَفْسِي فَأَطْلُبُهُ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا﴾. (۱)

۱۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ، وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا. (۲)

۱۵۸. بحار الأنوار عن سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بَعْدَ مَا بُوِيعَ بِالْخِلَافَةِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى حَصِيرٍ صَغِيرٍ وَلَيْسَ فِي الْبَيْتِ غَيْرُهُ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، بِيَدِكَ بَيْتُ الْمَالِ وَلَسْتُ أَرَى فِي بَيْتِكَ شَيْئاً مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْبَيْتُ؟! فَقَالَ عليه السلام: يَا بَنَ غَفَلَةَ، إِنَّ اللَّيْبَ لَا يَنَاقُثُ فِي دَارِ النُّقْلَةِ، وَلَنَا دَارُ أَمْنٍ قَدْ نَقَلْنَا إِلَيْهَا خَيْرَ مَتَاعِنَا، وَإِنَّا عَنْ قَلِيلٍ إِلَيْهَا صَائِرُونَ. (۳)

۵-۳/۲

الْهَمَّةُ الْعَالِيَةُ

۱۵۹. الإمام علي عليه السلام: خَيْرُ الْهَمِّ أَعْلَاهَا. (۴)

۱۶۰. عنه عليه السلام: كُنْ بَعِيدَ الْهَمِّ إِذَا طَلَبْتَ. (۵)

۱. الأُمَالِي لِلْمَفِيد: ۲/۱۳۴.

۲. الكافي: ۲/۱۲۸.

۳. بحار الأنوار: ۳۸/۳۲۱/۷۰.

۴. غرر الحكم: ۴۹۷۷.

۵. غرر الحكم: ۷۱۶۱.

گفتند: آیا آن را حرام می‌دانی؟

فرمود: «نه؛ اما می‌ترسم نفسم به آن علاقه‌مند شود و به دنبال آن بروم». سپس این آیه را تلاوت کرد: «شما بهره‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان بردید و از آنها بهره‌مند شدید».

۱۵۷. امام صادق علیه السلام: همه خیر در یک خانه نهاده شده و کلید آن، بی‌اعتنایی به دنیا قرار داده شده است.

۱۵۸. بحار الأنوار - به نقل از سوید بن غفله -: بعد از آنکه با امیر مؤمنان، بیعت خلافت بسته شد، خدمت ایشان رسیدم. تنها در اتاق خود بر بوریاپی کوچک نشسته بود. گفتم: ای امیر مؤمنان! بیت المال در اختیار توست و من در اتاق تو اثاثی که برای هر خانه‌ای لازم است، نمی‌بینم؟

حضرت فرمود: «ای پسر غفله! آدم خرده‌مند برای خانه‌ای که باید ترکش نماید، اثاث فراهم نمی‌کند. ما را سرای امنی است که بهترین متاع خود را به آن منتقل کرده‌ایم و خود نیز به زودی آن جا می‌رویم».

۵-۳/۲

همت بلند

۱۵۹. امام علی علیه السلام: بهترین همت‌ها، بلندترین آنهاست.

۱۶۰. امام علی علیه السلام: هرگاه در طلب چیزی بر می‌آیی، بلند همت باش.

۱۶۱. عنه علیه السلام: الحِلْمُ والأَنَاةُ تَوْأَمَانِ يُنْتِجُهُمَا عُلُوُّ الهِمَّةِ (۱).
۱۶۲. الإمامُ زین العابدین علیه السلام: أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَقْسَطَهَا، وَمِنَ الْعِبَادَةِ أَنْشَطَهَا... وَمِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا (۲).

۶-۳/۲

الْمُرُوَّةُ

۱۶۳. الإمامُ علي علیه السلام: الْمُرُوَّةُ اسْمٌ جَامِعٌ لِسَائِرِ الْفَضَائِلِ وَالْمَحَاسِنِ (۳).
۱۶۴. الإمامُ الحسن علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْمُرُوَّةِ - : حِفْظُ الدِّينِ، وَإِعْزَازُ النَّفْسِ، وَلِينُ الْكَتْفِ، وَتَعَهُدُ الصَّنِيعَةِ، وَأَدَاءُ الْحُقُوقِ، وَالتَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ (۴).

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۷-۳/۲

الشَّجَاعَةُ

القرآن:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ، وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ (۵).

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۴۶۰.

۲. بحار الأنوار: ۹۴/۱۵۵/۲۲.

۳. غرر الحكم: ۲۱۷۸.

۴. تحف العقول: ۲۲۵.

۵. الاحزاب: ۳۹.

۱۶۱. امام علی علیه السلام: بردباری و وقار، دو همزادند که مولود بلند همتی اند.

۱۶۲. امام سجّاد علیه السلام: [خدایا!] از شهادت دادن، عادلانه ترین آن را و از عبادت، با نشاط ترین آن را... و از همت، عالی ترین آن را از تو می خواهم.

۶-۳/۲

مروت

۱۶۳. امام علی علیه السلام: مردانگی، نامی است که همه فضایل و محاسن را در بر می گیرد.

۱۶۴. امام حسن علیه السلام: در پاسخ به سؤال درباره معنای جوانمردی -: حفظ دین و عزت نفس و نرمش و مداومت بر نیکی و احسان و گزاردن حقوق و دوستی نمودن با مردم است.

۷-۳/۲

شجاعت

قرآن:

[پیامبران الهی] همان کسانی هستند که پیامهای خدا را ابلاغ می کنند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.

الحديث :

۱۶۵. رسول الله ﷺ: وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ، وَالْعَقْلَ الْكَامِلَ عِنْدَ نُزُولِ الشُّبُهَاتِ، وَيُحِبُّ السَّمَاحَةَ وَلَوْ عَلَى تَمَرَاتٍ، وَيُحِبُّ الشَّجَاعَةَ وَلَوْ عَلَى قَتْلِ حَيَّةٍ. (۱)

۱۶۶. الإمام علي: شَجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَغَيْرَتُهُ عَلَى قَدْرِ حِمِيَّتِهِ. (۲)

۱۶۷. الإمام الحسن عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الشَّجَاعَةِ -: مُوَافَقَةُ الْأَقْرَانِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ. (۳)



۱۶۸. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبَرَ لَهُ، وَقَالَ: هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. (۴)

۱۶۹. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ إِحْرَاصٌ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتِعْنِ بِاللَّهِ، وَلَا تَعْجَزْ. وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: «لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا

۱. مسند الشهاب: ۲/ ۱۵۲/ ۱۰۸۰.

۲. غرر الحكم: ۵۷۶۳.

۳. تحف العقول: ۲۲۶.

۴. معاني الأخبار: ۱/ ۳۴۴.

حدیث:

۱۶۵. پیامبر خدا ﷺ: بدان که خداوند، دیده تیزبین به هنگام در رسیدن شهوتها و عقل کامل به هنگام فرود آمدن شبهات را دوست دارد. همچنین خداوند، بخشش را - گرچه به چند دانه خرما باشد - و دلاوری را - گرچه به کشتن ماری باشد - دوست دارد.

۱۶۶. امام علی: شجاعت مرد، به قدر همت اوست و غیرتش، به قدر تن ندادن او به ذلت.

۱۶۷. امام حسن علیه السلام - در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست؟ - :
ایستادگی در برابر هماوران و پایداری در نبرد است.

مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی
۸-۳/۲

قوت

۱۶۸. پیامبر خدا ﷺ: «خداوند - تبارک و تعالی - مؤمن ضعیفی را که هیبت و صلابت ندارد، دشمن می دارد». [سپس] فرمود: «او (مؤمن ضعیف)، کسی است که نهی از منکر نمی کند».

۱۶۹. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن نیرومند، بهتر و نزد خدا محبوب تر از مؤمن ناتوان است؛ گرچه در هر یک، خیری است. برای به دست آوردن آنچه برایت سودمند است، سرسختانه بکوش و از خدا یاری بخواه و ناتوان مباش، و اگر دچار مشکلی شدی، مگو: «اگر

وَكَذَا»، وَلَكِنْ قُلْ: «قَدَّرُ اللهُ، وما شاءَ فَعَلَ»: فَإِنَّ «لَوْ» تَفْتَحُ
عَمَلَ الشَّيْطَانِ.^(۱)

۱۷۰. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: مَنْ يَعْمَلْ يَزِدَّ قُوَّةً، مَنْ يُقَصِّرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدَّ
فِتْرَةً.^(۲)

۱۷۱. الإمامُ الصادقُ عليه السلام: إِنَّ قُوَّةَ الْمُؤْمِنِ فِي قَلْبِهِ، أَلَا تَرَوْنَ أَنَّكُمْ
تَجِدُونَهُ ضَعِيفَ الْبَدَنِ نَحِيفَ الْجِسْمِ وَهُوَ يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ
النَّهَارَ؟!^(۳)



۱۷۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: لَا يُقِيمُ أَمْرُ اللهِ شُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ، وَلَا
يُضَارِعُ، وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ.^(۴)

۱۷۳. عنه عليه السلام: وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ، وَخَابَطَ
الْغَيَّ، مِنْ إِدْهَانٍ وَلَا إِيهَانٍ.^(۵)

۱۷۴. الإمامُ الصادقُ عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالتَّهَاوُنَ بِأَمْرِ اللهِ: فَإِنَّ مَنْ تَهَاوَنَ بِأَمْرِ

۱. صحیح مسلم: ۴/۲۰۵۲/۳۴.

۲. غرر الحکم: ۷۹۹۰ و ۷۹۹۱.

۳. من لا یحضره الفقیه: ۳/۵۶۰/۴۹۲۴.

۴. نهج البلاغة: الحکمة ۱۱۰.

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۲۴.

چنین می‌کردم، چنین و چنان می‌شد؛ بلکه بگو: «این، تقدیر خدا بود و هر چه خدا بخواهد، همان می‌شود؛ زیرا «اگر» گفتن، راه را برای کار شیطان می‌گشاید.

۱۷۰. امام علی علیه السلام: هر که کار کند، نیرومندتر شود و هر که در کار کوتاهی ورزد، بر ضعف و سستی او [در کارها] افزوده شود.

۱۷۱. امام صادق علیه السلام: همانا نیروی مؤمن، در دل اوست. مگر نه این است که می‌بینید بدنی ضعیف و پیکری نحیف دارد و با این حال، شب را به عبادت می‌گذرانند و روز را روزه می‌گیرد؟



۱۷۲. امام علی علیه السلام: فرمان خدای پاک را تنها کسی می‌تواند اجرا کند که سازشکار نباشد و نیرنگ نزنند و آزمندیها او را نفریبند.

۱۷۳. امام علی علیه السلام: به جان خودم سوگند که در جنگیدن با کسی که در برابر حق پایستد و در گمراهی فرو رود، هرگز مسامحه و سستی روا نمی‌دارم.

۱۷۴. امام صادق علیه السلام: مبادا در اجرای فرمان خدا سستی کنید که هر کس در اجرای فرمان خداوند، سستی روا دارد، خداوند در روز

الله أَهَانَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

۱۰-۳/۲

الْإِسْتِقَامَةُ

القرآن:

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾. (۲)

﴿وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾. (۳)

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا
وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾. نحن أولياءكم في
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا
تَدْعُونَ﴾. (۴)

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

الحديث:

۱۷۵. الإمام علي عليه السلام: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْصِنِي. قَالَ: قُلْ «رَبِّيَ اللَّهُ»
ثُمَّ اسْتَقِم، قَالَ: قُلْتُ: رَبِّيَ اللَّهُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. فَقَالَ: لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَقَدْ
شَرِبْتَ الْعِلْمَ شُرْباً وَنَهَلْتَهُ نَهْلاً. (۵)

۱. المحاسن: ۱/ ۱۸۱/ ۲۸۶.

۲. هود: ۱۱۲.

۳. الشورى: ۱۵.

۴. فصلت: ۳۰ و ۳۱.

۵. المناقب لابن شهر آشوب: ۲/ ۳۵۵.

رستاخیز، او را خوار گردانند.

۱۰-۳/۲

استقامت

قرآن:

پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت بورز، و نیز هر کس با تو روی به سوی خداوند آورده است [، استقامت ورزد].
استقامت کن، همان گونه که فرمان یافته‌ای، و از هوسهای آنان پیروی مکن.

بی‌گمان، کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس پایداری نمودند، فرشتگان بر آنها فرو فرود آیند [و گویند] که مترسید و اندوه‌گین نشوید، و شما را مژده باد به بهشتی که [در دنیا] به شما وعده داده می‌شد. ما دوستان و یاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم و هر چه دلهایتان بخواهد، [در بهشت] برای شماست، و هر چه خواستار باشید، در آنجا خواهید داشت.

حدیث:

۱۷۵. امام علی علیه السلام: گفتم: ای پیامبر خدا! مرا سفارشی فرما. فرمود: «بگو: "پروردگار من خداست" و آن گاه [بر این گفته]، ایستادگی کن».

من گفتم: پروردگار من خداست و توفیق، جز از خدا نخواهم، به او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم. پیامبر خدا فرمود: «علم، گوارایت باد، ای ابو الحسن، که دانش را خوب نوشیدی و از آن، نیکو سیراب گشتی!».

۱۱۴ بایسته های بسیج

۱۷۶. عنه علیه السلام: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْمُتَكَلِّفِينَ؛
فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ، وَوَلَايَةِ أَهْلِ الْحَقِّ؛ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَلَ بِنَا
هَٰلِكَ. ^(۱)

۱۷۷. عنه علیه السلام: مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِقَامَةَ لَزِمَتْهُ السَّلَامَةُ. ^(۲)

۱۷۸. الإمام الصادق علیه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ ... وَبِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ. ^(۳)

۱۱-۳/۲

الصَّبْرُ عَلَى الصَّعَابِ

۱۷۹. الإمام علي علیه السلام: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ عَلَيْهِ نَفْسَكَ. ^(۴)

۱۸۰. عنه علیه السلام: ثَوَابُ الْعَمَلِ عَلَى قَدْرِ الْمَشَقَّةِ فِيهِ. ^(۵)

۱۸۱. عنه علیه السلام: بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالرَّاحَةُ
الدَّائِمَةُ. ^(۶)

۱۸۲. عنه علیه السلام: الْقَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبِ لِلَّهِ، وَالْقَلْبُ
الْإِلَهِيُّ عَنِ اللَّهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ، فَلَا تَظُنَّ يَا بَنَ آدَمَ أَنَّكَ تُدْرِكُ رِفْعَةَ
الْبِرِّ بِغَيْرِ مَشَقَّةٍ؛ فَإِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مُرٌّ، وَالْبَاطِلَ خَفِيفٌ حُلْوٌ

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۵۱-۱.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۹۱/۹۵.

۳. الكافي: ۲/۲۳۱/۴.

۴. بحار الأنوار: ۷۸/۶۹/۲۰.

۵-۶. غرر الحكم: ۴۶۹۰، ۴۳۲۵.

۱۷۶. امام علی علیه السلام: بدانید، که خدای - تبارک و تعالی - از بندگان بی ثبات و دَمَدَمی مزاج خود، نفرت دارد. پس، از حق و ولایت اهل حق (ائمه اطهار علیهم السلام) دور نشوید؛ زیرا کسی که دیگران را به جای ما برگزیند، هلاک می شود.

۱۷۷. امام علی علیه السلام: هر کس با استقامت همراه باشد، سلامتی از او جدا نخواهد شد.

۱۷۸. امام صادق علیه السلام: مؤمن در دین، نیرومند است... نیک رفتاری در استقامت و پایداری.



۱۷۹. امام علی علیه السلام: برترین کارها، کاری است که خود را بر انجام دادن آن به سختی واداری.

۱۸۰. امام علی علیه السلام: پاداش کار، به اندازه رنج و زحمتی است که دارد.

۱۸۱. امام علی علیه السلام: با رنج بسیار است که درجات رفیع و آسایش همیشگی به دست می آید.

۱۸۲. امام علی علیه السلام: قلب دوستدار خدا، خستگی برای خدا را بسیار دوست دارد و قلب بی خبر از یاد خدا، آسایش را دوست دارد. پس ای آدمیزاد! گمان مبر که مقام والای نیکی را بی سختی به دست می آوری؛ زیرا حق، سنگین و تلخ است و باطل، سبک،

وَنِيَّ^(۱)

۱۸۳. عَنْهُ ﷺ: الْمَكَارِمُ بِالْمَكَارِهِ، الثَّوَابُ بِالمَشَقَّةِ^(۲).

۱۲-۳/۲

السَّكِينَةُ

القرآن:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ

إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^(۳)

الحديث:

۱۸۴. الإمام الباقر ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾: هُوَ الْإِيمَانُ^(۴)

۱۸۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ الْإِيمَانِ^(۵).

۱۳-۳/۲

الْإِعْتِدَالُ

۱۸۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَزْدَادَ عَبْدٌ عَبْدًا قَطُّ فَقَهَا فِي دِينِهِ إِلَّا أَزْدَادَ قَصْدًا فِي

۱. تنبيه الخواطر: ۲/ ۸۷.

۲. غرر الحكم: ۴۳ و ۴۴.

۳. الفتح: ۴.

۴. الكافي: ۲/ ۱۵/ ۱.

۵. من لا يحضره الفقيه: ۴/ ۴۰۳/ ۵۸۶۸.

شیرین و سست.

۱۸۳. امام علی علیه السلام: بزرگواریها با دشواری به دست می آیند، و مزد و ثواب، بارنج.

۱۲-۳/۲

آرامش

قرآن:

اوست که اطمینان و آرامش را در دل‌های مؤمنان، فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، و سپاهیان آسمانها و زمین، از آن خداوند است؛ و خداوند، همواره دانا و حکیم است.

حدیث:

۱۸۴. امام باقر علیه السلام - در تفسیر سخن خدای تعالی: «اوست که اطمینان و آرامش را در دل‌های مؤمنان فرو فرستاد...»: آن آرامش، ایمان است.

۱۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکوترین زیور مرد، آرامش همراه با ایمان است.

۱۳-۳/۲

میانروی

۱۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ‌گاه بنده‌ای بر شناخت خود از دینش نیفزود، مگر اینکه بر میان‌روی او در عملش افزوده گشت.

عَمَلِهِ (۱).

۱۸۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ، وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِي لَا سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهراً أَبْقَى (۲).

۱۸۸. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳).

راجع: القطر / ص ۱۶۰

۱۴-۳/۲

الْأَمَانَةُ



القرآن:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (۴)

الحديث:

۱۸۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَكَثْرَةِ الْحَجِّ، وَالْمَعْرُوفِ، وَطَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ (۵).

۱. كنز العمال: ۵۴۰۴/۴۵/۳.

۲. الكافي: ۱/۸۶/۲.

۳. الكافي: ۲/۵۲/۴.

۴. المؤمنون: ۸.

۵. بحار الأنوار: ۵/۱۱۴/۷۵.

۱۸۷. پیامبر خدا ﷺ: همانا این دین، استوار است. پس با ملایمت در آن وارد شوید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید که در آن صورت، به سوارِ درمانده‌ای می‌مانید که نه سفری را پیموده و نه مرکبی [یا نشاط] به جا گذاشته است.

۱۸۸. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی، میانه‌روی را دوست دارد.

ر.ک: افراطیگری، ص ۱۶۱



قرآن:

و [از ویژگیهای اهل ایمان این است که] آنان امانتها و پیمان خود را مراعات می‌کنند.

حدیث:

۱۸۹. پیامبر خدا ﷺ: به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه زیاد آنها نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید.

۱۹۰. الإمام علي عليه السلام: لَا تَخُنْ مَنْ اِثْمَنَكَ وَإِنْ خَانَكَ، وَلَا تُدْعِ سِرَّهُ وَإِنْ أَدَاعَ سِرَّكَ. (۱)

۱۹۱. الإمام الباقر عليه السلام: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لِحَدِّ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ. (۲)

۱۹۲. الإمام الصادق عليه السلام: أَنْظِرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَالْزَمَهُ؛ فَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (۳)

۱۹۳. عنه عليه السلام: إِنْ ضَارِبَ عَلِيٌّ بِالسَّيْفِ وَقَاتِلَهُ لَوْ اِثْمَنَنِي وَاسْتَنْصَحَنِي وَاسْتَشَارَنِي ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لَأَدَيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ. (۴)

۱۵-۳/۲

التولي التبري

۱۹۴. رسول الله ﷺ: أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ: الْحُبُّ فِي اللهِ وَالْبُغْضُ فِي اللهِ. (۵)

۱. بحار الأنوار: ۷۷/۲۰۸/۱.

۲. الكافي: ۱۶۲/۲/۱۵.

۳. الكافي: ۱۰۴/۲/۵.

۴. الكافي: ۱۳۳/۵/۵.

۵. من لا يحضره الفقيه: ۴/۳۶۲/۵۷۶۲.

۱۹۰. امام علی علیه السلام: به کسی که تو را امین قرار داده است، خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز، اگرچه او راز تو را فاش ساخته باشد.

۱۹۱. امام باقر علیه السلام: سه چیز است که خداوند تعالی، دست هیچ کس را در آنها باز نگذاشته است: برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار؛ وفا کردن به عهد با نیکوکار و بدکار؛ و نیکی کردن به پدر و مادر، خوب باشند یا بد.

۱۹۲. امام صادق علیه السلام: بین علی علیه السلام به سبب چه چیز، آن منزلت را نزد پیامبر خدا پیدا کرد، از همان پیروی کن. همانا علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری، آن مقام را نزد پیامبر خدا یافت.

۱۹۳. امام صادق علیه السلام: اگر ضارب و قاتل علی علیه السلام [هم] مرا امین بشمارد و از من خیرخواهی کرده و با من مشورت کند و من امانتش را بپذیرم، آن را به او باز خواهم گرداند.

۱۵-۳/۲

تولدتبراً

۱۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست.

۱۹۵. عنه عليه السلام: [سَأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ: أَيُّ عِبَادِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟] قَالَ: الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ، وَيَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِي كَمَا يَغْضَبُ النَّاسُ إِذَا حَرَنَ. ^(۱)

۱۹۶. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ اللَّهَ، وَتُبْغِضَ اللَّهَ، وَتُعْمَلَ لِسَانَكَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ تعالى وَأَنْ تُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَنْ تَقُولَ خَيْرًا أَوْ تَصْمُتَ. ^(۲)

۱۹۷. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدِّينَ لَشَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ بِاللَّهِ، وَثَمَرُهَا الْمَوَالَاةُ فِي اللَّهِ، وَالْمُعَادَاةُ فِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ. ^(۳)

۱۹۸. عنه عليه السلام: كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ، فَلَا دِينَ لَهُ. ^(۴)

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی
۱۶۰۳/۲

الْصَّدَقَاتُ

القرآن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾. ^(۵)

۱. المتحابين في الله: ۳۴.

۲. كنز العمال: ۱/۳۷/۶۷.

۳. غرر الحكم: ۳۵۴۱.

۴. الكافي: ۲/۱۲۷/۱۶.

۵. التوبة: ۱۱۹.

۱۹۵. پیامبر خدا ﷺ - [هنگامی که از خداوند متعال پرسید :] پروردگارا! کدام یک از بندگان نزدت محبوب ترند؟ فرمود :- « کسانی که در راه من با یکدیگر دوستی می کنند و چنان برای [شکستن] حرمت هایم خشمگین می شوند که پلنگ سرکش ، خشمگین می شود» .

۱۹۶. پیامبر خدا ﷺ : بالاترین ایمان ، این است که دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و زیانت را در ذکر خدا به کارگیری و آنچه برای خود دوست داری ، برای مردم نیز دوست داشته باشی و آنچه را بر خود نمی پسندی ، بر مردم نیز نپسندی و به نیکی سخن گویی یا خاموش بمانی .

۱۹۷. امام علی علیه السلام : دین ، درختی است که ریشه آن ، یقین به خداست و میوه اش ، دوستی کردن و دشمنی ورزیدن برای خدا .

۱۹۸. امام صادق علیه السلام : هر کس دوستی و دشمنی اش برای دین نباشد ، دین ندارد .

۱۶-۳/۲

راستگویی

قرآن :

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید .

الحديث :

۱۹۹. الإمام علي عليه السلام: الصّدقُ أقوى دَعائمِ الإيمانِ. (۱)

۲۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: لا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (۲)

۱۷-۳/۲

قَوْلُ الْحَقِّ

۲۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلًا مَهَابَةُ النَّاسِ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ. أَلَا إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ. (۳)

۲۰۲. عنه عليه السلام: مَا مِنْ صَدَقَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ ﷻ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ. (۴)

۲۰۳. الإمام علي عليه السلام: أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَقْوَلُهُمْ لِلْحَقِّ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ، وَأَعْمَلُهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِيهِ كُرْهُهُ. (۵)

۱. غرر الحكم: ۱۵۷۹.

۲. الكافي: ۲/۱۰۴/۲.

۳. مسند ابن حنبل: ۴/۳۹/۱۱۱۴۳.

۴. شعب الإيمان: ۶/۱۲۵/۷۶۸۵.

۵. غرر الحكم: ۳۲۴۳.

حدیث:

۱۹۹. امام علی علیه السلام: راستی، محکم ترین ستون ایمان است.
۲۰۰. امام صادق علیه السلام: فریب نماز و روزه مردم را نخورید؛ زیرا آدمی، گاه چنان به نماز و روزه خو می کند که اگر آنها را ترک گوید، احساس ترس می کند؛ بلکه آنان را به راستگویی و امانتداری بیازماید.

۱۷-۳/۲

حکوی

۲۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! مبادا ترس از مردم، مانع از آن شود که کسی حق را بداند و نگوید. بدانید که برترین جهاد، سخن حقی است که در برابر فرمانروای ستمگر گفته شود.
۲۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صدقه ای نزد خداوند تعالی، محبوب تر از گفتن حق نیست.
۲۰۳. امام علی علیه السلام: نزدیک ترین بندگان به خدای متعال، حقگوترین آنهاست، هر چند به زیانش باشد، و عمل کننده ترین آنهاست به حق، هر چند برخلاف میلش باشد.

۱۸-۳/۲

کتمان السِّرِّ

۲۰۲. رسول الله ﷺ: إفشاء سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ. (۱)
۲۰۵. الإمام عليّ عليه السلام: الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ. (۲)
۲۰۶. عنه عليه السلام: صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ. (۳)
۲۰۷. عنه عليه السلام: أَنْجَحُ الْأُمُورِ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكِتْمَانُ. (۴)
۲۰۸. الإمام الصادق عليه السلام: سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْدَاجِكَ. (۵)
۲۰۹. عنه عليه السلام: لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أُطْلِعَتْ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ؛ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا مَا. (۶)
۲۱۰. الإمام الجواد عليه السلام: إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ. (۷)

۱. مكارم الأخلاق: ۲/ ۳۷۹/ ۲۶۶۱.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۴۸.

۳. نهج البلاغة: الحكمة ۶.

۴. غرر الحكم: ۳۲۸۴.

۵. بحار الأنوار: ۷۵/ ۷۱/ ۱۵.

۶. مشكاة الأنوار: ۵۵۷/ ۱۸۸۶.

۷. بحار الأنوار: ۷۵/ ۷۱/ ۱۳.

۱۸-۳/۲

رازداری

۲۰۴. پیامبر خدا ﷺ: فاش کردن راز برادرت، خیانت است. پس، از این کار دوری کن.

۲۰۵. امام علی علیه السلام: پیروزی با دوراندیشی به دست می آید و دوراندیشی، بارایزنی و رایزنی، بارازداری.

۲۰۶. امام علی علیه السلام: سینه خردمند، صندوقچه راز اوست.

۲۰۷. امام علی علیه السلام: موفق ترین کارها، کاری است که بارازداری کامل انجام شود.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

۲۰۸. امام صادق علیه السلام: راز تو جزئی از خون توست. پس نباید که در رگهای غیر تو جریان یابد.

۲۰۹. امام صادق علیه السلام: دوست را از راز خود، آگاه مکن، مگر بر رازی که اگر دشمن از آن آگاه شود، نتواند به تو زیانی رساند؛ زیرا دوست نیز ممکن است که روزی دشمن شود.

۲۱۰. امام جواد علیه السلام: آشکار کردن چیزی پیش از آنکه استوار گردد، موجب تباهی آن می شود.

۱۹-۳/۲

الْإِنصَافُ

۲۱۱. رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ -: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَأَنْصَحِ الْأُمَّةَ وَارْحَمْهُمْ، فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ بَلَدَةٍ أَنْتَ فِيهَا وَأَرَادَ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ نَظَرَ إِلَيْكَ فَرَحِمَهُمْ بِكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ»^(۱).

۲۱۲. الإمام علي عليه السلام: الْإِنصَافُ أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ^(۲).

۲۱۳. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ، وَلَا يَأْتُمُ فِيمَنْ يُحِبُّ^(۳).

۲۱۴. عنه عليه السلام: إِنَّ أَعْظَمَ الْمَثُوبَةِ مَثُوبَةُ الْإِنصَافِ^(۴).

۲۱۵. عنه عليه السلام: نِظَامُ الدِّينِ خَصْلَتَانِ: إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ^(۵).

۲۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنَ الْإِنصَافِ مُطَالَبَةُ الْإِخْوَانِ بِالْإِنصَافِ^(۶).

۱. مكارم الأخلاق: ۲ / ۳۶۰ / ۲۶۶۰.

۲. غرر الحكم: ۸۰۵.

۳. الأمالي للطوسي: ۱۱۹۹/۵۸۰.

۴. غرر الحكم: ۳۳۸۷.

۵. غرر الحكم: ۹۹۸۳.

۶. الأمالي الطوسي: ۵۳۷ / ۲۸۰.

۱۹-۳/۲

انصاف

۲۱۱. پیامبر خدا ﷺ در سفارش به ابن مسعود -: از جانب خود به مردم، حق بده و با انصاف باش و نسبت به آنان، خیرخواه و مهربان باش؛ زیرا اگر چنین بودی و خداوند بر مردم سرزمینی که تو در آن به سر می‌بری، خشم گرفت و خواست بر آنان عذاب فرو فرستد، به تو نگاه می‌کند و به خاطر توبه آن مردم، رحم می‌کند. خدای متعال می‌فرماید: «و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌حگرنند، به ستمی هلاک کند».

۲۱۲. امام علی علیه السلام: انصاف، برترین فضایل است.

۲۱۳. امام علی علیه السلام: مؤمن، بر آن که با او دشمنی می‌ورزد، ستم نمی‌کند و در راه آن که دوستش دارد، دست به گناه نمی‌زند.

۲۱۴. امام علی علیه السلام: بزرگ‌ترین ثواب، ثواب انصاف و دادگری است.

۲۱۵. امام علی علیه السلام: نظام ورشته دین، دو خصلت است: انصاف داشتن، و یکسانی و یکرنگی با برادران.

۲۱۶. امام صادق علیه السلام: دعوت کردن برادران به رعایت انصاف، از انصاف به دور است.

۲۰-۳/۲

إظهار المودة

۲۱۷. رسول الله ﷺ: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ ﷻ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ. (۱)

۲۱۸. الإمام علي عليه السلام: بِالتَّوَدُّدِ تَكُونُ الْمَحَبَّةُ. (۲)

۲۱۹. عنه عليه السلام: مَنْ تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحْبَبَهُ، مَنْ عَانَدَ النَّاسَ مَقْتُوهُ. (۳)

۲۲۰. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَعْرَابِيًّا مِنْ بَنِي تَمِيمٍ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ لَهُ: أَوْصِنِي. فَكَانَ مِنْ أَوْصَاءِهِ: تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ. (۴)

۲۱-۳/۲

حُسْنُ الْخُلُقِ

۲۲۱. رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. (۵)

۲۲۲. عنه عليه السلام: الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ. (۶)

۲۲۳. عنه عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلََةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ

۱. الخصال: ۵۵/۱۵.

۲. غرر الحكم: ۴۱۹۴.

۳. غرر الحكم: ۷۸۹۵ و ۷۷۹۶.

۴. الكافي: ۱/۶۴۲/۲.

۵. كنز العمال: ۷۰۳/۱۴۴/۱.

۶. كنز العمال: ۵۲۲۵/۱۷/۳.

۲۰-۳/۲

اظهار دوستی

۲۱۷. پیامبر خدا ﷺ: اساس عقل، پس از ایمان به خدای عز و جل، دوستی با مردم است.

۲۱۸. امام علی علیه السلام: با اظهار دوستی، دوستی پدید می آید.

۲۱۹. امام علی علیه السلام: هر که با مردم الفت بگیرد، دوستش خواهند داشت و هر که با مردم دشمنی ورزد، منفور آنان می شود.

۲۲۰. امام باقر علیه السلام: بادیه نشینی از قبیله بنی تمیم نزد پیامبر ﷺ آمد و به ایشان گفت: سفارشی به من کن، از جمله سفارش های حضرت به او این بود: «با مردم، اظهار دوستی کن، تا دوستت بدارند».

۲۱-۳/۲

حسن خلق

۲۲۱. پیامبر خدا ﷺ: بهترین مؤمنان، خوشخوترین آنهاست.

۲۲۲. پیامبر خدا ﷺ: اسلام، خوشخویی است.

۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ: خدای سبحان، مکارم اخلاق را سبب پیوند میان خود و بندگانش قرار داده است. پس، هر یک از شما را همین بس

- عِبَادِهِ؛ فَحَسْبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ. ^(۱)
۲۲۴. عَنْهُ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَيُحِبُّ مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا. ^(۲)
۲۲۵. عَنْهُ عليه السلام: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ^(۳)
۲۲۶. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: يَا كَمِيلُ، مَرَّ أَهْلَكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ، وَيُدْلِجُوا فِي حَاجَةٍ مِنْ هُوَ نَائِمٌ. ^(۴)
۲۲۷. عَنْهُ عليه السلام: لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً، وَلَا نَخْشَى نَاراً وَلَا ثَوَاباً وَلَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ. ^(۵)
۲۲۸. الْإِمَامُ الْحَسَنُ عليه السلام: إِنَّ أَحْسَنَ الْحُسْنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. ^(۶)
۲۲۹. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عليه السلام: إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً. ^(۷)
۲۳۰. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَدِّ حُسْنِ الْخُلُقِ - : تُلِينُ جَانِبَكَ، وَتُطِيبُ كَلَامَكَ، وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ. ^(۸)

۱. تنبيه الخواطر: ۲/ ۱۲۲.

۲. كنز العمال: ۶/ ۶۴۰ / ۱۷۱۶۸.

۳. كنز العمال: ۶/ ۶۴۰ / ۱۷۱۶۸.

۴. نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۷.

۵. مستدرک الوسائل: ۱۱/ ۱۹۳ / ۱۲۷۲۱.

۶. الخصال: ۲۹/ ۱۰۲.

۷. الكافي: ۲/ ۹۹ / ۱.

۸. معاني الأخبار: ۲۵۳ / ۱.

که به خویی که متصل به خداست، چنگ آویزد.

۲۲۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد، خویهای والا را دوست دارد و خصلتهای پست را ناخوش می‌دارد.

۲۲۵. پیامبر خدا ﷺ: نیک‌خویی، خیر دنیا و آخرت را از آن خود کرده است.

۲۲۶. امام علی علیه السلام: ای کمیل! به خانواده خود فرمان ده که در روز، در پی کسب مکارم اخلاق باشند و در شب، نیاز کسی را که خفته است، بر آورند.

۲۲۷. امام علی علیه السلام: اگر هم به بهشت، امید [و باور] نمی‌داشتیم و از دوزخ، نمی‌هراسیدیم و پاداش و کیفری در میان نمی‌بود، باز شایسته بود که در طلب مکارم اخلاق برآییم؛ زیرا که راه پیروزی را می‌نمایاند.

۲۲۸. امام حسن علیه السلام: همانا نیک‌ترین نیکویی، خوی نیکوست.

۲۲۹. امام باقر علیه السلام: کامل‌ترین مؤمنان، خوشخوترین آنهاست.

۲۳۰. امام صادق علیه السلام: در پاسخ به پرسش از حد و معنای حُسن خُلق :- حُسن خُلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت را پاکیزه نمایی و بابرادرت با خوش‌رویی برخورد کنی.

۲۳۱. الكافي عن ابن محبوب عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام: قُلْتُ لَهُ: مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ؟ قَالَ: ثَلَاثُ جَنَاحَكَ، وَتَطْيِبُ كَلَامِكَ، وَتَلَقَّى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ^(۱).

۲۲-۳/۲

التَّوَاضُّعُ

القرآن:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَزِدُّهُم مِّن دِينِهِ فَمَا يَتَّبِعُ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^(۲).

الحديث:

۲۳۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: طُوبَى لِمَن تَوَاضَعَ لِلَّهِ فِي غَيْرِ مَنْقَصَةٍ، وَأَذَلَّ نَفْسَهُ فِي غَيْرِ مَسْكَنَةٍ^(۳).

۲۳۳. الإمام علي عليه السلام: - فِي صِفَةِ الْمَلَائِكَةِ -: جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِيمَا هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَحْيِهِ، وَحَمَلَهُمُ إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَدَائِعَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ... وَأَشْعَرَ قُلُوبَهُمْ تَوَاضُعَ إِخْبَاتِ السَّكِينَةِ^(۴).

۱. الكافي: ۴/۱۰۳/۲.

۲. المائدة: ۵۴.

۳. بحار الأنوار: ۷۷/۹۰/۳.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.

۲۳۱. الکافی - به نقل از ابن محبوب، از یکی از یاران امام صادق علیه السلام - : به

ایشان (امام صادق علیه السلام) گفتم: حدّ خوشخویی چیست؟

فرمود: «در رفتارت افتادگی کنی، سختت را شیرین نمایی، و

برادرت را با روی گشاده دیدار کنی».

۲۲-۳/۲

فروتنی

قرآن:

ای مؤمنان! هرکس از شما از دین خود (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند، به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن‌اند و با کافران، سختگیرند.

حدیث:

۲۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که برای خدای متعال فروتنی

کند، بی آنکه او را کاستی‌ای باشد، و خود را ذلیل گرداند، بی آنکه

او را خواری‌ای باشد!

۲۳۳. امام علی علیه السلام - در توصیف فرشتگان - : خداوند، آنها را در جای

خود، امین و حی خویش گردانید و آنان را واداشت تا امانت‌های امر

و نهی خود را به رسولان برسانند ... و دل‌هایشان را در پوششی از

تواضع، خشوع و آرامش درآورد.

۲۳۴. عنه علیه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّوَاضُّعِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ. (۱)

۲۳۵. الإمام الرضا علیه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ ابْنُ الْجَهْمِ مَا حَدُّ التَّوَاضُّعِ الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ مُتَوَاضِعاً؟ :- التَّوَاضُّعُ دَرَجَاتٌ: مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدَرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مَنَازِلَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ؛ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَأَهَا بِالْحَسَنَةِ، كَاطِطُ الْغَيْظِ، عَافٍ عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (۲)

۲۳-۳/۲

الْإِبَاءُ

۲۳۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَتَى ذَا مَيْسَرَةٍ فَتَخَشَّعَ لَهُ طَلَبَ مَا فِي يَدَيْهِ، ذَهَبَ ثُلَاثًا دِينَهُ. ثُمَّ قَالَ: - وَلَا تَعْجَلْ، وَلَيْسَ يَكُونُ الرَّجُلُ يَنَالُ مِنَ الرَّجُلِ الْمَرْفَقَ فَيَجِلُّهُ وَيُوقِرُهُ فَقَدْ يَجِبُ ذَلِكَ لَهُ عَلَيْهِ، وَلَكِنْ تَرَاهُ أَنَّهُ يُرِيدُ بِتَخَشُّعِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ، أَوْ يُرِيدُ أَنْ يَخْتِلَهُ عَمَّا فِي يَدَيْهِ. (۳)

۲۳۷. الإمام علي علیه السلام: مَا أَحْسَنَ تَوَاضُّعَ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَباً لِمَا عِنْدَ اللَّهِ! وَأَحْسَنُ مِنْهُ تَبَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالاً عَلَى اللَّهِ. (۴)

۱. بحار الأنوار: ۵/۱۱۹/۷۵.

۲. الكافي: ۱۳/۱۲۴/۲.

۳. بحار الأنوار: ۵/۱۶۹/۷۳.

۴. نهج البلاغة: الحكمة ۴۰۶.

۲۳۴. امام علی علیه السلام: بر تو باد فروتنی؛ زیرا که آن، از بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

۲۳۵. امام رضا علیه السلام - در پاسخ ابن جهم که پرسید: حدّ و مرز تواضع که هرگاه بنده آن را به کار بندد، فروتن است، چیست؟ -: فروتنی درجاتی دارد: یکی از آنها این است که انسان، اندازه خود را بشناسد و با سلامتِ نفس، خود را در آن جایگاه قرار دهد. دوست داشته باشد با مردم همان‌گونه رفتار کند که انتظار دارد با او رفتار کنند. اگر بدی دید، آن را با خوبی جواب دهد، خشم خود را فرو خورَد و از مردم، درگذرد که خداوند، نیکوکاران را دوست دارد.



۲۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «هر که نزد توانگری رود و از سرِ چشمداشت به آنچه او دارد، در برابرش کُرنش کند، دو سوم دینش از بین برود». سپس فرمود: «سراسیمه نشو! چنین نیست که هرکس از شخص خدمتگزاری به چیزی برسد و بدین سبب، او را احترام و تجلیل کند، لزوماً دو سوم دینش از بین می‌رود؛ بلکه ببین که آیا قصدش از این کُرنش، پاداش الهی است یا می‌خواهد برای به دست آوردن چیزی از دارایی‌اش او را فریب دهد».

۲۳۷. امام علی علیه السلام: چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر تهیدستان، به قصد رسیدن به اجر خداوند، و نیکوتر از آن، بی‌اعتنایی و سرفرازی درویشان است در برابر توانگران، از سرِ اعتماد به خداوند.

۲۴-۳/۲

عَلَّمَ الْخَشْيَةَ فَاَسْوَىٰ لِلّٰهِ

القرآن:

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^(۱)
 «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا
 وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^(۲)

الحديث:

۲۳۸. رسول الله ﷺ: طوبى لمن شغله خوف الله عن خوف الناس^(۳).
 ۲۳۹. الإمام علي عليه السلام: اَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ
 يُقَرَّبَا أَجَلًا، وَلَمْ يَقْطَعَا رِزْقًا^(۴).

۲۵-۳/۲

عَلَّمَ الْخَشْيَةَ لَوْ أَنَّ الْأَمِينَ

القرآن:

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ يَزْدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ
 يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي

۱. الاحزاب: ۳۹.

۲. آل عمران: ۱۷۳.

۳. بحار الأنوار: ۷۷/۱۲۶/۳۲.

۴. الكافي: ۵/۵۷/۶.

۲۴-۳/۲

بیم نداشتن از غیر خدا

قرآن:

[پیامبران الهی] همان کسانی هستند که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.
همان کسانی که بعضی به ایشان گفتند که مردم [مشرک مکه] برای [نبرد با] شما گرد آمده‌اند، از آنان بترسید؛ اما [این خبر] بر ایمان آنان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و او خوب کارسازی است.

حدیث:

۲۳۸. پیامبر خدا ﷺ: خوشا بر آن که ترس از خدا، او را از ترس از مردم، باز داشته باشد!

۲۳۹. امام علی علیه السلام: بدانید که امر به معروف و نهی از منکر، اجل کسی را نزدیک نکرده و روزی کسی را نبریده است.

۲۵-۳/۲

بیم نداشتن از ملامت مردم

قرآن:

ای مؤمنان! هر کس از شما از دین خود (اسلام) برگردد، [بداند که] خداوند، به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، مهربان و فروتن‌اند و با کافران، سختگیرند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری

سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ﴿١﴾

الحديث :

۲۳۰. الإمامُ عليٌّ ؑ : لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ ، يَكْفِكُمْ مَنْ أَرَادَكُمْ وَبَقِيَ عَلَيْكُمْ. (۲)

۲۴۱. الإمامُ زينُ العابدینِ ؑ - وَقَدْ كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْتَخِيرُهُ عَنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، فَكَتَبَ - :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسُخْطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسُخْطِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ ، وَالسَّلَامُ. (۳)

۲۴۲. الإمامُ الهادي ؑ : مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ بِسُخْطِ الْمَخْلُوقِ. (۴)

۲۴۳. الخصال عن أبي نذرٍ : أوصاني [رسولُ اللهِ ﷺ] أَنْ لَا أَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ. (۵)

۲۶-۳/۲

عَلَّمَ الْخَشْيَةَ مَنْ قَلَّ الْمُرَاقِبَةُ

۲۴۴. الإمامُ عليٌّ ؑ : أَتَيْهَا النَّاسُ ! لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ

۱. المائدة: ۵۴.

۲. تحف العقول: ۱۹۹.

۳. الاختصاص: ۲۲۵.

۴. بحار الأنوار: ۷۸/۲۶۶/۲.

۵. الخصال: ۱۲/۳۴۵.

نمی‌هراسند.

حدیث:

۲۴۰. امام علی علیه السلام: در راه خدا از سرزنش هیچ نکوهشگری مترسید که او شما را در برابر هر کس که بخواهد به شما گزند برساند و ستمی روا دارد، محافظت می‌کند.

۲۴۱. امام سجّاد علیه السلام: در پاسخ مردی کوفی که نامه‌ای به ایشان نوشت و درباره‌ی خیر دنیا و آخرت جویا شد، نوشت: - به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان! اما بعد؛ کسی که در راه خشنود کردن خدا از خشم مردم، پروایی نداشته باشد، خداوند او را از کارهای مردم، بی‌نیاز گرداند و خود کفایتش کند و هر که برای جلب خشنودی مردم، خدا را به خشم آورد، خداوند او را به مردم واگذارد. والسلام!

۲۴۲. امام هادی علیه السلام: هر که آفریدگار را فرمان برد، از خشم و ناخشنودی آفریده، پروایی به دل راه ندهد.

۲۴۳. الخصال - به نقل از ابوذر -: پیامبر خدا به من سفارش فرمود که در راه خدا، از سرزنش هیچ سرزنشگری نهراسم.

۲۶-۳/۲

هراس نداشتن از کمی همراهان

۲۴۴. امام علی علیه السلام: ای مردم! در راه راست، به دلیل شمار اندک رهروان

أَهْلِهِ؛ فَإِنَّ النَّاسَ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شِبَعُهَا قَصِيرٌ، وَجَوْعُهَا طَوِيلٌ. (۱)

۲۷-۳/۲

الْإِحْسَانُ بِالتَّقْصِيرِ

۲۴۵. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَلَا يُحْصِي نِعْمَاهُ الْعَادُّونَ، وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ. (۲)

۲۴۶. عنه عليه السلام - في الدعاء -: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُ مِنْ فَضْلِهِ الْمُقِيمُونَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، وَلَمْ يُجَازِهِ لِأَصْغَرِ نِعَمِهِ الْمُجْتَهِدُونَ فِي طَاعَتِهِ. (۳)

۲۴۷. عنه عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ - وَإِنْ اشْتَدَّ عَلَى رِضَى اللَّهِ جِرْصُهُ وَطَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ - بِبَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ، وَلَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ. (۴)

۲۴۸. الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْجِدِّ، لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ ﷻ وَطَاعَتِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ. (۵)

۱. بحار الأنوار: ۶۷/۱۵۸/۱.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱.

۳. مهج الدعوات: ۱۴۴.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶.

۵. الكافي: ۲/۷۲/۱.

آن، احساس تنهایی و ترس نکنید؛ زیرا مردم بر سفره‌ای گرد آمده‌اند که سیری آن، کوتاه و گرسنگی‌اش طولانی است.

۲۷-۳/۲

احساس تقصیر

۲۴۵. امام علی علیه السلام: سپاس خدایی را که سخنوران از ستایش وی ناتوان‌اند و حسابگران، شمارش نعمت‌هایش را نتوانند و تلاشگران، از عهده‌ی ادای حق او برنیایند.

۲۴۶. امام علی علیه السلام: سپاس خدایی را که گنهکاران نیز از بخشش او بهره می‌برند و فرمانبردارانِ کوشا نیز نمی‌توانند کوچک‌ترین نعمتش را پاس بگذارند.

۲۴۷. امام علی علیه السلام: هیچ کس - گرچه در به دست آوردن رضای حق، حریص باشد و در این راه تا جایی که می‌تواند بکوشد - نمی‌تواند طاعتی را که شایسته‌ی مقام خداوند سبحان است، به جای آورد؛ ولی از حقوق واجب خداوند بر بندگانش این است که به اندازه‌ی توانایی خویش، در خیرخواهی و نصیحت بندگانش بکوشند و برای برقراری حق در میان خودشان همیاری کنند.

۲۴۸. امام کاظم علیه السلام: همواره بکوش و زنده‌ای که خود را در پرستش خدای تعالی بی‌تقصیر مدانی؛ زیرا خداوند، آن گونه که شایسته‌ی پرستش است، پرستش نمی‌شود.

۴/۲

مُحَابَبَةُ الْخَصَالِ الْمَذْمُومَةِ

۱-۴/۲

سُوءُ الْخُلُقِ

۲۴۹. رسول الله ﷺ: سُوءُ الْخُلُقِ ذَنْبٌ لَا يُغْفَرُ. (۱)

۲۵۰. عنه ﷺ - وَقَدْ قِيلَ لَهُ: إِنَّ فُلَانَةً تَصُومُ النَّهَارَ وَتَقُومُ اللَّيْلَ، وَهِيَ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ تُؤْذِي جِيرَانَهَا بِلِسَانِهَا -: لَا خَيْرَ فِيهَا، هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (۲)

۲-۴/۲

الْأَفْعَالُ

۲۵۱. رسول الله ﷺ: لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۳)

۲۵۲. عنه ﷺ - لَمَّا اسْتَوْصَاهُ رَجُلٌ -: «لَا تَغْضَبْ»، قَالَ الرَّجُلُ: فَفَكَرْتُ حِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا قَالَ، فَإِذَا الْغَضَبُ يَجْمَعُ الشَّرَّ كُلَّهُ. (۴)

۱. كنز العمال: ۴۴۳/۳، ۷۳۶۳.

۲. بحار الأنوار: ۷۱/۳۹۴/۶۳.

۳. تحف العقول: ۴۷.

۴. مسند ابن حنبل: ۵۷/۹، ۲۳۲۳۱.

۴/۲
دوری از اخلاق نکوهیده

۱-۴/۲

بد اخلاقی

۲۴۹. پیامبر خدا ﷺ: بدخویی، گناهی نابخشودنی است.

۲۵۰. پیامبر خدا ﷺ: وقتی به ایشان گفته شد که فلان زن، روزها را

روزه می گیرد و شبها را به عبادت می گذراند؛ اما بد اخلاق است و

همسایگانش را با زبان خود می آزارد:-: خیری در آن زن نیست، او

اهل دوزخ است.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی
۲-۴/۲

عصبانیت

۲۵۱. پیامبر خدا ﷺ: پهلوانی، به زمین زدن حریف نیست؛ بلکه پهلوان

کسی است که در هنگام خشم، خویشتندار باشد.

۲۵۲. پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به مردی که از آن حضرت، اندرزی

خواست:-: «خشمگین مشو». آن مرد می گوید: من در سخن

پیامبر خدا اندیشه کردم. دیدم که خشم، فراهم آورنده همه

بدیهاست.

۲۵۳. عنه علیه السلام: وَجَبَتْ مَحَبَّةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ غَضِبَ فَحَلَمَ. (۱)
۲۵۴. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ، وَإِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ، إِذَا قَدَّرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِمَّا لَهُ. (۲)
۲۵۵. عنه علیه السلام: الغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ. (۳)
۲۵۶. المسيح علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ بَدْءِ الغَضَبِ -: الْكِبَرُ، وَالتَّجَبُّرُ، وَمَحَقَرَةُ النَّاسِ. (۴)

۳-۴/۲



القرآن:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾. (۵)

الحديث:

۲۵۷. الإمام علي علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعِيشَ حُرًّا أَيَّامَ حَيَاتِهِ فَلَا يُسْكِنِ الطَّمَعَ قَلْبَهُ. (۶)

۱. تاریخ دمشق: ۱۴/۴۰۴/۳۶۲۲.

۲. الکافی: ۲/۲۳۳/۱۱.

۳. الکافی: ۲/۳۰۳/۳.

۴. مشکاة الأنوار: ۳۸۳/۱۲۶۷.

۵. المعارج: ۱۹ و ۲۰.

۶. تنبيه الخواطر: ۱/۴۹.

۲۵۳. پیامبر خدا ﷺ: دوستی خدا برای آن که خشمگین شود و آنگاه
بردباری کند، قطعی است.

۲۵۴. امام صادق علیه السلام: همانا مؤمن کسی است که هرگاه خشمگین شود،
خشمش او را از جاده حق بیرون نمی برد و هرگاه خشنود شود،
خشنودی اش [از کسی]، او را به باطل نمی کشاند و کسی است که
چون قدرت پیدا کند، بیشتر از آنچه حق اوست، نمی گیرد.

۲۵۵. امام صادق علیه السلام: خشم، کلید همه بدیهاست.

۲۵۶. مسیح علیه السلام - در پاسخ به سؤال از ریشه خشم -: خود بزرگ بینی و
گردنفرازی و حقیر شمردن مردم [ریشه خشم] است.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
۳-۴/۲

آزمونی

قرآن:

به راستی که انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده است. هنگامی که
به او آسیبی رسد، سخت بی تاب می کند.

حدیث:

۲۵۷. امام علی علیه السلام: هر که می خواهد ایام عمر خود را آزاد زندگی کند،
طمع را در دل خویش جای ندهد.

۲۵۸. عنه علیه السلام: مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَشْتَهِيَ مَا لَا يَنْبَغِي! ^(۱)
۲۵۹. عنه علیه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْحَرِصِ: مَا هُوَ؟ -: هُوَ طَلَبُ الْقَلِيلِ بِإِضَاعَةِ الْكَثِيرِ. ^(۲)
۲۶۰. الإمام الباقر علیه السلام: مَثَلُ الْحَرِصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دَوْدَةَ الْقَرْزِ: كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَرْزِ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ، حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. ^(۳)
۲۶۱. الإمام الصادق علیه السلام: مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ. ^(۴)

۴-۴/۲

التَّعَصُّبُ

القرآن:

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾. ^(۵)

الحديث:

۲۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ. ^(۶)

۱. غرر الحکم: ۹۶۴۹.

۲. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۷/۷۳.

۳. الکافی: ۷/۳۱۶/۲.

۴. الکافی: ۱/۳۲۰/۲.

۵. الفتح: ۲۶.

۶. الکافی: ۲/۳۰۸/۲.

۲۵۸. امام علی علیه السلام: چه زینده است که انسان، آنچه را شایسته نیست، نخواهد!

۲۵۹. امام علی علیه السلام - در پاسخ به این پرسش که: آزمندی چیست؟ :-
به دست آوردن کم، با از دست دادن زیاد است.

۲۶۰. امام باقر علیه السلام: حکایت آزمند به دنیا، حکایت کرم ابریشم است.
هرچه بیشتر ابریشم بر خود می تند، با بیرون آمدن از پيله بیشتر
فاصله می گیرد تا آنکه سرانجام، از غصه می میرد.

۲۶۱. امام صادق علیه السلام: چه زشت است برای مؤمن که خواسته‌ای
خوارکننده داشته باشد!



مرکز تحقیقات فرهنگی و اجتماعی
۴-۴/۲

تعصب

قرآن:

[به یاد آرید] هنگامی را که کافران در دلهای خود، خشم و تعصب
جاهلیت داشتند.

حدیث:

۲۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که تعصب بورزد یا برایش تعصب ورزیده
شود، حلقه ایمان را از گردن خویش، باز کرده است.

وَفِي نَقْلِ : فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ. (۱)

۲۶۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ. (۲)

۲۶۴. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ كُنْتُمْ لَا مَحَالَةَ مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ. (۳)

۵-۴/۲

الْكَسَلُ

۲۶۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : يَا عَلِيُّ، إِيَّاكَ وَخَصَلَتَيْنِ : الضُّجْرَ وَالْكَسَلَ ؛ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجِرْتَ لَمْ تَصِيرْ عَلَى حَقٍّ، وَإِنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا. (۴)

۲۶۶. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اَزْدَوَجَتْ اَزْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ. (۵)

۲۶۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ مِنْ أَبْغَضِ الرُّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعِبْدًا وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرًا عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، سَائِرًا بِغَيْرِ دَلِيلٍ، إِنْ دُعِيَ إِلَى

۱. ثواب الأعمال : ۲۶۳ / ۱.

۲. الكافي : ۳۰۸ / ۲.

۳. غرر الحكم : ۳۷۳۸.

۴. من لا يحضره الفقيه : ۴ / ۳۵۵ / ۵۷۶۲.

۵. الكافي : ۸ / ۸۶ / ۵.

(در نقلی دیگر از این حدیث آمده است:) حلقهٔ اسلام را از گردن خویش، باز کرده است.

۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در دلش به اندازهٔ دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند در روز قیامت، او را با اعراب جاهلیت برانگیزد.

۲۶۴. امام علی علیه السلام: اگر ناگزیر از داشتن تعصب هستید، پس، در راه یاری رساندن به حق و کمک به ستمدیده، تعصب نشان دهید.

۵-۴/۲



۲۶۵. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! از دو خصلت بپرهیز: بی‌تابی و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌تاب و کم‌حوصله باشی، بر حق شکیبایی نکنی و اگر سست و تنبل باشی، حق را نپردازی.

۲۶۶. امام علی علیه السلام: آن‌گاه که اشیا با یکدیگر جفت شدند، تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کردند و از آنها فقر متولد شد.

۲۶۷. امام علی علیه السلام: از منفورترین مردان نزد خدای متعال، بنده‌ای است که خداوند او را به خودش وا گذاشته است، به نحوی که از راه راست منحرف شده، بی‌رهنما راه می‌سپرد. اگر به کشتهٔ دنیایش بخوانند، کار می‌کند و اگر به کشتهٔ آخرت (عمل صالح و پاداش

حَرِثَ الدُّنْيَا عَمَلًا، وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرِثِ الْآخِرَةِ كَسِلَ^(۱).

۲۶۸. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَرْغَبُ فِي مَا يَبْقَى، وَيَزْهَدُ فِي مَا يَفْنَى...
بَعِيدُ كَسَلُهُ، دَائِمُ نَشَاطَتُهُ^(۲).

۲۶۹. الإمامُ الباقر عليه السلام: إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ - أَوْ أُبْغِضُ لِلرَّجُلِ - أَنْ
يَكُونَ كَسَلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَمَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ
أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ^(۳).

۶-۴/۲

الْكِبَرُ

۲۷۰. رسولُ الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَالْكِبَرُ؛ فَإِنَّ الْكِبَرَ يَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَأَنْ
عَلَيْهِ الْعِبَادَةُ^(۴). مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۲۷۱. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ؛ إِذَا أَحْبَطَ
عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَجَهْدَهُ الْجَهِيدَ، وَكَانَ قَدْ عَبْدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ،
لَا يُدْرِي أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ
وَاحِدَةٍ^(۵).

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۳.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۲۶/۹۲.

۳. الكافي: ۵/۸۵/۴.

۴. المعجم الاوسط: ۱/۱۷۳/۵۴۳.

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

اخروی) فرایش خوانند، تنبلی نشان می دهد.

۲۶۸. امام علی علیه السلام: مؤمن به آنچه ماندنی است، تمایل دارد و از آنچه رفتنی است، رویگردان... از تنبلی به دور است و پیوسته سرزنده و با نشاط است.

۲۶۹. امام باقر علیه السلام: من نفرت دارم از کسی که در کار دنیایش تنبل باشد. هر که در کار دنیایش تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر است.

۶-۴/۲



۲۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از تکبر پرهیزید؛ زیرا گاهی با پوشیدن ردایی هم به انسان، غرور دست می دهد.

۲۷۱. امام علی علیه السلام: از کاری که خدا با ابلیس کرد، درس بگیرید؛ چه، کار دراز مدت و کوششهای توانفرسای او را به سبب لحظه ای تکبر، باطل ساخت. او شش هزار سال خدا را پرستش کرده بود که معلوم نیست آیا از سالهای دنیاست یا از سالهای آخرت.

۷-۴/۲

الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ

۲۷۲. الإمام علي عليه السلام - من كتابه للأشتر لما ولّاه مصر - : إِيَّاكَ وَالْإِعْجَابَ
بِنَفْسِكَ، وَالثِّقَةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا، وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ
أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ، لِيَتَحَقَّ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ
الْمُحْسِنِينَ. (۱)

۲۷۳. عنه عليه السلام: سَيِّئَةٌ تَسُوُّوكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ. (۲)

۲۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ ﷻ لِدَاوُدَ عليه السلام: يَا دَاوُدُ... أَنْذِرِ الصَّادِقِينَ
أَلَّا يُعْجِبُوا بِأَعْمَالِهِمْ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ أَنْصِبُهُ لِلْحِسَابِ إِلَّا
هَلَكَ. (۳)

مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی
۸-۴/۲

حُبُّ الظُّهُورِ

القرآن:

﴿فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾. (۴)
﴿يُرْأَوْنَ الْنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾. (۵)

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۴۶.

۳. الكافي: ۲/۳۱۴/۸.

۴. النجم: ۳۲.

۵. النساء: ۱۴۲.

۷-۴/۲

خودپسندی

۲۷۲. امام علی علیه السلام - در عهد نامه‌اش به مالک اشتر، هنگامی که او را به حکومت مصر گمارد -: زنه‌ار از خودپسندی و تکیه کردن به آنچه که تو را به خودپسندی می‌کشاند، و از شیفتگی به ستوده شدن؛ زیرا اینها از مناسب‌ترین فرصت‌های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را بر باد دهد.

۲۷۳. امام علی علیه السلام: گناهی که بر اثر آن ناراحت شوی، نزد خدا بهتر از کار نیکی است که تو را دچار خودپسندی کند.

۲۷۴. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی به داوود علیه السلام فرمود: «ای داوود! مؤمنان راستین را هشدار ده که به اعمال خود، مغرور نشوند؛ زیرا بنده‌ای نیست که به پای حسابش کشم، مگر اینکه هلاک شود».

۸-۴/۲

خودنمایی

قرآن:

پس خودستایی نکنید. او به کسی که تقوا ورزیده، داناتر است. با مردم ریاکاری می‌کنند، و خدا را جز اندکی به یاد نمی‌آورند.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِينِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَفْعَلُونَ مُحِيطٌ﴾^(۱)

الحديث:

۲۷۵. رسول الله ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّي اللَّهُ وَلَا تُرِ النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ
فَيُكْرِمُوكَ وَقَلْبُكَ فَاجِرٌ^(۲).

۲۷۶. الإمام عليّ عليه السلام: المُرَائِي ظَاهِرُهُ جَمِيلٌ وَبَاطِنُهُ عَلِيلٌ^(۳).

۲۷۷. عنه عليه السلام: مَا أَقْبَحَ بِالْإِنْسَانِ بَاطِناً عَلِيلاً وَظَاهِراً جَمِيلاً^(۴).

۲۷۸. عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَحْسُنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ
عَلَانِيَتِي، وَتَقْبَحَ فِيهَا أَبْطُنُ لَكَ سَرِيرَتِي، مُحَافِظاً عَلَى رِئَاءِ
النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأُبْدِي لِلنَّاسِ
حُسْنَ ظَاهِرِي وَأُفْضِي إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي، تَقَرُّباً إِلَى عِبَادِكَ
وَتَبَاعُداً مِنْ مَرْضَاتِكَ^(۵).

۲۷۹. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿فَلَا تُزَكُّوا...﴾^(۶):-
قَوْلُ الْإِنْسَانِ: صَلَّيْتُ الْبَارِحَةَ وَصُمْتُ أَمْسٍ وَنَحَوُ هَذَا. ثُمَّ
قَالَ ﷺ: إِنَّ قَوْمًا كَانُوا يُصْبِحُونَ فَيَقُولُونَ: صَلَّيْنَا الْبَارِحَةَ

۱. الانفال: ۴۷.

۲. الأمالي الطوسي: ۵۳۲/۱۱۶۲.

۳. غرر الحكم: ۱۵۷۷.

۴. غرر الحكم: ۹۶۶۱.

۵. نهج البلاغة: الحكمة ۲۷۶.

۶. النجم: ۳۲.

و همانند کسانی مباشید که از سرزمینشان با سرمستی و نمایشگری در چشم مردم، بیرون شدند، و [مردمان را] از راه خدا باز داشتند؛ و خداوند به آنچه می‌کنند، احاطه دارد و آگاه است.

حدیث:

۲۷۵. پیامبر خدا ﷺ: ای ابو ذر! از خدا بترس و در حالی که دلی تبه‌کار داری، برای جلب احترام مردم، نزد آنان خود را خداترس وانمود مکن.

۲۷۶. امام علی علیه السلام: ریاکار، ظاهرش زیبا و باطنش بیمار است.

۲۷۷. امام علی علیه السلام: چه زشت است که آدمی، باطنی بیمار و ظاهری زیبا داشته باشد!

۲۷۸. امام علی علیه السلام: خداوند! به تو پناه می‌برم از اینکه ظاهرم در نگاه مردم، نیکو باشد و باطنم که بر تو آشکار است، زشت! خود را ریاکارانه نزد مردم به چیزی بیارایم که تو بهتر از من بدان دانایی. آن‌گاه، ظاهر نکویم را برای مردم، آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آورم و بدین سان، به بندگان تو نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

۲۷۹. امام صادق علیه السلام: در پاسخ به سؤال از سخن خدای تعالی: «پس خود ستایی نکنید»:- «مانند اینکه انسان بگوید: «دیشب نماز خواندم»، «دیروز روزه گرفتم» و امثال این سخنان».

سپس فرمود: «عده‌ای بودند که چون صبح می‌شد، می‌گفتند:

وَصُمْنَا أَمْسٍ، فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: لَكِنِّي أَنَامُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَلَوْ أَجِدُ
بَيْنَهُمَا شَيْئًا لَنَمْتُهُ! ^(۱)

۹-۴/۲

تَعَارُضُ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ

القرآن:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ
تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ ^(۲)

الحديث:

۲۸۰. رسولُ الله صلى الله عليه وآله: يَا بَنِي مَسْعُودٍ، لَا تَكُنْ مِمَّنْ يُشَدِّدُ عَلَى النَّاسِ
وَيُخَفِّفُ عَنِ نَفْسِهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا
لَا تَفْعَلُونَ﴾! ^(۳)

۲۸۱. الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: لَعَنَ اللَّهُ الْآمِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِيْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ. ^(۴)

۲۸۲. الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ
ذُنُوبِهِمْ وَيَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تعالى لَا يُخَدِّعُ عَنْ جَنَّتِهِ،

۱. معاني الأخبار: ۲۴۳/۱.

۲. الصف: ۲ و ۳.

۳. مكارم الأخلاق: ۲/۳۶۱/۲۶۶۰.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۹.

"ما دیشب نماز خواندیم" و "دیروز، روزه گرفتیم". علی علیه السلام فرمود: "اما من، شب و روز را می خوابم و اگر بین شب و روز نیز فرصتی بیابم، در آن هم می خوابم".

۹-۴/۲

ناهماهنگی رفتار و گفتار

قرآن:

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را می گوئید که بدان عمل نمی کنید؟! در نزد خدا بسیار مبغوض است که چیزی را بگوئید که انجام نمی دهید.



حدیث:

۲۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسر مسعود! از آنان مباش که بر مردم سخت می گیرند و بر خود، آسان. خدای تعالی می فرماید: «چرا چیزی را می گوئید که بدان عمل نمی کنید؟!».

۲۸۱. امام علی علیه السلام: نفرین خدا بر کسانی که به خوبی فرمان می دهند و خود، آن را فرو می گذارند، و بر کسانی که از زشتی باز می دارند و خود، مرتکب آن می شوند!

۲۸۲. امام صادق علیه السلام: از آنان مباش که برای بندگان، نگران کیفر گناهانشان هستند؛ اما خویشان را از کیفر گناهان خویش، ایمن می شمارند؛ زیرا خدای جل جلاله بهشت خود را به نیرنگ نمی دهد.

وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ. ^(۱)

۱۰-۴/۲

التَّطَرُّفُ

۲۸۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِيَّاكُمْ وَالتَّعَمُّقَ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخُذُوا مِنْهُ مَا تُطِيقُونَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَا دَامَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ، وَإِنْ كَانَ يَسِيرًا. ^(۲)

۲۸۴. عَنْهُ ﷺ: إِنْ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتِيَ رُخْصَةً، كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتِيَ عَزَائِمُهُ. ^(۳)

۲۸۵. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا. ^(۴)

۲۸۶. عَنْهُ ﷺ: مَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يُنِبْ إِلَى الْحَقِّ. ^(۵)

۱۱-۴/۲

الْمُسَاوَمَةُ

۲۸۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: لَا تُدَاهِنُوا فِي الْحَقِّ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ

۱. الكافي: ۹/ ۴۹/ ۸.

۲. كنز العمال: ۵۳۴۸/ ۳۵/ ۳.

۳. صحيح ابن حبان: ۲۵۴/ ۶۹/ ۲.

۴. نهج البلاغة: الحكمة ۷۰.

۵. الخصال: ۷۴/ ۲۳۳.

و جز با فرمانبری خداوند به آنچه نزد اوست، نتوان رسید،
إن شاء الله!

۱۰-۴/۲

افراطگیری

۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: از افراط در دین پرهیزید؛ زیرا خداوند، آن را آسان قرار داده است. پس، از دین آنچه توانش را دارید، بگیرید [و بدان عمل کنید]؛ چه اینکه خداوند، کار خوب اما مستمر را، هرچند اندک باشد، دوست دارد.

۲۸۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، دوست دارد رخصتها و مباحاتش به جای آورده شود، همان گونه که دوست دارد واجباتش به جای آورده شود.

۲۸۵. امام علی علیه السلام: نادان را نبینی، مگر افراطگر یا تفریطگر.

۲۸۶. امام علی علیه السلام: هر کس افراط ورزد، به حق نرسد.

* برای آشنایی بیشتر با خطر افراطگیری مراجعه کنید به: موسوعة الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام، جلد ششم: جنگ نهروان / درآمد.

۱۱-۴/۲

سازگاری

۲۸۷. امام علی علیه السلام: هرگاه با حق روبه رو شدید و دانستید که حق است،

فَتَخَسَّرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا.^(۱)

۲۸۸. عنه عليه السلام: إَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْكُمْ فِي زَمَانٍ الْقَائِلُ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ، وَاللِّسَانُ عَنِ الصَّدَقِ كَلِيلٌ، وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ، أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِصْيَانِ، مُصْطَلِحُونَ عَلَى الْإِدهَانِ.^(۲)

۱۲-۴/۲

الْمَزَامِيرُ

۲۸۹. كنز العمال عن أنس: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَقْرَأُ زَمَزَمَ فِي قِرَاءَتِهِ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أُوذِيَ رَفِيقِي وَأَهْلَ بَيْتِي.^(۳)

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

التَّحْقِيقُ

۲۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَزِرَ أَنْ أَحَدُكُمْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَلَيْسَ وَلِيُّ اللَّهِ.^(۴)

۲۹۱. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّ صَغِيرَ الْمُسْلِمِينَ

۱. تحف العقول: ۱۵۰.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۳۳.

۳. كنز العمال: ۲/۳۱۹/۴۱۲۳.

۴. بحار الأنوار: ۷۵/۱۴۷/۲۱.

درباره آن مسامحه نکنید که به سختی زیان خواهید دید.

۲۸۸. امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر شما باد! بدانید که شما در روزگاری به سر می‌برید که حقگویان، اندک‌اند و زبان از راستگویی کند است و پیرو حق، خوار و بی‌مقدار. مردمان این زمانه به نافرمانی خو گرفته‌اند و بر سازشکاری، با یکدیگر همدستان شده‌اند.

۱۲-۴/۲

مزا حمت

۲۸۹. کنز العمال - به نقل از انس - هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه برای قرائت قرآن بر می‌خاست، آیات را بسیار آهسته تلاوت می‌کرد. پرسیدند: ای پیامبر خدا! به قرآن خواندن، صدایت را بلند نمی‌کنی؟

فرمود: «خوش ندارم دوستانم و خانواده‌ام را بیزارم».

۱۳-۴/۲

تخفیر

۲۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما نباید احدی از بندگان خدا را خوار و بی‌مقدار شمرد؛ زیرا نمی‌داند که کدام یک از آنها دوست خداست.

۲۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی را خوار مشمار؛ زیرا کوچک آنان

عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ. ^(۱)

۲۹۲. لَقَمَانُ عليه السلام - لا يَنْبِي - : يَا بُنَيَّ لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا بِخُلُقَانِ ثِيَابِهِ؛ فَإِنَّ رَبَّكَ وَرَبَّهُ وَاحِدٌ. ^(۲)

۱۴-۴/۲

التَّائِبُ

۲۹۳. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : مَنْ عَيَّرَ أَخَاهُ بِذَنْبٍ قَدْ تَابَ مِنْهُ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَعْمَلَهُ. ^(۳)

۲۹۴. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام : مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ. ^(۴)

۲۹۵. الْخَضِرُ عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِمُوسَى عليه السلام - : يَا بَنَ عِمْرَانَ، لَا تُعَيِّرَنَّ أَحَدًا بِخَطِيئَةٍ، وَابْكِ عَلَى خَطِيئَتِكَ. ^(۵)

۱۵-۴/۲

تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ

۲۹۶. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : يُبْصِرُ أَحَدَكُمْ الْقَذَى فِي عَيْنِ أَخِيهِ، وَيَنْسَى

۱. كنز العمال: ۱۶/۲۳۷/۴۴۲۹۷.

۲. روضة الواعظین: ۴۹۸.

۳. تنبيه الخواطر: ۱/۱۱۳.

۴. الكافي: ۲/۳۵۶/۳.

۵. قصص الأنبياء: ۱۵۷/۱۷۱.

هم نزد خداوند، بزرگ است.

۲۹۲. لقمان علیه السلام - به فرزندش -: پسرکم! هیچ کس را به سبب کهنه بودن جامه اش حقیر مشمار؛ زیرا که پروردگار تو و او یکی است.

۱۴-۴/۲

سرزنش

۲۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر خود را برای گناهی که از آن توبه کرده است، سرزنش کند، نمیرد تا خود آن گناه را مرتکب شود.

۲۹۴. امام صادق علیه السلام: هر کس مؤمنی را برای گناهی سرزنش کند، نمیرد تا خودش آن گناه را مرتکب شود.

۲۹۵. خضر علیه السلام - در سفارش خود به موسی علیه السلام -: ای پسر عمران! هیچ کس را به واسطه گناهی سرزنش مکن و بر گناه خویش، گریه کن.

۱۵-۴/۲

عجوبی

۲۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [چگونه است که] هر یک از شما خاشاک را در چشم برادرش می بیند و تنه درخت را (و یا فرمود: چیز بزرگی

الجِذَعُ - أَوْ قَالَ: الْجِذَلُ - فِي عَيْنِهِ؟^(۱)

۲۹۷. عَنْهُ عليه السلام: لَا تَسْأَلُوا الْفَاجِرَةَ: مَنْ فَجَرَ بِكَ؟ فَكَمَا هَانَ عَلَيْهَا

الْفُجُورُ، يَهُونُ عَلَيْهَا أَنْ تَرْمِيَ الْبَرِيءَ الْمُسْلِمَ.^(۲)

۲۹۸. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ.^(۳)

۲۹۹. عَنْهُ عليه السلام: مَنْ تَتَبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَمَهُ اللَّهُ مَوَدَّاتِ

الْقُلُوبِ.^(۴)

۳۰۰. عَنْهُ عليه السلام: مَنْ اسْتَقْصَى عَلَى صَدِيقِهِ انْقَطَعَتْ مَوَدَّتُهُ.^(۵)

۳۰۱. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا تُفْتَشِ النَّاسَ؛ فَتَبْقَى بِلا صَدِيقٍ.^(۶)

۱۶-۴/۲

التَّظْفُلُ

۳۰۲. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله رَجُلٌ فَقِيلَ لَهُ: خَيْرٌ، قَالُوا:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجَ مَعَنَا حَاجًّا فَإِذَا نَزَلْنَا لَمْ يَزَلْ يُهَلِّلُ حَتَّى

نَرْتَحِلَ، فَإِذَا ارْتَحَلْنَا لَمْ يَزَلْ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى نَنْزِلَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

۱. كنز العمال: ۱۶/۱۲۲/۴۴۱۴۱.

۲. تهذيب الأحكام: ۱۰/۴۸/۱۷۷.

۳. نهج البلاغة: الحكمة ۳۴۹.

۴. غرر الحكم: ۸۸۰۰.

۵. غرر الحكم: ۸۵۸۲.

۶. الكافي: ۲/۶۵۲/۲.

را) در چشم خود نمی بیند؟!)

۲۹۷. پیامبر خدا ﷺ: از زن بدکاره نپرسید چه کسی با تو فسق کرد؛ زیرا همان گونه که به راحتی مرتکب فحشا می شود، به راحتی هم مسلمان بی گناهی را بدنام می کند.

۲۹۸. امام علی علیه السلام: هر که عیب خود را ببیند، از پرداختن به عیب دیگران، باز ایستد.

۲۹۹. امام علی علیه السلام: هر که عیبهای نهانی را بکاود، خداوند از دوستی دلها محروم می کند.

۳۰۰. امام علی علیه السلام: هر که بر دوستش خرده گیری کند، دوستی اش گسسته می شود.

۳۰۱. امام صادق علیه السلام: نهان مردم را مکاو، که بی دوست می مانی.

۱۶-۴/۲

سربار دیگران بودن

۳۰۲. مکارم الأخلاق: در حضور پیامبر ﷺ از مردی سخن به میان آمد و گفته شد: او آدم خوبی است. گفتند: ای پیامبر خدا! آن مرد، همسفر حج ما بود. هرگاه در منزلی فرود می آمدیم، پیوسته زبانش به ذکر «لا اله الا الله» گویا بود تا آنکه کوچ می کردیم و در بین راه نیز همواره ذکر خدا می گفت تا دوباره اتراق می کردیم.

فَمَنْ كَانَ يَكْفِيهِ عِلْفَ نَاقَتِهِ، وَصُنْعَ طَعَامِهِ؟ قَالُوا: كُلُّنَا،
فَقَالَ ﷺ: كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ. (۱)

۳۰۳. مكارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ أَمَرَ أَصْحَابَهُ بِذَبْحِ شَاةٍ فِي
سَفَرٍ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: عَلَيَّ ذَبْحُهَا، وَقَالَ الْآخَرُ: عَلَيَّ
سَلْحُهَا، وَقَالَ الْآخَرُ: عَلَيَّ قَطْعُهَا، وَقَالَ الْآخَرُ: عَلَيَّ طَبْخُهَا،
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا أَلْقَطُ لَكُمْ الْحَطَبَ!

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَا تَتَعَبَنَّ بِآبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا أَنْتَ! نَحْنُ
نَكْفِيكَ. قَالَ ﷺ: عَرَفْتُ أَنَّكُمْ تَكْفُونِي، وَلَكِنَّ اللَّهَ ﷻ يَكْرَهُ مِنْ
عَبْدِهِ إِذَا كَانَ مَعَ أَصْحَابِهِ أَنْ يَنْفَرَدَ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَقَامَ ﷺ يَلْقُطُ
الْحَطَبَ لَهُمْ. (۲)

۳۰۴. الإمام علي عليه السلام - لِقَوْمٍ أَصْحَاءَ جَالِسِينَ فِي زَاوِيَةِ الْمَسْجِدِ -: مَنْ
أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ.

قَالَ ﷺ: لَا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَأَكِّلَةُ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُتَوَكِّلِينَ فَمَا بَلَغَ
بِكُمْ تَوَكُّلُكُمْ؟

قَالُوا: إِذَا وَجَدْنَا أَكَلْنَا، وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا.

قَالَ ﷺ: هَكَذَا تَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا!

قَالُوا: فَمَا نَفْعَلُ؟

۱. مكارم الأخلاق: ۱/ ۵۶۴/ ۱۹۵۵.

۲. مكارم الأخلاق: ۱/ ۵۳۶/ ۱۸۶۷.

پیامبر ﷺ فرمود: «پس چه کسی شترش را علوفه می‌داد و غذایش را درست می‌کرد؟».

گفتند: همه ما.

حضرت فرمود: «همه شما از او بهترید».

۳۰۳. مکارم الأخلاق: نقل شده که پیامبر خدا در سفری به یاران خود

دستور داد گوسفندی ذبح کنند. یکی از آنها گفت: من ذبح

می‌کنم. دیگری گفت: من پوست می‌کنم. سومی گفت: من

گوشتش را خرد می‌کنم. چهارمی گفت: من آن را می‌پزم.

پیامبر خدا فرمود: «من هم برای شما هیزم جمع می‌کنم».

یارانش گفتند: نباید به زحمت بیفتی، پدران و مادرانمان

فدایت! مابه جای شما کار می‌کنیم.

پیامبر خدا فرمود: «می‌دانم که شما به جای من کار می‌کنید، اما

خداوند ﷻ خوش ندارد که بنده‌اش با عده‌ای از دوستان و

همسفران خود باشد و گوشه‌ای بنشیند و کار نکند». پس، آن

حضرت برخاست و شروع به جمع‌آوری هیزم کرد.

۳۰۴. امام علی (ع) - ایشان عده‌ای را دید که با آنکه سالم و تندرست‌اند،

در گوشه مسجد نشسته‌اند. فرمود: «شما کیستید؟». گفتند: ما

توکل‌کنندگانیم.

حضرت فرمود: «نه، بلکه شما مفتخورانید. اگر به راستی

توکل‌کننده‌اید، توکل‌تان شما را به کجا رسانده است؟».

گفتند: اگر چیزی بیابیم، می‌خوریم و اگر هم نیابیم، صبر

می‌کنیم.

قال: كما نَفَعُ.

قالوا: كيف تَفَعُّ؟

قال ﷺ: إذا وَجَدنا بَذَلنا، وإذا فَقَدنا شَكَرنا. (۱)

۳۰۵. الْمَسِيحُ ﷺ - لِرَجُلٍ - : ما تَصْنَعُ؟

قال: أَتَعْبُدُ.

قال: فَمَنْ يَعْبُدُ عَلَيْكَ؟

قال: أَخِي.



قال: أَخوكَ أَعْبَدُ مِنْكَ. (۲)

مرکز تحقیقات کلمه‌پژ علم‌سوی

۱. مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۲۲۰ / ۱۲۷۹۸.

۲. تنبيه الخواطر: ۶۵ / ۱.

فرمود: «سگهای ما نیز همین کار را می‌کنند!».

گفتند: پس چه کنیم؟

فرمود: «همان کاری که ما می‌کنیم».

گفتند: شما چه می‌کنید؟

فرمود: «اگر چیزی بیابیم، می‌بخشیم و اگر نیابیم، شکر

می‌گوییم».

۳۰۵. مسیح علیه السلام - او به مردی فرمود -: «چه کار می‌کنی؟»

گفت: عبادت پیشه کرده‌ام.

فرمود: «پس چه کسی مخارج تو را تأمین می‌کند؟».

گفت: برادرم.

فرمود: «برادرت از تو عابدتر است».



الفصل الثالث وظائف التعبد

١/٣
الوظائف الفرعية

١-١/٣
إداء الواجبات

٣٠٦. رسول الله ﷺ: اِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ. (١)

٣٠٧. الإمام علي عليه السلام: لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالفَرَائِضِ. (٢)

٣٠٨. عنه عليه السلام: خَادِعَ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ، وَارْفُقْ بِهَا وَلَا تَقْهَرْهَا، وَخُذْ

عَفْوَهَا وَنَشَاطَهَا، إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوباً عَلَيْكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ؛ فَإِنَّهُ لَا

بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَتَعَاهُدهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا. (٣)

١. الكافي: ٢/٨٢/٤.

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٣٩.

٣. نهج البلاغة: الكتاب ٦٩.

فصل سوم

مسئله‌های سچی



انجام دادن واجبات

۳۰۶. پیامبر خدا ﷺ: به واجبات الهی عمل کن، تا پرهیزگارترین مردم باشی.

۳۰۷. امام علی علیه السلام: هرگاه مستحبات، باعث لطمه خوردن به واجبات شوند، مایه نزدیکی به خدا نگردند.

۳۰۸. امام علی علیه السلام: نفس خود را با لطایف الحیل، به عبادت وادار و با آن، مدارا کن و به آن، زور مگو و به هنگام آرامش و نشاطش به عبادت پرداز، مگر در آن چیزهایی که بر تو واجب شده است، که در این موارد باید آنها را به جای آوری و به موقع، ادا کنی.

۲-۱/۳

تَرَكُ الْمَحَرَّمَاتِ

القرآن:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ
الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾. (۱)

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا
لَا تَعْلَمُونَ﴾. (۲)



الحديث:

۳۰۹. الإمام علي عليه السلام: لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ مَحَارِمِهِ لَوْجَبَ أَنْ
يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ. (۳)

۳۱۰. عنه عليه السلام: مَا نَهَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَغْنَى عَنْهُ. (۴)

۳۱۱. الإمام الباقر عن آبائه عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَأْتِي أَهْلَ الصُّفَّةِ
وَكَانُوا ضَيْفَانِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، كَانُوا هَاجِرُوا مِنْ أَهَالِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ
إِلَى الْمَدِينَةِ فَأَسْكَنَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صُفَّةَ الْمَسْجِدِ، وَهُمْ

۱. الاعراف: ۱۵۷.

۲. الاعراف: ۳۳.

۳. غرر الحكم: ۷۵۹۵.

۴. غرر الحكم: ۹۵۷۳.

۲-۱/۳ ترک محرمات

قرآن:

کسانی که از فرستاده و پیامبر اُمّی پیروی می‌کنند که نام (و نشان) او را در تورات و انجیل که در نزدشان است، نوشته می‌یابند؛ [همو] که آنان را به نیکی فرمان می‌دهد و از زشتی باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال، و پلیده‌ها را حرام می‌دارد.

بگو: همانا پروردگارم کارهای زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است، و نیز گناه و سرکشی به ناحق را و اینکه برای خداوند، همتا بینگارید - که در این باره هیچ‌گونه برهانی بر آن نفرستاده است - و نیز اینکه آن چه را نمی‌دانید به دروغ به خداوند نسبت دهید.

حدیث:

۳۰۹. امام علی علیه السلام: اگر خدای سبحان [هم] از نارواها نهی نمی‌کرد، بر خردمند لازم بود که از آنها دوری کند.

۳۱۰. امام علی علیه السلام: خدای سبحان، انسان را از هیچ چیزی نهی نفرموده، جز آنکه او را از آن، بی‌نیاز کرده است.

۳۱۱. امام باقر علیه السلام - از پدرانش علیهم السلام -: پیامبر خدا نزد اهل صفّه می‌آمد و آنان، میهمان پیامبر خدا بودند. آنها خانمان خود را رها کرده، به مدینه هجرت کرده بودند. پیامبر خدا آنان را که چهارصد مرد بودند، در صفّه مسجد، اسکان داد.

أَرْبَعُمِائَةٍ رَجُلٍ، يُسَلِّمُ عَلَيْهِم بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ، فَأَتَاهُمْ ذَاتَ يَوْمٍ
فَمِنْهُمْ مَنْ يَخْصِفُ نَعْلَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْقَعُ ثَوْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَفَلَّى،
وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرْزُقُهُمْ مَدًّا مَدًّا مِنْ تَمْرٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.
فَقَامَ رَجُلٌ مِنْهُمْ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، التَّمْرُ الَّذِي تَرْزُقُنَا قَدْ
أَحْرَقَ بُطُونَنَا!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَا إِنِّي لَوْ اسْتَطَعْتُ أَنْ أُطْعِمَكُمُ الدُّنْيَا
لَأُطْعِمْتُكُمْ، وَلَكِنْ مَنْ عَاشَ مِنْكُمْ مِنْ بَعْدِي فَسَيُعْدَى عَلَيْهِ
بِالْجِفَانِ وَيُرَاحُ عَلَيْهِ بِالْجِفَانِ، وَيَغْدُو أَحَدُكُمْ فِي قَمِيصَةٍ
وَيَرُوحُ فِي أُخْرَى، وَتُنَجِّدُونَ بُيُوتَكُمْ كَمَا تُنَجِّدُ الْكَعْبَةَ.
فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا عَلَى ذَلِكَ الزَّمَانِ
بِالْأَشْوَاقِ! فَمَتَى هُوَ؟

قَالَ ﷺ: زَمَانُكُمْ هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ الزَّمَانِ، إِنَّكُمْ إِنْ مَلَأْتُمْ
بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَلَالِ تَوْشِكُونَ أَنْ تَمَلُّوْهَا مِنَ الْحَرَامِ.^(١)

٣-١/٣

المحافظة على الصلاة

القرآن:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾.^(٢)

١. النوادر للراوندى: ٢٢٣/١٥٢.

٢. البقرة: ٢٣٨.

آن حضرت، هر صبح و شام نزد ایشان می‌رفت و بر آنان سلام می‌داد. روزی بر صفه‌نشینان وارد شد، دید یکی کفش خود را پینه می‌کند، دیگری لباسش را وصله می‌زند و عده‌ای هم جامه‌های خود را از شپش، پاک می‌کنند. پیامبر خدا، هر روز یک مُد (تقریباً یک سیر) خرما به آنها می‌داد. مردی از میان آنها برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! خرمایی که به ما می‌دهی، معده‌های ما را سوزاند.

پیامبر ﷺ فرمود: «بدانید که اگر می‌توانستم دنیا را خوراک شما کنم، این کار را می‌کردم؛ اما کسانی از شما که پس از من زنده بمانند، صبح و شام، غذای سیر خواهند خورد. هر کدام، صبح یک پیراهن خواهید پوشید و شب، پیراهنی دیگر و خانه‌هایتان را، همانند کعبه، برافراشته و آراسته خواهید کرد».

مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! من مشتاق چنان روزی هستم! کی فراخواهد رسید؟!

فرمود ﷺ: «این زمان شما بهتر از آن زمان است. اگر شکم‌های خود را از حلال پُر کنید، هیچ بعید نیست که از حرام نیز آن را پُر نمایید».

۳-۱/۳

مواظبت از نماز

قرآن:

بر نمازها [ی پنجگانه] مواظبت کنید، [بویژه] نماز میانه، و فروتنانه در برابر خدا [به نماز] بایستید.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾. (١)

الحديث :

٣١٢. رسول الله ﷺ: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ، وَ وَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ. (٢)

٣١٣. عنه ﷺ: جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ، وَإِلَى الظَّمآنِ الْمَاءَ، وَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ، وَإِنَّ الظَّمآنَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ. (٣)

٣١٤. الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ لِلْمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ -: وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ؛ فَمَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لِيُغَيِّرَهَا أَضْيَعُ. (٤)

٣١٥. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ -: إِرْتَقِبْ وَقْتَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا لَوَقْتِهَا، وَلَا تَعْجَلْ بِهَا قَبْلَهُ لِفَرَاغٍ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْهُ لِشُغْلٍ. (٥)

٣١٦. عنه عليه السلام: لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ ﷻ مِنَ الصَّلَاةِ؛ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ ذَمَّ أَقْوَاماً

١. المؤمنون: ٩.

٢. دعائم الإسلام: ١/ ١٣٣.

٣. مكارم الأخلاق: ٢/ ٣٦٦ / ٢٦٦١.

٤. الامالي للمفيد: ٢٦٧ / ٣.

٥. الامالي للمفيد: ٢٦٧ / ٣.

و آنان که بر نمازهایشان مواظبت دارند.

حدیث:

۳۱۲. پیامبر خدا ﷺ: هر چیزی چهره‌ای دارد و چهره دین شما نماز است.

۳۱۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - جل ثناؤه - نور دیده مراد نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه، و آب را محبوب تشنه گردانید، [با این تفاوت که] گرسنه هرگاه غذا بخورد، سیر می‌شود و تشنه هرگاه آب بنوشد، سیراب می‌شود؛ اما من از نماز، سیر نمی‌شوم.

۳۱۴. امام علی علیه السلام: در نامه خود به محمد بن ابی بکر: بدان ای محمد که همه چیز، تابع نماز تو است و بدان که هر کس نماز را ضایع گرداند، دیگر کارها را بیشتر ضایع می‌کند.

۳۱۵. امام علی علیه السلام: در نامه خود به محمد بن ابی بکر: منتظر وقت نماز باش و آن را به هنگام بخوان. نه به دلیل بیکاری آن را پیش از موقع بخوان، و نه به سبب کاری آن را از وقتش به تأخیر انداز.

۳۱۶. امام علی علیه السلام: هیچ کاری نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از نماز نیست. پس مبادا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز بازدارد؛ زیرا خدای عزوجل مردمانی را نکوهیده و فرموده است: «همانان که از

فسقال: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^(١) يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.^(٢)

٣١٧. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ -: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ.^(٣)

٤-١/٣

الاحتياط في مواضع الشبهة

٣١٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: دَعِ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ؛ فَمَنْ رَعَى حَوْلَ الْجَمْرِ يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ.^(٤)

٣١٩. عنه عليه السلام: دَعِ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ فَقْدَ شَيْءٍ تَرَكْتَهُ لِلَّهِ.^(٥)

٣٢٠. الإمام علي عليه السلام: أَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خِفْتَ ضَلَالَهُ؛ فَإِنَّ الْكَفَّ عَنْ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ.^(٦)

٣٢١. الإمام الباقر عليه السلام: الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ.^(٧)

١. الماعون: ٥.

٢. الخصال: ٦٢١ / ١٠.

٣. الأمالي للطوسي: ٦٩٤ / ١٤٧٨.

٤. تنبيه الخواطر: ٥٢ / ١.

٥. بحار الأنوار: ٢ / ٢٦٠ / ١٦.

٦. تحف العقول: ٦٩.

٧. أعلام الدين: ٣٠١.

نمازشان غافل‌اند؛ یعنی از اوقات نماز غافل‌اند و به آن، اهمیتی نمی‌دهند.

۳۱۷. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از بهترین اعمال بعد از معرفت [خدا] - : بعد از شناخت [مبانی دین]، هیچ چیزی با نماز، برابری نمی‌کند.

۴-۱/۳

احتیاط در امور شبهه‌ناک

۳۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنچه را که به شبهه‌ات می‌اندازد، ترک کن و آنی را به کار بند که برایت شبهه‌انگیز نیست؛ زیرا کسی که پیرامون منطقه قُرُق شده بچراغ، در آستان وارد شدن به قرقگاه قرار دارد.

۳۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنچه را که به شبهه‌ات می‌اندازد، فروگذار و آنچه را موجب شبهه برایت نمی‌شود، به کار بند؛ زیرا فقدان چیزی را که برای خدای جل جلاله فرو گذاشته‌ای، هرگز حس نخواهی کرد.

۳۲۰. امام علی علیه السلام : از پیمودن راهی که بیم گمراه شدن در آن را داری، خودداری کن؛ زیرا باز ایستادن از سرگشتگی گمراهی، بهتر از مواجه شدن با هول و هراسهاست.

۳۲۱. امام باقر علیه السلام : درنگ کردن به هنگام پیش آمدن شبهه، بهتر از فرو

٥-١/٣

التَّقْوَى الْعَمَلُ الصَّالِحُ

٣٢٢. الإمام عليّ عليه السلام: أَيْسُرُكَ أَنْ تَكُونَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ الْغَالِبِينَ؟ إِنْ تَقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَأَحْسِنَ فِي كُلِّ أَمْرِكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ. (١)

٦-١/٣

مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ

٣٢٣. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ سَرِيَّةً، فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ.

وَقَالَ ﷺ: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ. (٢)
٣٢٤. عنه عليه السلام: أَوَّلُ مَا تُتَكْرَمُ مِنَ الْجِهَادِ جِهَادُ أَنْفُسِكُمْ، آخِرُ مَا تَفْقِدُونَ مُجَاهَدَةَ أَهْوَائِكُمْ وَطَاعَةَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. (٣)

١. غرر الحكم: ٢٨٢٨.

٢. معاني الاخبار: ١/١٦٠.

٣. غرر الحكم: ٣٣٣١-٣٣٣٢.

۵-۱/۳

تقوا و نیکوکاری

۳۲۲. امام علی علیه السلام: آیا خوش داری که از حزبِ ظفرمند خداوند باشی؟ از خدای سبحان، پروا دار و در همه کارهایت نیکو عمل کن؛ زیرا خداوند با کسانی است که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند و آنانی که نیکوکارند.

۶-۱/۳

مبارزه با نفس

۳۲۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا سپاهی را به جنگ اعزام کرد. وقتی برگشتند، فرمود: «خوشامد می‌گویم به مردمانی که جهاد اصغر را گذارند، ولی جهاد اکبر، همچنان بر عهده آنان باقی مانده است».

گفتند: ای پیامبر خدا! جهاد اکبر چیست؟

فرمود: «جهاد با نفس».

[آن‌گاه امام علیه السلام] فرمود: «برترین جهاد، جهادی است که انسان با نفس خود می‌کند».

۳۲۴. امام علی علیه السلام: نخستین جهادی را که انکار می‌کنید، جهاد با نفس‌هایتان است. آخرین چیزی را که نخواهید یافت، مبارزه با هوسها و اطاعت از فرمانروایان (اهل بیت علیهم السلام) است.

۷-۱/۳

مُحَاسَبَةُ النَّفْسِ

۳۲۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَزِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا، وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ. (۱)

۳۲۶. الإمامُ زينُ العابدینِ ؑ: ابْنُ آدَمَ! إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ. (۲)

۳۲۷. الإمامُ الكاظمُ ؑ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا اسْتَزَادَ اللَّهَ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَمِلَ شَيْئًا شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَتَابَ إِلَيْهِ. (۳)

مرکز تحقیق و ترویج کتب و اسناد

ذِكْرُ اللَّهِ

القرآن:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾. (۴)

۱. بحار الأنوار: ۷۰/۷۳/۲۶.

۲. تحف العقول: ۲۸۰.

۳. الاختصاص: ۲۶.

۴. الرعد: ۲۸.

۷-۱/۳

محاسبه نفس

۳۲۵. پیامبر خدا ﷺ: پیش از آنکه مورد حسابرسی قرار گیرید، خود به حساب خویش برسید و پیش از آنکه سنجیده شوید، خویشتان را در ترازوی سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی بزرگ، آماده شوید.

۳۲۶. امام سجّاد علیه السلام: ای فرزند آدم! تا زمانی که خود واعظ خویش باشی و به محاسبه [کردار] خویش پردازی، پیوسته در خوبی به سر خواهی برد.

۳۲۷. امام کاظم علیه السلام: از مانیست کسی که هر روز به حساب خود، رسیدگی نکند و ببیند که اگر کار نیکی انجام داده است، از خداوند توفیق انجام دادن بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید، و اگر کار بدی انجام داده است، از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.

۸-۱/۳

یاد خدا

قرآن:

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد؛ بدانید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرامش می‌یابد!

﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾. (١)

الحديث :

٣٢٨. رسول الله ﷺ: لَا تَخْتَرْ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ شَيْئاً فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾. (٢)

٣٢٩. عنه ﷺ: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ ﷻ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. قِيلَ: وَلَا الْقِتَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَوْ لَا ذِكْرُ اللَّهِ لَمْ يُؤْمَرْ بِالْقِتَالِ. (٣)

٣٣٠. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ... وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْاجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَأْتِمِرُونَ بِهِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا. (٤)

١. العنكبوت: ٤٥.

٢. مكارم الأخلاق: ٢/ ٣٥٨ / ٢٦٦٠.

٣. كنز العمال: ٢/ ٢٤٣ / ٣٩٣١.

٤. نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٢.

قطعاً یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خدا می‌داند چه می‌کنید.

حدیث:

۳۲۸. پیامبر خدا ﷺ: هیچ چیزی را بر یاد خدا ترجیح مده؛ چه، او می‌فرماید: «و قطعاً یاد خدا، بزرگ‌تر است».

۳۲۹. پیامبر خدا ﷺ: «در همه حال، خدا را فراوان یاد کنید که هیچ عملی نزد خدای متعال، محبوب‌تر و هیچ عاملی در نجات بنده از هر بدی در دنیا و آخرت، مؤثرتر از ذکر خدا نیست».

گفته شد: حتی پیکار در راه خدا؟!!

فرمود: «اگر یاد خدا در میان نبود، فرمان جنگ داده نمی‌شد».

۳۳۰. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، یاد خویش را روشنی بخش دلها کرد، تا پس از ناشنوایی با آن بشنوند، و پس از نابینایی، ببینند، و پس از ستیزه‌جویی، رام گردند... یاد خدا، اهلی دارد که آن را به جای زرق و برق این دنیا گرفته‌اندند. نه بازرگانی سرگرمشان ساخته، و نه خرید و فروش، یاد خدا را از دلشان انداخته است.

روزهای زندگی را با یاد خدا به سر می‌برند و با سخنانی بازدارنده، از آنچه خدای بزرگ باز داشته، در گوشه‌های بی‌خبران، فریاد برمی‌دارند و به عدل و راستی، امر می‌کنند و خود نیز به جامی آورند و مردم را از کارهای ناپسند، باز می‌دارند و خود نیز آن را به جان نمی‌آورند. گویی دنیا را به پایان رسانیده و به آخرت درآمده‌اند و در آنجا هستند.

۹-۱/۳

الدُّعَاءُ وَالتَّضَرُّعُ

القرآن:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾. (۱)

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾. (۲)

الحديث:

۳۳۱. رسول الله ﷺ: الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. (۳)

۳۳۲. عنه ﷺ: أَلَا أُدَلِّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَيُدِيرُ

أَرْزَاقَكُمْ؟

قالوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ

الدُّعَاءُ. (۴)

۳۳۳. عنه ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الدُّعَاءِ الْأَفْضَلِ - : تَسْأَلُ رَبَّكَ الْعَفْوَ

وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۱. الفرقان: ۷۷.

۲. غافر: ۶۰.

۳. الكافي: ۲/ ۴۶۸/ ۱.

۴. مكارم الأخلاق: ۲/ ۸/ ۱۹۸۰.

۹-۱/۳

نیایش

قرآن:

بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم اعتنایی به شما ندارد.
و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم.
بی‌گمان، کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی خوار و
سرافکنده، وارد جهنم می‌شوند.

حدیث:

۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ: دعا، سلاح مؤمن، ستون دین، و نور آسمانها و
زمین است.

۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: «آیا ملاحی را به شما نشان دهم که از دشمنان
نجاتتان می‌دهد و روزی‌تان را زیاد می‌کند؟»

گفتند: آری، ای پیامبر خدا.

فرمود: «شب و روز، پروردگارتان را بخوانید؛ زیرا که سلاح
مؤمن، دعا است.»

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به این سؤال که: بهترین دعا چیست،
فرمود: «این است که از پروردگارت بخشایش و عافیت در دنیا
و آخرت را طلب کنی.»

روز بعد، همان پرسنده آمد و پرسید: ای پیامبر خدا! بهترین
دعا چیست؟

- ثُمَّ أَتَاهُ مِنَ الْغَدِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ؟
 قَالَ: تَسْأَلُ رَبَّكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
- ثُمَّ أَتَاهُ الْيَوْمَ الثَّالِثَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ؟
 قَالَ: تَسْأَلُ رَبَّكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ فَإِنَّكَ إِذَا
 أُعْطِيَتْهُمَا فِي الدُّنْيَا ثُمَّ أُعْطِيَتْهُمَا فِي الْآخِرَةِ فَقَدْ أَفْلَحْتَ. ^(١)
٣٣٤. الكافي عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ
 يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ ^(٢) قَالَ: هُوَ
 الدُّعَاءُ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ.
- قُلْتُ: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ ^(٣)؟
 قَالَ: الْأَوَّاهُ هُوَ الدُّعَاءُ. ^(٤)
٣٣٥. كمال الدين عن عبد الله بن سنان: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ
 فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يُرَى وَلَا إِمَامٍ هَدَى، وَلَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا
 بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ.
- قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ؟
 قَالَ: يَقُولُ: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
 ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». ^(٥)

١. مسند ابن حنبل: ٤ / ٢٥٦ / ١٢٢٩٣.

٢. غافر: ٦٠.

٣. التوبة: ١١٤.

٤. الكافي: ٢ / ٤٦٦ / ١.

٥. كمال الدين: ٢٥٢ / ٤٩.

فرمود: «اینکه از پروردگارت بختایش و عافیت در دین و دنیا و آخرت را طلب کنی».

روز سوم آمد و پرسید: ای پیامبر خدا! بهترین دعا چیست؟
فرمود: «اینکه از پروردگارت بخشایش و عافیت بخواهی؛
زیرا اگر بخشایش و عافیت در دنیا به تو داده شود و در آخرت نیز
این دو به تو عطا گردد؛ بی‌گمان، رستگار شده‌ای».

۳۳۴. الکافی - به نقل از زراره از امام باقر (ع) :- خداوند ﷻ می‌فرماید:
«آنسان که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی خوار و
سرافکنده، وارد جهنم می‌شوند». حضرت فرمود: «منظور از
عبادت، دعاست. دعا برترین عبادت است».
گفتم: مقصود از «آواه» در آیه «همانا ابراهیم، آواه و شکیا
بود»، چیست؟

حضرت فرمود: «آواه، یعنی کسی که بسیار دعا کند».

۳۳۵. کمال الدین - به نقل از عبدالله بن سنان - : امام صادق (ع) فرمود: «به
زودی به شبهه‌ای گرفتار خواهید شد که نه نشانه‌ای برای پیدا
کردن راه خواهید دید و نه پیشوایی که هدایتان کند. از آن شبهه،
تنها آن کس رهایی یابد که دعای غریق را بخواند».

گفتم: دعای غریق چگونه است؟

فرمود: «می‌گویی: خدایا! بخشایشگر! مهربانا! ای دگرگون
کننده دلها! دل مرا بر دینت استوار و پابرجا بدار».

١٠-١/٣

الْخُشُوعُ

القرآن :

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَنَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا * وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾^(١)

الحديث :

٣٣٦. الإمام علي^{عليه السلام} - في صفة شيعته -: فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَىٰ لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَحَزْمًا فِي لِينٍ... وَخُشُوعًا فِي عِبَادَةٍ^(٢)

٣٣٧. عنه^{عليه السلام} - في صفة المؤمنين -: هَيْئَتُهُمُ الْخُشُوعُ^(٣)

٣٣٨. عدة الداعي - فيما أوحى الله تعالى إلى موسى وهارون^{عليهما السلام} -: إِنَّمَا يَتَزَيَّنُ لِي أَوْلِيَائِي بِالذُّلِّ وَالْخُشُوعِ وَالْخَوْفِ الَّذِي يَثْبُتُ فِي قُلُوبِهِمْ فَيَظْهَرُ مِنْ قُلُوبِهِمْ عَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ، فَهُوَ شِعَارُهُمْ وَدِتَارُهُمُ الَّذِي يَسْتَشْعِرُونَ^(٤)

١. الأسراء: ١٠٧-١٠٩.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣.

٣. مطالب السؤول: ٥٣.

٤. عدة الداعي: ١٤٧.

۱۰-۱/۳

خشوع

قرآن:

کسانی که پیش از آن به آنان دانش داده شده، هنگامی که [آیات الهی] بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به رو در می‌افتند و می‌گویند: منزّه است پروردگار ما. به راستی وعدهٔ پروردگار ما انجام یافتنی است، و به رو در می‌افتند و می‌گیرند، و بر خشوع آنان افزوده می‌شود.

حدیث:

۳۳۶. امام علی علیه السلام - در توصیف پیروان خود -: از نشانه‌های هر یک از آنان این است که او را در دین، نیرومند می‌بینی و در عین نرمی، دوراندیش است... و در عبادت، خاشع.

۳۳۷. امام علی علیه السلام - در توصیف مؤمنان -: [بر] چهرهٔ آنان خشوع [نمایان] است.

۳۳۸. **عدة الداعي** - خدای تعالی به موسی و هارون وحی فرمود -: «دوستان من، خود را به زیور خاکساری و خشوع و ترس می‌آرایند که در دل‌هایشان استوار می‌شود. پس، از دل‌های آنان بر پیکرهایشان نمودار می‌گردد و این زیور، لباس زیرین و رویین آنهاست که به تن می‌کنند.

١١-١/٣

التَّجَرُّدُ وَقِيَامُ اللَّيْلِ

القرآن:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ مَا يَهْجَعُونَ﴾ وبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ^(١).

الحديث:

٣٣٩. رسول الله ﷺ: أشرافُ أمتي حملةُ القرآنِ وأصحابُ الليلِ^(٢).

٣٤٠. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا: أَتَعْبِي مَن خَدَمَكَ
وَاحْدُمِي مَن رَفَضَكَ، وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ
الَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَنَاجَاهُ أَتَبَتَ اللَّهُ التَّوَرَّ فِي قَلْبِهِ، فَإِذَا قَالَ: يَا رَبِّ،
نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَيْتَكَ عَبْدِي سَلَنِي أُعْطِكَ، وَتَوَكَّلْ
عَلَيَّ أَكْفِكَ.

ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ: مَلَائِكَتِي، انظُرُوا إِلَى عَبْدِي
قَدْ تَخَلَّى بِي فِي جَوْفِ هَذَا اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، وَالْبَطَّالُونَ لَاهُونَ،
وَالْغَافِلُونَ يَنَامُونَ، اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ^(٣).

٣٤١. الإمامُ عليٌّ عليه السلام - فِي صِفَةِ الْمُتَّقِينَ -: أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ،
تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا، يُحَزِّنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ،

١. الذاريات: ١٧ و ١٨.

٢. الخصال: ٢١/٧.

٣. مشكاة الأنوار: ١٥٠٩/٢٥٠.

۱۱-۱/۳

شب‌زنده‌داری

قرآن:

آنها اندکی از شب را می‌خوابیدند، و سحرگاهان [از خداوند] طلب
آمرزش می‌کردند.

حدیث:

۳۳۹. پیامبر خدا ﷺ: بزرگان امت من، حاملان قرآن‌اند و شب
زنده‌داران.

۳۴۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - جلّ جلاله - به دنیا و حی فرمود: «آن را که
در خدمت توست، به رنج افکن و آن کس که تو را دور افکند،
خدمت کن».

و بنده هرگاه در دل شب تار با مولای خویش خلوت گزیند و
با او به راز و نیاز پردازد، خداوند، روشنایی را در دل او استوار
گرداند، به طوری که هرگاه بگوید: «ای آقای من!»، آن ربّ جلیل
- جلّ جلاله -، ندایش دهد: «لبیک، بنده من! از من بخواه تا
عطایت کنم و به من توکل کن تا کارت را سامان دهم».

آن‌گاه خداوند - جلّ جلاله - به فرشتگان گوید: «ای فرشتگان
من! بنگرید به این بنده من که در دل شب تار با من خلوت کرده
است، در حالی که هرزگان به کارهای بیهوده سرگرم‌اند و غافلان،
خفته‌اند. گواه باشید که من او را آمرزیدم».

۳۴۱. امام علی علیه السلام: در توصیف پرهیزگاران - شب هنگام به پا می‌خیزند
و آیات قرآن را با تأمل و شمرده می‌خوانند و جانهایشان را با

وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ. (۱)

۳۴۲. عنه عليه السلام: أَسْهَرُوا عُيُونَكُمْ، وَأَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ، وَاسْتَعْمِلُوا أَقْدَامَكُمْ، وَأَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ، وَخُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَبْخُلُوا بِهَا عَنْهَا. (۲)

۳۴۳. الإمام علي عليه السلام: طَوْبِي لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرَضَهَا وَعَرَكَتْ بِجَنَنِهَا بُؤْسَهَا. وَهَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ غُمُضَهَا حَتَّى إِذَا غَلَبَ الْكَرَى عَلَيْهَا افْتَرَشَتْ أَرْضَهَا وَتَوَسَّدَتْ كَفَّهَا فِي مَعْشَرِ أَسْهَرِ عُيُونِهِمْ خَوْفُ مَعَادِهِمْ، وَتَجَافَتْ عَنْ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبُهُمْ، وَهَمَّهَتْ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شِفَاهُهُمْ، وَتَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ، أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (۳)

۳۴۴. عنه عليه السلام: مَنْ اشْتَاقَ أَدْلَجَ. (۴)

۳۴۵. عنه عليه السلام: مَا تَرَكْتُ صَلَاةَ اللَّيْلِ مُنْذُ سَمِعْتُ قَوْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ نَوْرٌ. فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ: وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ؟ قَالَ: وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ. (۵)

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۳.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۳.

۳. نهج البلاغة: الكتاب ۴۵.

۴. غرر الحكم: ۹۱۵۹.

۵. بحار الأنوار: ۱۰/۱۷/۴۱.

خواندن آن، اندوهناک می‌سازند و داروی درد خود را در آن می‌جویند.

۳۴۲. امام علی علیه السلام: چشمانتان را شبها بیدار دارید و شکمهایتان را [در روز] گرسنه و لاغر؛ و گامهایتان را به کار گیرید و [از] اموال خود ببخشید و از جسمهایتان بگیرید و به جانهایتان ببخشید و در این راه، بخل نورزید.

۳۴۳. امام علی علیه السلام: خوشا بر کسی که آنچه پروردگارش بر عهده وی نهاده، پرداخته است و در سختی‌اش با شکیبایی ساخته است، و به شب، دیده بر هم نهاده و چون خواب بر او چیره شده، بر زمین خفته و کف دست، بالین قرار داده در جمعی که از بیم روز بازگشت، دیده‌هاشان به شب بیدار است و پهلوهاشان از خوابگاه برکنار، و لبهاشان به یاد پروردگار، و گناهانشان زدوده است از آمرزش خواهی بسیار. «آنان حزب گردگارند و بدانید که حزب گردگار، رستگارند».

۳۴۴. امام علی علیه السلام: کسی که مشتاق باشد، شب راهپیمایی می‌کند (پاس آخر شب یا همه شب را به عبادت می‌گذراند).

۳۴۵. امام علی علیه السلام: «از آن زمان که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدم که: "نماز شب، نور است"، نماز شب را ترک نکردم».

ابن کوّاء پرسید: حتی در لیلۃ الّه‌ریر^(۱)؟ فرمود: «حتی در لیلۃ الّه‌ریر».

۱. لیلۃ الّه‌ریر، آخرین شب جنگ میقین و سخت‌ترین زمان آن است که شدت نبرد به حدّی بود که رزمندگان، نماز خود را بر روی اسب می‌خواندند. صبح روز بعد، مالک اشتر موفق شد خود را به نزدیکی مقرّ فرماندهی معاویه برساند، که با توطئه عمروعاص و خوارج، نتیجه جنگ به حکمیت سپرده شد.

«هریر» زوزه سگ در هنگام شدت سرماست. شدت جنگ و چکاچک شمشیرها و شاید ناله‌ها سبب تشبیه این شب به لیلۃ الّه‌ریر شده است.

٣٢٦. الإمام الباقر عليه السلام : تَعَرَّضَ لِلرَّحْمَةِ وَعَفَوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ ،
وَاسْتَعْنَى عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدَّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي
الظُّلَمِ .^(١)

٣٢٧. الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تعالى بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام
أَنْ قَالَ لَهُ: يَا بْنَ عِمْرَانَ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ
اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي؛ أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟!

ها أنا ذا - يَا بْنَ عِمْرَانَ - مُطْلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ
حَوَّلَتْ أَبْصَارُهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَمَثَلَتْ عُقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ،
يُخَاطِبُونِي عَنِ الْمَشَاهِدَةِ، وَيُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ.

يَا بْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ، وَمِنْ بَدَنِكَ
الْخُضُوعَ، وَمِنْ عَيْنِكَ الدَّمُوعَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ، وَادْعُنِي؛ فَإِنَّكَ
تَجِدُنِي قَرِيباً مُجِيباً.^(٢)

٣٢٨. عنه عليه السلام : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم صَلَّى بِالنَّاسِ الصُّبْحَ، فَنَظَرَ إِلَى شَابٍّ
فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ يَخْفِقُ وَيَهْوِي بِرَأْسِهِ، مُصَفِّراً لَوْنَهُ، قَدْ نَحَفَ
جِسْمُهُ وَغَارَتْ عَيْنَاهُ فِي رَأْسِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم : كَيْفَ
أَصْبَحْتَ يَا فُلَانُ؟ قَالَ: أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِناً، فَعَجِبَ

١. تحف العقول: ٢٨٥.

٢. الأمالي للصدوق: ٢٣٨ / ٥٧٧.

۳۴۶. امام باقر علیه السلام: با بازگشت (توبه) راستین، خود را در معرض رحمت و بخشش خدا قرار ده و برای بازگشت راستین، از دعای خالصانه و مناجات در دل تاریکیها کمک بگیر.

۳۴۷. امام صادق علیه السلام: از جمله رازگویی‌های خداوند تعالی با موسی بن عمران علیه السلام آن بود که به او فرمود: «ای پور عمران! دروغ می‌گویدی آن‌که می‌پندارد دوستم می‌دارد و چون شب درآید، از من غفلت کند و بخوابد. مگر هر دوستداری، خلوت با محبوبش را دوست ندارد؟»

ای پور عمران! اینک این منم که بر دوستانم آگاهم و چون شب، آنان را فرو پوشد، دیده دلشان بگردد و کیفرم پیش چشمانشان پدیدار شود و چنان با من سخن می‌گویند که گویی مرا می‌بینند و چنان مرا مخاطب می‌سازند که گویی در حضورم هستند. ای فرزند عمران! از قلبت شکستگی، از تنت افتادگی و از چشمانت اشکها را در تاریکی شب، نثار من کن و مرا بخوان که مرا نزدیک و اجابت‌کننده خواهی یافت.

۳۴۸. امام صادق علیه السلام: روزی پیامبر خدا نماز صبح را با مردم خواند. بعد از نماز، چشمش به جوانی در مسجد افتاد که چرت می‌زد و سرش پایین می‌افتاد، رنگی زرد و بدنی نحیف و چشمانی گود افتاده داشت. پیامبر خدا به او فرمود: «فلانی! حالت چه‌طور است؟». گفت: ای پیامبر خدا! من به یقین رسیده‌ام.

پیامبر خدا از گفته او تعجب کرد و فرمود: «هر یقینی را حقیقتی است. حقیقت یقین تو چیست؟».

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ قَوْلِهِ وَقَالَ: إِنَّ لِكُلِّ يَقِينٍ حَقِيقَةً، فَمَا حَقِيقَةُ يَقِينِكَ؟

فَقَالَ: إِنَّ يَقِينِي يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ الَّذِي أَحْزَنَنِي وَأَسْهَرَ لَيْلِي وَأَظْمَأَ هَوَاجِرِي، فَعَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي وَقَدْ نُصِبَ لِلْحِسَابِ، وَخُشِرَ الْخَلَائِقُ لِذَلِكَ وَأَنَا فِيهِمْ...

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ: هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: الزَّمْ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ.

فَقَالَ الشَّابُّ: أَدْعُ اللَّهَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أَرْزُقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ، فَدَعَا لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فَاسْتَشْهَدَ بَعْدَ تِسْعَةِ نَفَرٍ وَكَانَ هُوَ الْعَاشِرَ. (١)

٣٣٩. الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ ﷻ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ. (٢)

١٢-١/٣

النُّوْلَةُ بِاللَّهِ

القرآن:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾. (٣)

١. الكافي: ٢/ ٥٣/ ٢.

٢. بحار الأنوار: ٧٨/ ٣٨٠/ ٤.

٣. البقرة: ١٦٥.

گفت: ای پیامبر خدا! یقین من به راستی اندوه به جانم افکنده و شبم را به شب زنده‌داری (و عبادت) و روزهای گرمم را به تشنگی کشیدن (و روزه‌داری) کشانده است و جان من به دنیا و آنچه در آن است، بی رغبت شده، تا آنجا که گویی عرش پروردگارم را می‌بینم که برای رسیدگی به حساب، بر پا شده و مردم برای حساب، گرد آمده‌اند و من نیز در میان آنها هستم...

پیامبر خدا به یاران خود فرمود: «این، بنده‌ای است که خداوند، دلش را به نور ایمان روشن ساخته است».

سپس به او فرمود: «بر این حال خود، پایدار باش».

جوان گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن خداوند شهادت در رکاب تو را روزی من فرماید.

پیامبر خدا برای او دعا کرد. مدتی نگذشت که در جنگی همراه پیامبر خدا بیرون رفت و بعد از نه نفر به شهادت رسید و دهمین شهید بود.

۳۴۹. امام عسکری علیه السلام: رسیدن به خدای تعالی سفری است که جز بان نشستن بر مرکب شب، پیموده نمی‌شود.

۱۲-۱/۳

عشق به خدا

قرآن:

اهل ایمان، خداوند را بیشتر دوست دارند.

الحديث :

٣٥٠. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾^(١) - : الظالمُ يَحُومُ حَوْمَ نَفْسِهِ، وَالْمُقْتَصِدُ يَحُومُ حَوْمَ قَلْبِهِ، وَالسَّابِقُ يَحُومُ حَوْمَ رَبِّهِ ﷻ.^(٢)

٣٥١. عنه عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ - : الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ، وَلَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ، وَكُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ.^(٣)

٣٥٢. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ، وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَالْأَخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ ﷻ.^(٤)

٣٥٣. عنه عليه السلام: الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى. أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَالْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا

١. فاطر: ٣٢.

٢. معاني الأخبار: ١/١٠٤.

٣. الكافي: ٥/١٦/٢.

٤. الفردوس: ٢/٢٣٠/٣١١٠.

حدیث:

۳۵۰. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «سپس کتاب آسمانی را به بندگان خود که برگزیده بودیمشان، به میراث دادیم. پس برخی آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان، میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک، به فرمان خدا پیشتازند. این، همانا فضل بزرگ است» -: ستمگر بر گرد [هوای] نفس خویش می‌چرخد و میانه‌رو، بر گرد دل خویش و پیشتاز، بر محور پروردگار تعالی خود.

۳۵۱. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «مگر کسی که دلی سالم به سوی خدا بیاورد» -: دل سالم، دلی است که پروردگارش را دیندار کند، در حالی که احدی جز او در خود نداشته باشد و هر دلی که در آن شرک یا شک باشد، ساقط است.

۳۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا بر اهل آخرت، حرام است و آخرت، بر اهل دنیا حرام است و هر دو بر اهل خدای تعالی، حرام‌اند.

۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل، سه گونه است: دل دنیا طلب، دل آخرت طلب و دل خدا خواه. دلی که دنیا طلب باشد، سختی و رنج نصیب اوست و دلی که آخرت طلب باشد، درجات بلند نصیبش شود و دلی که خدا خواه باشد، هم دنیا دارد و هم آخرت

وَالْعُقْبَى وَالْمَوْلَى. (١)

٣٥٢. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ - : اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ؛ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي. (٢)

٣٥٥. عنه عليه السلام - في الدُّعَاءِ - : أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ. (٣)

٣٥٦. الإمام الصادق عليه السلام : الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُسْكِنِ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ. (٤)

٣٥٧. عنه عليه السلام : مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ عليه السلام غَيْرُهُ. (٥)

٣٥٨. عنه عليه السلام : لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عليه السلام مَا مَدَّوْا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا، وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْوُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ، وَلَتَعِمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَتَلَذُّوْا بِهَا تَلَذُّذُ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

١. المواعظ العددية: ١٤٦.

٢. الصحيفة السجّادية: ١٢٦ الدعاء ٣١.

٣. بحار الأنوار: ٩٤/١٥١/٢١.

٤. جامع الأخبار: ٥١٨/١٤٦٨.

٥. بحار الأنوار: ٧٠/٢٢٩/٢٥.

دارد و هم خدا.

۳۵۴. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : بارالها! من از هر چه با اراده تو مخالفت دارد و یا از محبّت تو به دور است، به سویت توبه می‌کنم؛ از آنچه در دلم می‌گذرد، نگاه‌های چشمم و گفته‌های زبانم.

۳۵۵. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : از هر لذّتی، جز [لذّت] یاد تو و از هر آسایشی، جز [آسایش] انس با تو و از هر شادی‌ای، جز [شادی] قرب تو و از هر کاری، جز طاعت تو، از تو آمرزش می‌طلبم.

۳۵۶. امام صادق علیه السلام : دل، حرم خداست. پس در حرم خدا، جز خدا را جای مده.

۳۵۷. امام صادق علیه السلام : خداوند به هیچ بنده‌ای نعمتی بزرگ‌تر و ارزنده‌تر از این نداده است که در دل او همراه با خدای تعالی غیر او نباشد.

۳۵۸. امام صادق علیه السلام : اگر مردم ارزش شناختن خدای تعالی را می‌دانستند، به نعمتها و خوشیهای زندگی دنیوی که خداوند، دشمنان را از آن برخوردار ساخته است، چشم نمی‌دوختند و دنیایشان از آنچه با گامهایشان بر آن پای می‌نهند نیز کمتر می‌شد و با نعمت شناختن خدا، متنعم می‌شدند و از آن، لذّت می‌بردند؛ لذّت بردن کسی که همواره در باغهای بهشت، در کنار اولیای خداست. در حقیقت خداشناسی، مونس در برابر هر بی‌کسی، دوستی در برابر هر

إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ ﷻ أَنَسٌ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ،
وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ. (١)

١٣-١/٣

الانضباط

٣٥٩. الإمام عليّ عليه السلام: - في وصيته للحسن والحسين عليهما السلام لما ضرب به ابن ملجم -: أوصيكمما وجميع ولدي وأهلي ومن بلغه كتابي، يتقوى الله وينظم أمركم. (٢)

٣٦٠. عنه عليه السلام: - في عهده إلى مالك الأشتر -: وأمض لي كل يوم عملي؛ فإن لي كل يوم ما فيه... وإياك والعجلة بالأمور قبل أوانها، أو التسقط فيها عند إمكانها، أو اللجاجة فيها إذا تنكرت، أو الوهن عنها إذا استوضحت. فضع كل أمر موضعه، وأوقع كل أمر موقعه. (٣)

١٤-١/٣

الاقتصاد

٣٦١. رسول الله ﷺ: المؤمن يسير المؤونة. (٤)

١. الكافي: ٢٤٧/٨، ٢٤٧/٣٤٧.

٢. نهج البلاغة: الكتاب ٤٧.

٣. نهج البلاغة: الكتاب ٥٣.

٤. بحار الأنوار: ٦٧/٣٠٧/٣٩.

تنهایی، نوری در برابر هر تاریکی، نیرویی در برابر هر ناتوانی، و درمانی برای هر بیماری است.

۱۳-۱/۳

انضباط

۳۵۹. امام علی علیه السلام - در سفارش به حسن و حسین علیهما السلام، هنگامی که ابن مَلَجَم، او را ضربت زده بود: - سفارش می‌کنم شما را و همه فرزندان و بستگانم و هر آن‌که را نامه‌ام به وی رسد، به پرهیزگاری و نظم در کارها.

۳۶۰. امام علی علیه السلام - در عهدنامه‌اش به مالک اشتر: - ... کار هر روز را در همان روز انجام بده؛ چرا که هر روز، کار خود را دارد... و پرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام دادن آن نرسیده، یا سستی در آن، چون انجام گرفتنش ممکن گردیده، یا ستیزیدن در کارهایی که راه راست در آن ناپدیدار است، یا سستی ورزیدن، آن‌گاه که آشکار است. پس هر چیز را در جای آن بدار و هر کاری را به هنگام آن بگذار.

۱۴-۱/۳

کم‌خرجی

۳۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، کم‌خرج و زحمت است.

٣٦٢. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا صُرِعَ زَيْدُ بْنُ صَوْحَانَ^(١) رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْجَمَلِ جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَقَالَ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا زَيْدُ، قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمَوْزَنَةِ عَظِيمَ الْمَعُونَةِ^(٢).

٣٦٣. الغارات عن الأسود بن قيس: جَاءَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَائِداً صَعَصَعَةً^(٣) فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ يَا صَعَصَعَةُ، لَا تَجْعَلَنَّ عِيَادَتِي

١. زيد بن صوحان أخو صعصعة وسيحان كان خطيباً مصقماً وشجاعاً ثابت الخطى وكان من العظماء والزهاد والأبدال ومن أصحاب أمير المؤمنين الأوفياء.

أسلم في عهد النبي صلى الله عليه وآله فعَدَّ من الصحابة وله وفادة على النبي صلى الله عليه وآله وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يذكره بخير ويقول: «من سرَّه أن ينظر إلى رجل يسبقه بعض أعضائه إلى الجنة فلينظر إلى زيد بن صوحان». وكان لزيد لسان ناطق بالحق مبین للحقائق فلم يسطق عثمان وجوده بالكوفة فنفاه إلى الشام واشترك في حرب الجمل وأخبر بشهادته. كتبت إليه عائشة تدعوه إلى نصرتها، فلمَّا قرأ كتابها نطق بكلام رافع نابه. فقال: أُمِرْتُ بأمرٍ وأمرنا بغيره فركبت ما أمرنا به وأمرتنا أن نركب ما أمرت هي به! أُمِرْتُ أَنْ تَقْرَأَ فِي بَيْتِهَا وَأَمَرْنَا أَنْ نَقَاتِلَ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً، وَالسَّلَامُ» (موسوعة الإمام علي بن أبي طالب: ١٢ / ١٣٣).

٢. رجال الكشي: ١ / ٢٨٤ / ١١٩.

٣. صعصعة بن صوحان بن حُجْر العبدى، كان مسلماً على عهد النبي صلى الله عليه وآله ولم يره. وكان من كبار أصحاب الإمام علي عليه السلام، ومن الذين عرفوه حق معرفته كما هو حقه، وكان خطيباً شحشحاً بليغاً. ذهب الأديب العربي الشهير الجاحظ إلى أَنَّهُ كان مقدماً في الخطابة. وأدلَّ من كلِّ دلالة استتطاق علي بن أبي طالب عليه السلام له.

أثنى عليه أصحاب التراجم بقولهم: كان شريفاً، أميراً، فصيحاً، مفوهاً، خطيباً، لساناً، ديناً، فاضلاً. نفاه عثمان إلى الشام مع مالك الأشتر ورجال من الكوفة. وعندما ثار الناس على عثمان، واتفقوا على خلافة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام قام هذا الرجل الذي كان عميق الفكر، قليل المثل في معرفة عظمة علي عليه السلام - وكان خطيباً مصقماً - فعبّر عن «

۳۶۲. امام صادق علیه السلام: چون در جنگ جمل، زید بن صوحان^(۱) - رحمت خدا بر او باد - از پای درآمد، امیر مؤمنان آمد و بالای سرش نشست و فرمود: ای زید، خدایت بیامرزد! یاری کم هزینه و پُرکار بودی.

۳۶۳. الغارات - به نقل از اسود بن قیس -: علی بن ابی طالب علیه السلام به عیادت صعصعه آمد و بر او وارد شد و به وی فرمود: «ای صعصعه!»^(۲) عیادت مرا مایه فخر فروشی بر قومت قرار ندهی.

۱. زید بن صوحان بن حجر عبیدی، برادر صعصعه و سیمحان، از خطیبان زیردست، شجاعان استوارگام، بزرگان، زاهدان، ارجمندان و از یاران وفادار امیر مؤمنان بود. او به روزگار پیامبر خدا اسلام آورد و از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده و به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نیز رسیده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله از او به نیکی یاد می‌کرد و می‌فرمود: «هر کس دوست دارد که مردی را ببیند که یکی از اعضایش پیشتر به سوی بهشت رفته است، به زید بن صوحان بنگرد».

این سخن والای پیامبر خدا که فضیلتی بزرگ برای زید بود، در جنگ جلولاء مصداق یافت. زید، زبانی حقگو و افشاگر داشت. چنین بود که عثمان وجودش را در مدینه بر نتابید و او را به شام تبعید کرد و چون انقلابیان حرکت اعتراض‌آمیز خود علیه عثمان را در مدینه شکل دادند، زید بدانه‌ها پیوست. او در جنگ جمل شرکت کرد و خود از شهادتش خبر داد. عایشه با نامه‌ای از وی دعوت کرد که به یاری‌اش برخیزد، او چون نامه را خواند، هوشمندانه و زیبا گفت: تو را به چیزی فرمان داده‌اند و ما را به چیزی دیگر؛ اما تویه کار ما پرداختی و به ما فرمان می‌دهی که به کار تو پردازیم. به تو فرمان در خانه نشستن داده شده و به ما جنگیدن تا رفع فتنه. والسلام!

زید در دفاع از علی علیه السلام زبانی گویا و در حراست از آن یزرگوار، گامی استوار داشت. (موسوعة الامام علی بن ابی طالب: ۱۲/۱۳۳)

۲. صعصعه بن صوحان بن حجر عبیدی، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان شد؛ اما به زیارتش نایل نیامد. او از یاران بزرگ امام علی علیه السلام و از کسانی بود که او را چنان که باید، شناختند. وی سخنوری چیره‌دست و خطیبی بلیغ بود. ادیب نام‌آور عرب، جاحظ، او را در فن خطابه پیشناز دانسته و برترین گواه بر این حقیقت را خطابه‌گویی او در محضر علی علیه السلام و درخواست علی علیه السلام از صعصعه برای ایراد سخن دانسته است.

عثمان او را به همراه مالک اشتر و بزرگانی دیگر از کوفه به شام تبعید کرد و چون مردمان بر «

إِلَيْكَ أَتَيْتُ عَلَى قَوْمِكَ. (١)

فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَكِنْ نِعْمَةٌ وَشُكْرًا.
فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ ؑ: إِنْ كُنْتَ لِمَا عَلِمْتُ لَخَفِيفُ الْمَوْتَةِ عَظِيمُ
الْمَعُونَةِ. (٢)

﴿ اعتقاده الصريح الراجع بإمامه، وخاطبه قائلاً: وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ! لقد زينت الخلافة وما زانتك، ورفعتها وما رفعتك، ولهي إليك أحوج منك إليها.

وعندما أشعل موقدو الفتنة فتيل الحرب على أمير المؤمنين ؑ في الجمل، كان إلى جانب الإمام. وبعد أن استشهد أخواه زيد وسيحان اللذان كانا من أصحاب الألوية، رفع لواءهما وواصل القتال. وفي حرب صفين، هو رسول الإمام ؑ إلى معاوية ومن أمراء الجيش وراوي وقانع صفين.

وقف إلى جانب الإمام ؑ في حرب النهروان، واحتج على الخوارج بأحقية إمامه وثباته. وجعله الإمام ؑ شاهداً على وصيته، فسجل بذلك فخراً عظيماً لهذا الرجل. ونطق صعصعة بفضائل الإمام ومناقبه أمام معاوية وأجلاف بني أمية مراراً، وكان يُنشد ملحمة عظمته أمام عيونهم المحملقة، ويكشف عن قبائح معاوية ومثاليه بلا وجل.

وكم أراد منه معاوية أن يطعن في عليّ ؑ، لكنه لم يلق إلا الخزي والفضيحة. إذ جريه بخطبه البليغة الأخاذة.

آمنه معاوية مكرهاً بعد استشهاد أمير المؤمنين ؑ وصلاح الإمام الحسن ؑ، فاستثمر صعصعة هذه الفرصة ضد معاوية. وكان معاوية دائم الامتناع من بيان صعصعة الفصيح المعبر وتعايره الجميلة في وصف فضائل الإمام أمير المؤمنين ؑ، ولم يخف هذا الامتناع. إن ما ذكرناه بحق هذا الرجل غيض من فيض، وستلاحظون عظمة هذه الشخصية المتألقة في النصوص التي سننقلها لاحقاً. وكفى في عظمته قول الإمام الصادق ؑ: ما كان مع أمير المؤمنين ؑ من يعرف حقه إلا صعصعة وأصحابه. توفي صعصعة أيام حكومة معاوية. (موسوعة الإمام عليّ ؑ: ج ١٢، ص ١٧٣)

صعصعه گفت: نه به خدا قسم، ای امیر مؤمنان! بلکه آن را

نعمتی شایسته شکر می‌دانم.

علی علیه السلام فرمود: «تا آنجا که من می‌دانم، تو کم هزینه و پُر کمک

کننده بودی.»



عشمان شوریدند و پس از آن بر خلافت علی علیه السلام یکدستان شدند، او که در شناخت عظمت علی علیه السلام ژرف‌اندیش و کم نظیر، و در خطابه چیره‌دست و گزیده‌گوی بود، به‌پا خاست و بدین‌سان، گویا و زیبا، باور از جعندش را درباره علی علیه السلام چنین بازگفت: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند، تو خلافت را زینت دادی و آن سبب زینت تو نشد، و تو آن را بالا بردی و آن، مقام تو را بالا نبرد، و نیاز آن به تو، بیشتر از نیاز توبه آن است.

و چون فتنه‌افروزان، آتش جنگ با علی علیه السلام را برافروختند، او همگام علی علیه السلام شد و در جنگ جمل، پس از آنکه دو برادرش زید و سیحان - که پرچمدار سپاه بودند - به شهادت رسیدند، پرچم آنان را برافراشت و نبرد را پی گرفت و در جنگ صفین، فرستاده امام علیه السلام به سوی معاویه و از فرماندهان لشکر بود و وقایع صفین را گزارش کرده است.

او در جنگ نهروان در کنار علی علیه السلام ایستاد و بر استواری و حقانیت موضع او در برابر خوارج، احتجاج کرد. امام علیه السلام او را گواه بر وصیت خود قرار داد و بدین‌سان، اقتضای بزرگ را برای صعصعه رقم زد.

پس از شهادت امام علی علیه السلام و صلح امام حسن علیه السلام معاویه از سرِ اکراه به او امان داد. صعصعه از این فرصت نیز علیه معاویه سود جست. معاویه همواره از بیان گویا و تعبیرهای زیبای او در توصیف والایهای علی علیه السلام در رنج بود و این رنج را پنهان نمی‌داشت.

در عظمت او همین پس که امام صادق علیه السلام درباره‌اش فرمود: «در میان آنان که با امیر مؤمنان بودند، کسی جز صعصعه و یارانش حق علی را نمی‌شناختند».

صعصعه به هنگام حاکمیت ستمگرانه معاویه زندگی را بدرود گفت. (موسوعة الإمام علی بن ابی

١٥-١/٣

النَّظَافَةُ

القرآن:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^(١)

الحديث:

٣٦٤. رسول الله ﷺ: النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ.^(٢)

٣٦٥. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ النَّاسِكَ النَّظِيفَ.^(٣)

٣٦٦. عنه ﷺ: تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ، وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلُّ نَظِيفٍ.^(٤)

٣٦٧. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ.^(٥)

٣٦٨. عنه ﷺ: طَهَّرُوا هَذِهِ الْأَجْسَادَ طَهَّرَكُمُ اللَّهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يَبِيتُ طَاهِرًا إِلَّا بَاتَ مَعَهُ مَلَكٌ فِي شِعَارِهِ، وَلَا يَتَقَلَّبُ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَالَ: اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِعَبْدِكَ فَإِنَّهُ بَاتَ طَاهِرًا.^(٦)

١. البقرة: ٢٢٢.

٢. بحار الأنوار: ٢٩١/٦٢.

٣. تاريخ بغداد: ١٢/١٠.

٤. كنز العمال: ٢٧٧/٩/٢٦٠٠٢.

٥. سنن الترمذي: ١١٢/٥/٢٧٩٩.

٦. كنز العمال: ٢٧٧/٩/٢٦٠٠٣.

۱۵-۱/۳

پاکیزگی

قرآن:

خداوند، توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست دارد.

حدیث:

۳۶۴. پیامبر خدا ﷺ: پاکیزگی از ایمان است.

۳۶۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، عبادت‌پیشه پاکیزه را دوست دارد.

۳۶۶. پیامبر خدا ﷺ: با هر چه می‌توانید خود را پاکیزه کنید که خداوند

متعال، اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده است و جز افراد پاکیزه به

بهشت وارد نمی‌شوند.

۳۶۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، پاک است و پاکان را دوست دارد؛ پاکیزه

است و پاکیزگان را دوست دارد.

۳۶۸. پیامبر خدا ﷺ: این بدن‌ها را پاکیزه سازید، خداوند، شما را

پاکیزه می‌گرداند؛ زیرا هیچ بنده‌ای نیست که شب با بدنی پاکیزه

بخوابد، مگر اینکه فرشته‌ای در میان جامه او با وی می‌خوابد و

هیچ ساعتی از شب از این پهلوی به آن پهلوی نمی‌چرخد، مگر اینکه

آن فرشته گوید: خدایا! بنده‌ات را بیامرزش؛ زیرا که با بدنی پاکیزه

خوابیده است.

٢/٣

الوظائف الاجتماعية

١-٢/٣

المبادئ فى العمل

٣٦٩. الإمام على عليه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ. (١)



الأهتمام بأمر المسلمين

٣٧٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (٢)

٣٧١. عنه عليه السلام: مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ لَمْ يُصْبِحْ وَيُحْسِ نَاصِحاً لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِإِمَامِهِ وَلِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ. (٣)

١. نهج البلاغة: الحكمة ٧٣.

٢. الكافي: ١/١٦٣/٢.

٣. كنز العمال: ٩/٤٠/٢٤٨٣٦.

۲/۳

مسئولیت‌های اجتماعی

۱-۲/۳

پیشگامی در عمل

۳۶۹. امام علی علیه السلام: هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازد و پیش از آنکه با زبانش تربیت کند، با رفتار خود، تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا کسی که [پیش از خودسازی] آموزگار و مربی دیگران باشد.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی
۲-۲/۳

اهتمام به امور مسلمانان

۳۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که روز خود را آغاز کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست.

۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به کار مسلمانان اهتمام نورزد، از آنان نیست و هر که صبح و شام، خیرخواه خدا و پیامبر او و کتاب و امامش و توده مسلمانان نباشد، از آنان نیست.

٣٧٢. عنه عليه السلام: تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالشَّهْرِ وَالْحُمَى. ^(١)

٣٧٣. عنه عليه السلام: دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَغْضَنٍ مِنْ شَوْكِ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ. ^(٢)

٣٧٤. الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ؛ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ. وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا. ^(٣)

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
حُسنُ العِشرَةِ
٣-٢/٣

القرآن:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾. ^(٤)

١. صحيح البخاري: ٥/٢٢٣٨/٥٦٦٥.

٢. الخصال: ١١١/٣٢.

٣. الكافي: ٢/١٦٦/٤.

٤. البقرة: ٨٣.

۳۷۲. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان را در مهربانی ورزیدن به یکدیگر، دوستی با یکدیگر و ملاطفت با یکدیگر، چونان یک پیکر می‌بینی که چون عضوی [به درد آید و] شکایت کند، دیگر اعضا بای خوابی و تب با او همصدا می‌شوند و یکدیگر را فرا می‌خوانند.

۳۷۳. پیامبر خدا ﷺ: بنده‌ای به سبب برداشتن شاخه‌ خاری از سر راه مسلمانان به بهشت رفت.

۳۷۴. امام صادق علیه السلام: مؤمن، برادرِ مؤمن است؛ همچون یک پیکر که اگر عضوی از آن بنالد، [شخص دردمند] درد آن را در سایر اعضای خود می‌بیند، و روح‌هایشان از یک روح است. روح مؤمن به روح خدا پیوسته‌تر از پرتو خورشید به خورشید است.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۳-۲/۳

حسن معاشرت

قرآن:

و یاد کنید هنگامی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان، نیکی کنید، و با مردم به زبان خوش سخن گوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید. سپس جز اندکی از شما، سر برتافته، رویگردان شدید.

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ
بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا
فَخُورًا﴾^(١).

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^(٢).

الحديث :

٣٧٥. الإمام علي عليه السلام: - في وصيته لبيته عند احتضاره -: يا بني، عاشروا
الناس عشرة إن غبتم حنوا إليكم، وإن فقدتم بكوا عليكم^(٣).

٣٧٦. عنه عليه السلام - في وصيته لابنه محمد بن الحنفية -: ألزم نفسك
التوّدّد، وصبر على مؤونات الناس نفسك، وابذل لصديقك
نفسك ومالك، ولمعرفتك رفاك ومحضرك، وللعامة بشرتك
ومحبتك، ولعدوك عدلك وإنصافك، واضنن بدينك وعرضك
عن كل أحد؛ فإنه أسلم لدينك ودنياك^(٤).

٣٧٧. عنه عليه السلام: إن أحسن ما يآلف به الناس قلوب أودائهم ونفوا به
الضغن عن قلوب أعدائهم حسن البشر عند لقائهم، والتفقّد

١. النساء: ٣٦.

٢. الفرقان: ٦٣.

٣. الأمالي للطوسي: ٥٩٥/١٢٣٢.

٤. الخصال: ١٤٧/١٧٨.

و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و به خویشان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشین نزدیک و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید، [و بدانید] که خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست ندارد. و بندگان [واقعی خدای] رحمان کسانی اند که بر [روی] زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند؛ و چون نادانان، آنها را [به گفتار ناروا] طرف خطاب قرار دهند، آنها سلام می‌گویند.

حدیث:

۳۷۵. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندان خود، به هنگام احتضار:-

فرزندان من! با مردم چنان معاشرت کنید که اگر شما را ندیدند، مشتاق دیدنتان باشند و هرگاه مُردید، برای شما بگریند.

۳۷۶. امام علی علیه السلام - در سفارش به پسرش محمد بن حنفیه:- خود را

پایبند دوستی با مردم کن، جان خود را بر دشواریهای مردم، صبوری ده، جان و مالت را برای دوستت، عطا کن، و حضورت را برای آشنایانت، گشاده رویی و دوستی‌ات را برای عموم مردم، و عدالت و انصافت را برای دشمنت ببخش، و دین و ناموس خود را از هر کس دریغ دار که این کار، برای دین و دنیايت ایمنی بخش‌تر است.

۳۷۷. امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که مردم با آن، دلهای دوستانشان را به

دست می‌آورند و کینه‌ها را از دلهای دشمنانشان می‌زدایند، خوشرویی به هنگام دیدارشان است، پرسش حالشان در هنگام

فِي غَيْبَتِهِمْ، وَالْبَشَاشَةُ بِهِمْ عِنْدَ حُضُورِهِمْ. ^(١)
 ٣٧٨. عَنْهُ ﷺ: طَلَاقَةُ الْوَجْهِ بِالْبَشْرِ، وَالْعَطِيَّةُ، وَفِعْلُ الْبَرِّ، وَبَذْلُ التَّحِيَّةِ،
 دَاعٍ إِلَى مَحَبَّةِ الْبَرِّيَّةِ. ^(٢)
 ٣٧٩. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: صَانِعُ الْمُنَافِقِ بِلسَانِكَ، وَأَخْلِصْ وَدَّكَ
 لِلْمُؤْمِنِ، وَإِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ. ^(٣)
 ٣٨٠. الْمُحَاسِنُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ: قَالَ عَلَقَمَةُ أَخِي لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ:
 إِنَّ أَبَا بَكْرٍ قَالَ: يُقَاتِلُ النَّاسَ فِي عَلِيٍّ.
 فَقَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: إِنِّي أُرَاكَ لَوْ سَمِعْتَ إِنْسَانًا يَشْتُمُ
 عَلِيًّا فَاسْتَطَعْتَ أَنْ تَقْطَعَ أَنْفَهُ فَعَلْتَ؟
 قُلْتُ: نَعَمْ.



قَالَ: فَلَا تَفْعَلْ!
 ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَأَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيًّا وَأَسْتَرُّ مِنْهُ
 بِالسَّارِيَةِ، فَإِذَا فَرَّغَ أَتَيْتُهُ فَصَافَحْتُهُ. ^(٤)

٤-٢/٣

حَبِّ الْخَيْرِ الْجَمِيعِ

٣٨١. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: النَّصِيحَةُ مِنْ أَخْلَاقِ الْكِرَامِ. ^(٥)

١. تحف العقول: ٢١٨.

٢. غرر الحكم: ٦٠٣٢.

٣. من لا يحضره الفقيه: ٤/٤٠٤/٥٨٧٢.

٤. المحاسن: ١/٤٠٥/٩١٨.

٥. غرر الحكم: ١٢٩٨.

نبودشان، و گشاده‌رویی در حضورشان.

۳۷۸. امام علی علیه السلام: گشاده‌رویی و خوش‌رویی، بخشش، نیکوکاری و آغاز کردن به سلام، دوستی مردم را فراچنگ می‌آورد.

۳۷۹. امام صادق علیه السلام: با منافق به زبان اظهار دوستی کن و با مؤمن، دوستِ یکرنگ باش و اگر فردی یهودی با تو همنشینی کرد، با او خوش‌رفتار باش.

۳۸۰. المحاسن - به نقل از ابوبکر حضرمی -: برادرم علقمه به امام باقر علیه السلام گفت: ابوبکر می‌گوید: برای علی علیه السلام با مردم باید جنگید.

امام باقر علیه السلام به من فرمود: «اگر بشنوی که کسی علی علیه السلام را دشنام می‌دهد و تو بتوانی بشنی او را قطع کنی، این کار را می‌کنی؟»

گفتم: آری. *مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی*
حضرت فرمود: «این کار را مکن».

سپس فرمود: «من اگر بشنوم کسی به علی ناسزا می‌گوید، در پناه ستونی از او پنهان می‌شوم و چون ناسزاگویی‌هایش تمام شد، پیش او می‌روم و با وی دست می‌دهم».

۲-۲/۳

خیرخواهی برای همه

۳۸۱. امام علی علیه السلام: خیرخواهی [ویکرنگی] از خصلت‌های بزرگواران است.

حکمت این گونه برخورد‌ها، جذب و آگاه‌سازی و هدایت افراد جاهل و غیر معاند است.

٣٨٢. عنه عليه السلام : وَأَيُّ كَلِمَةٍ حُكِمَ جَامِعَةٌ : أَنْ تُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لَهَا ؟ ^(١)

٣٨٣. الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِالتَّصَحُّحِ فِي خَلْقِهِ ، فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ. ^(٢)

٥-٢/٣

الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ جَمْعِيًّا

٣٨٤. رسول الله صلى الله عليه وآله : رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ ، وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ. ^(٣)

٣٨٥. عنه عليه السلام : الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ ، وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورٍ. ^(٤)

٣٨٦. عنه عليه السلام : الْإِيمَانُ بِضْعٍ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً ، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ. ^(٥)

٣٨٧. عنه عليه السلام : مَنْ بَنَى عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ مَا يَأْوِي عَابِرَ سَبِيلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ دُرٍّ ، وَوَجْهَهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ

١. تحف العقول : ٨١.

٢. الكافي : ٦/٢٠٨/٢.

٣. عيون أخبار الرضا : ٧٧/٣٥/٢.

٤. الكافي : ٦/١٦٤/٢.

٥. كنز العمال : ٥٢/٣٥/١.

۳۸۲. امام علی علیه السلام: چه سخن حکیمانه و جامعی است این سخن که آنچه را بر خود می‌پسندی، برای مردم نیز بی‌پسندی و آنچه را بر خود نمی‌پسندی، بر آنها نیز بی‌پسندی.

۳۸۳. امام صادق علیه السلام: بر شما باد خیرخواهی برای خدا نسبت به خلق او؛ زیرا هرگز خداوند را با عملی بهتر از این کار، ملاقات نخواهی کرد.

۵-۲/۳

نیکویی به همه مردم

۳۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اوج خرد، پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم و

خوبی کردن به هر آدم نیک و بدی است.

۳۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خلق، نانخور خدایند. لذا محبوب‌ترین خلق نزد خدا، کسی است که به نانخوران خدا سودی رساند و خانواده‌ای را شادمان کند.

۳۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان، هفتاد و اندی شاخه دارد. برترین آنها گفته «لا اله الا الله» است و کمترین آنها برداشتن چیزهای آزارنده از سر راه مردم است.

۳۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در کنار راه، سرپناهی برای رهگذران بسازد، خداوند در روز قیامت، او را سوار بر شتر راهواری از مروارید، محشور فرماید، در حالی که چهره‌اش برای بهشتیان،

- الْجَنَّةِ نَوْراً حَتَّى يُزَاحِمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ ﷺ فِي قَبْتِهِ. (١)
٣٨٨. الإمام عليّ ﷺ: لَقَدْ ضَمَمْتُ إِلَيَّ سِلَاحَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدْتُ فِي قَائِمِ سَيْفِهِ مُعَلَّقَةً فِيهَا ثَلَاثَةُ أَحْرَفٍ: صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَقُلِ الْحَقُّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ. (٢)
٣٨٩. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نِيَّةُ الْإِنْسَانِ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً، كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نِيَّتُهُ فِي طَاعَتِهِ قَوِيَّةً غَيْرَ مَدْخُولَةٍ. (٣)
٣٩٠. عنه ﷺ: صَنَائِعُ الْإِحْسَانِ مِنْ فَضَائِلِ الْإِنْسَانِ. (٤)
٣٩١. الإمام الصادق ﷺ - فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» (٥) -: نَفَاعاً. (٦)
- مركز تحقيقات مكتبة ٢/٣ - ٦ هـ
- الْوَسَاظَةُ فِي الْخَيْرِ
٣٩٢. رسول الله ﷺ: الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ. (٧)

١. ثواب الأعمال: ١/٣٤٣.

٢. كنز العمال: ١٦/٢٣٨/٤٤٢٩٨.

٣. غرر الحكم: ٣٧٠٣.

٤. غرر الحكم: ٥٨٣٤.

٥. مريم: ٣١.

٦. معاني الأخبار: ١/٢١٢.

٧. الكافي: ٤/٢٧/٤.

نورافشانی می‌کند تا آنکه همنشین ابراهیم خلیل الرحمان در
بارگاهش شود.

۳۸۸. امام علی علیه السلام: اسلحه پیامبر خدا را برداشتم، دیدم به قبضه شمشیر
وی سه جمله آویخته است: به کسی که از تو بُریده است، بپیوند؛
به کسی که به تو بدی کرده است، خوبی کن؛ و حق را بگو، هر
چند به زیان خودت باشد.

۳۸۹. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، دوست دارد که نیت انسان نسبت به
مردم، زیبا باشد، همچنان که دوست دارد نیت او در اطاعت از
وی نیز نیرومند و خالص باشد.

۳۹۰. امام علی علیه السلام: نیکوکاری از فضایل انسان است.

۳۹۱. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند تبارک و تعالی [از زبان حضرت
عیسی علیه السلام که]: «و مرا هر جا که باشم، مبارک قرار داد» - مقصود از
مبارک، بسیار سودمند بودن برای مردم است.

۶-۲/۳

وساطت در نیکی

۳۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به کار خوب راهنمایی کند، مانند کسی
است که آن را انجام داده است.

٣٩٣. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ جَرَى الْمَعْرُوفُ عَلَى ثَمَانِينَ كَفًّا لَأَجِرُوا كُلَّهُمْ فِيهِ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ صَاحِبُهُ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئاً. (١)

٧-٢/٣

إِغَاثَةُ الْمَظْلُومِ

٣٩٤. رسول الله صلى الله عليه وآله - في ذِكْرِ مَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دَاوُدَ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُعِينُ مَظْلُوماً أَوْ يَمْشِي مَعَهُ فِي مَظْلَمَتِهِ إِلَّا أُتْبِتُ قَدَمِيهِ يَوْمَ تَزُلُّ الْأَقْدَامُ. (٢)

٣٩٥. عنه عليه السلام: مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِباً. (٣)

٣٩٦. الإمام علي عليه السلام - لِلْحَسَنِ عليه السلام - : قُولَا بِالْحَقِّ ، وَاعْمَلَا لِلْأَجْرِ ، وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً. (٤)

٨-٢/٣

مُسَاعَدَةُ الْمُتَضَرِّينَ

٣٩٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةً مَاءٍ أَوْ نَارٍ

١. الكافي: ٢/١٨/٤.

٢. كنز العمال: ٤٣٤٦٧/٨٧٢/١٥.

٣. بحار الأنوار: ٧٥/٣٥٩/٧٥.

٤. نهج البلاغة: الكتاب ٤٧.

۳۹۳. امام صادق علیه السلام: اگر احسان و کمک، هشتاد دست بگردد، همه آنها به سبب آن پاداش می‌یابند، بی آنکه از اجر صاحبش چیزی کم شود.

۷-۲/۳

یاری ستم‌دیده

۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خدای تعالی به داوود وحی فرمود که: «ای داوود! هیچ بنده‌ای نیست که ستم‌دیده‌ای را یاری رساند یا در ستمی که بر او رفته، با وی همدردی کند، مگر اینکه گامهای او را در آن روزی که گامها می‌لغزد، استوار نگه می‌دارم».

۳۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که داد ستم‌دیده را از ستمگر بگیرد، در بهشت یار و همنشین من باشد.

۳۹۶. امام علی علیه السلام - به حسین علیه السلام - : حق بگویند و برای ثواب، کار کنید و خصم ستمگر باشید و یار ستم‌دیده.

۸-۲/۳

کمک به آسیب‌دیدگان

۳۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از آسیب رساندن آب یا آتش به گروهی از

وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ^(۱).

۳۹۸. عنه علیه السلام: مَنْ قَادَ ضَرِيرًا أَرْبَعِينَ خُطْوَةً عَلَى أَرْضٍ سَهْلَةٍ، لَا يَفِي بِقَدْرِ إِبْرَةٍ مِنْ جَمِيعِهِ طِلَاعُ الْأَرْضِ ذَهَبًا، فَإِنْ كَانَ فِيمَا قَادَهُ مَهْلَكَةٌ جَوَّزَهُ عَنْهَا وَجَدَ ذَلِكَ فِي مِيزَانِ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا مِائَةَ أَلْفٍ مَرَّةً^(۲).

۳۹۹. الإمام علي علیه السلام: مَنْ رَدَّ عَنِ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ مَاءٍ، أَوْ عَادِيَةَ نَارٍ أَوْ عَادِيَةَ عَدُوٍّ مُكَابِرٍ لِلْمُسْلِمِينَ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ^(۳).



۴۰۰. الإمام علي علیه السلام: مِنَ الثُّبُلِ أَنْ تَتَّقِظَ لِإِجَابِ حَقِّ الرَّعِيَّةِ عَلَيْكَ، وَتَتَغَابَى عَنِ الْجَنَائَةِ عَلَيْكَ^(۴).

۴۰۱. الإمام الباقر علیه السلام: صَلَاحُ شَأْنِ النَّاسِ التَّعَايُشُ وَالتَّعَاشُرُ مِلءٌ مِكَيَالٍ: ثُلَاثُاهُ فِطْنٌ، وَثُلُثُ تَغَافُلٍ^(۵).

۱. الکافی: ۳/۵۵/۵.

۲. بحار الأنوار: ۸/۱۵/۷۵.

۳. بحار الأنوار: ۱۴/۲۰/۷۵.

۴. عیون الحکم المواعظ: ۸۵۹۷/۴۷۰.

۵. بحار الأنوار: ۳۴/۱۶۷/۷۴.

مسلمانان جلوگیری کند، بهشت بر او واجب می‌گردد.

۳۹۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس نابینایی را در دشتی چهل قدم راه برد، اگر

همه زمین پُر از طلا گردد [و به او داده شود]، به اندازه سوزنی

پاداش این کار او داده نشده است و چنانچه او را از خطری که بر

سر راهش قرار داشته باشد، بگذرانند، روز قیامت، این کار در

ترازوی حسنات او صد هزار بار بزرگ‌تر از دنیا باشد.

۳۹۹. امام علی علیه السلام: هر کس جلو آسیب رساندن آبی یا آتشی یا دشمنی

زورگو به مسلمانان را بگیرد، خداوند گناهانش را بیامرزد.



۹-۲/۳

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های
چشم‌پوشی

۴۰۰. امام علی علیه السلام: از زیرکی است: بیداری‌ات برای ادای حقوق

شهروندان و تغافل از ستم آنان بر تو.

۴۰۱. امام باقر علیه السلام: سامان یافتن کار مردم به این است که طوری با هم

معاشرت کنند که مانند پیمانه‌ای باشند که دو سومش هوشیاری

است و یک سومش نادیده گرفتن و چشم‌پوشی.

٣/٣

الوظائف الثقافية

١-٣/٣

الدعوة إلى القيم

القرآن:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(١)

الحديث:

٤٠٢. رسول الله ﷺ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ هُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَخَلِيفَةُ كِتَابِهِ، وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ^(٢).

٤٠٣. عنه ﷺ: سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ: حَمْرَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَرَجُلٌ قَامَ إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ وَنَهَاةً فَقَتَلَهُ^(٣).

٤٠٤. عنه ﷺ: - لِعَلِّي ﷺ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ -: يَا عَلِيُّ، لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَإِيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ، وَلَكَ وَلَاؤُهُ

١. آل عمران: ١٠٤.

٢. كنز العمال: ٥٥٦٤/٧٥/٣.

٣. المستدرک علی الصحیحین: ٢١٥/٣/٢٨٨٤.

۳/۳
مسئولیت‌های فرهنگی

۱-۳/۳
دعوت به ارزشها

قرآن:

و باید از شما گروهی دعوتگر به خیر باشند که به نیکی فرمان دهند و از زشتی باز دارند و آنان، همان رستگاران‌اند.

حدیث:

۴۰۲. پیامبر خدا ﷺ: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین کتاب او و جانشین پیامبر اوست.

۴۰۳. پیامبر خدا ﷺ: سرور شهیدان، حمزة بن عبدالمطلب است و نیز مردی که در برابر پیشوایی ستمگر برخیزد و او را امر و نهی کند و آن پیشوا، او را بکشد.

۴۰۴. پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام، هنگامی که او را به یمن فرستاد: ای علی! هرگز با کسی جنگ مکن تا اینکه قبل از آن او را [به اسلام] دعوت کنی. به خدا سوگند که اگر خداوند، مردی را به دست تو هدایت کند، برایت بهتر است از حکومت بر آنچه آفتاب بر آن

يا عَلِيٍّ^(١).

٤٠٥. الإمام عليّ عليه السلام: قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ^(٢).

٤٠٦. عنه عليه السلام: وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ^(٣).

٤٠٧. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾^(٤) - : مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا، وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا^(٥).

٤٠٨. بحار الأنوار: رُوِيَ أَنَّ دَاوُدَ عليه السلام خَرَجَ مُصْحِراً مُنْفَرِداً، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا دَاوُدُ، مَا لِي أَرَاكَ وَحْدَانِيّاً؟

فَقَالَ: إِلَهِي اشْتَدَّ الشَّوْقُ مِنِّي إِلَى لِقَائِكَ، وَحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ خَلْقُكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: ارْجِعْ إِلَيْهِمْ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَأْتَيْتَنِي بِعَبْدٍ أَبْقَى

١. الكافي: ٤/٢٨/٥.

٢. غرر الحكم: ٦٨١٧.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ٣٧٤.

٤. المائدة: ٣٢.

٥. الكافي: ١/٢١٠/٢.

طلوع و غروب کند، ای علی!

۴۰۵. امام علی علیه السلام: استواری شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن حدود [الهی] بستگی دارد.

۴۰۶. امام علی علیه السلام: همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور.

۴۰۷. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از این فرموده خداوند تعالی: «هر کس، کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است، و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده نگه داشته است» - یعنی کسی که دیگری را از گمراهی به راه راست درآورد، مانند این است که او را زنده کرده است، و کسی که دیگری را از راه راست به گمراهی کشاند، او را کشته است.

۴۰۸. بحار الأنوار: روایت شده است که داوود علیه السلام تنها به صحرا رفت. خداوند به او وحی فرمود: «ای داوود! چه شده است که تو را تنها می بینم؟».

گفت: خدایا! شوق دیدار تو در جانم شدت گرفته و خلق تو، میان من و تو حائل گشته اند.

خداوند به او وحی فرمود: «به میان آنان برگرد؛ زیرا اگر تو یک

أُثْبِتَكَ فِي اللَّوْحِ حَمِيداً.^(١)

٢-٣/٣

الدَّعْوَةُ إِلَى وَحْدَةِ الْكَلِمَةِ

القرآن:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾.^(٢)
 ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
 كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى
 شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَهْتَدُونَ﴾.^(٣)

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ
 وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾.^(٤)

الحديث:

٤٠٩. رسول الله ﷺ: مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى
 أَهْلِ حَقِّهَا.^(٥)

٤١٠. الإمام علي عليه السلام: مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا

١. بحار الأنوار: ١٤ / ٤٠ / ٢٦.

٢. الأنبياء: ٩٢.

٣. آل عمران: ١٠٣.

٤. الانفال: ٤٦.

٥. المعجم الاوسط: ٧ / ٢٧٠ / ٧٧٥٤.

بنده گریز پا را نزد من بیاوری، تو را در لوح، با صفت ستوده
ثبت می‌کنم».

۲-۳/۳

دعوت به وحدت کلمه

قرآن:

این است اَمت شما که اَمتی یگانه است، و منم پروردگار شما. پس
[تنها] مرا بپرستید.

و همگی به ریسمانِ خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را
دربارهٔ خود به یاد آرید: آن گاه که [با هم] دشمن بودید، پس میان
دل‌های شما الفت افکند، تا به لطف او برادر یکدیگر شدید. و شما در کنار
پرتگاهی از آتش بودید، که شما را از آن رهانید. خداوند، بدین سان،
آیات خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که هدایت یابید.

و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با هم نزاع نکنید که سست می‌گردید و
مهابت شما از میان می‌رود [و نسیم پیروزی بر شما نمی‌وزد]، و
شکیبایی کنید، که همانا خدا با شکیبایان است.

حدیث:

۴۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ اَمتی پس از پیامبرش، دچار اختلاف نشدند،
جز آنکه باطل‌گرایان بر رهروان حقیقت، غلبه کردند.

۴۱۰. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند، هیچ اَمتی، پس از پیامبرشان
اختلاف نکردند، جز آنکه اهل باطل بر اهل حق مسلط شدند،

عَلَى حَقِّهَا، إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ. (١)

٣١١. عَنْهُ ﷺ: إِحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالْأَمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَذَمِيمِ الْأَعْمَالِ، فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ، وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ.

فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتْ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنُهُمْ (حَالُهُمْ)، وَزَاخَتْ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَمُدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ، وَانْقَادَتِ النُّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ؛ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِمُفْرِقَةٍ، وَاللُّزُومِ لِلْأُلْفَةِ، وَالتَّحَاضُّ عَليهَا، وَالتَّوَاصِي بِهَا. وَاجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فَقَرَّتَهُمْ، وَأَوْهَنَ مُنْتَهُم؛ مِنْ تَضَاعُنِ الْقُلُوبِ، وَتَشَاخُنِ الصُّدُورِ، وَتَدَابُرِ النُّفُوسِ، وَتَخَاذُلِ الْأَيْدِي. وَتَذَكَّرُوا أَحْوَالَ الْمَاضِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ... فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتْ الْأَمَلَاءُ مُجْتَمِعَةً، وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً، وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً، وَالْأَيْدِي مُتَرَادِفَةً، وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً، وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةً، وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً. أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَاباً فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ، وَمُلُوكاً عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ؟! فَانْظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ، حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَتَشَتَّتِ الْأُلْفَةُ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفِيدَةُ، وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَتَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ

جز آنجا که خدا نخواست.

۴۱۱. امام علی علیه السلام: بهره‌یزید از آنچه فرود آمد بر امت‌های پیشین، از کیفرهایی که بر اثر کردارهای ناپسند دیدند. پس نیک و بد احوالشان را به یاد آورید و خود را از همانند شدن به آنها برحذر دارید.

و چون در دگرگونی حال آنها تفکر کردید، کارهایی را اختیار کنید که آنان را ارجمند داشت و دشمنان را از آنان دور ساخت و زمان بی‌گزندی‌شان را به درازا کشاند، و با عافیت از نعمت برخوردار و پیوند رشته بزرگواری با آنان استوار. و آن از پراکندگی دوری نمودن بود و به سازواری روی آوردن، و یکدیگر را بدان برانگیختن و سفارش کردن؛ و بهره‌یزید از هر کار که پشتِ آنان را شکست و نیروشان را گسست، چون: کینه هم در دل داشتن و تخمِ نفاق در سینه کاشتن و از هم بریدن، و دست از یاری یکدیگر کشیدن.

و در احوال گذشتگان پیش از خود بنگرید، مردمی که با ایمان بودند... پس بنگرید چه سان می‌نمودند، آن‌گاه که گروه‌ها فراهم بودند، و همگان راهِ یک آرزو را می‌پیمودند، و دل‌ها راست بود و با هم سازوار و دست‌ها یکدیگر را مدد کار، شمشیرها به یاری هم آخته، و دیده‌ها به یکسو دوخته، و اراده‌ها در پی یک چیز تاخته. آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی‌نمودند؟ پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید،

كَرَامَتِهِ، وَسَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ، وَبَقِيَ قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ
عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ. ^(١)

٤١٢. عَنْهُ ﷺ: إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانُ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ
الشَّرَائِرِ، وَسَوْءُ الضَّمَائِرِ؛ فَلَا تَوَازَرُونَ وَلَا تَنَاصَحُونَ، وَلَا
تَبَاذِلُونَ، وَلَا تَوَادُّونَ. ^(٢)

٣-٣/٣

اجْتِزَاءُ الشَّبَابِ

٤١٣. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ - لِلْأَحْوَالِ -: أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ؟
قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ فِي هَذَا الْأَمْرِ وَدُخُولَهُمْ
فِيهِ؟

فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ، وَقَدْ فَعَلُوا وَإِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ.
فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ؛ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ. ^(٣)

٤-٣/٣

حِرَاسَةُ الدِّينِ

٤١٤. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ عَرَضَ لَكَ بَلَاءٌ فَاجْعَلْ مَالَكَ دُونَ دَمِكَ، فَإِنْ

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٢.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١١٣.

٣. قرب الإسناد: ١٢٨ / ٤٥٠.

چون میانشان جدایی افتاد، و الفت به پراکندگی انجامید، و سخن‌ها و دلهایشان گونه‌گون گردید. از هم جدا شدند، و به حزب‌ها گراییدند، و خدا لباس کرامت خود را از تنشان برون آورد، و نعمت فراخ خویش را از دستشان به در کرد و داستان آنان، میان شما ماند، و آن را برای پند گیرنده عبرت گردانند.

۴۱۲. امام علی علیه السلام: شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی شما را از هم جدا نکرده، جز درونِ پلید و نهادِ بد [که با آن به سر می‌برید]. نه هم را یاری می‌کنید، نه خیر خواهِ همید، نه به یکدیگر چیزی می‌بخشید، و نه با هم دوستی می‌ورزید.



۴۱۳. امام صادق علیه السلام - در گفتگو با اخول: «به بصره رفتی؟». گفت: آری.

فرمود: «شوق مردم به این امر (ولایت و امامت ما) و پذیرش آنها را چگونه دیدی؟».

گفت: به خدا سوگند، اندک‌اند. کارهایی کرده‌اند؛ اما کم است.

حضرت فرمود: «بر تو باد [جذب] نوجوانان؛ زیرا آنان، در پذیرش هر نوع خوبی، شتاب بیشتری نشان می‌دهند».

۴-۳/۳

پاسداری از دین

۴۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بلایی برایت پیش آمد، مالت را فدای جانت

تَجَاوَزَكَ الْبَلَاءُ فَاجْعَلْ مَا لَكَ وَدَمَكَ دُونَ دِينِكَ، فَإِنَّ الْمَسْلُوبَ
مَنْ سُلِبَ دِينُهُ، وَالْمَخْرُوبُ مَنْ خَرِبَ دِينُهُ. (١)

٤١٥. عنه عليه السلام: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ؛ فَمَنْ لَمْ
يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. (٢)

٤١٦. الغيبة عن يونس بن عبد الرحمن: رَوَيْنَا عَنْ الصَّادِقِينَ عليهم السلام أَنَّهُمْ
قَالُوا: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ
سُلِبَ نَوْرَ الْإِيمَانِ. (٣)

٥-٣/٣

حُظْرُوكَ الْمَسْئُولِيَّةُ

٤١٧. الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عليه السلام بَعْدَ أَنْ ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ -:
لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ
شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ. (٤)

٤١٨. الإمام الباقر عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ: إِنِّي مُعَذِّبُ مِنْ
قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ: أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ
خِيَارِهِمْ.

١. كنز العمال: ١٥ / ٩٣٣ / ٤٣٦٠١.

٢. الكافي: ١ / ٥٤ / ٢، المحاسن: ١ / ٣٦١ / ٧٧٦.

٣. الغيبة للطوسي: ٦٤ / ٦٦.

٤. نهج البلاغة: الكتاب ٤٧.

کن و اگر بلا از تو فراتر رفت، مال و جان را فدای دینت کن؛
زیرا غارت شده کسی است که دینش به غارت رفته باشد و خانه
خراب، کسی است که دینش ویران شده باشد.

۴۱۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه در امت من بدعتها آشکار شدند، بر دانشمند
است که دانش خود را آشکار سازد و هر که این کار را نکند،
نفرین خدا بر او باد!

۴۱۶. الغیبة - به نقل از یونس بن عبدالرحمان -: از امامان راستگو برای
ما روایت شده است که فرموده‌اند: «هرگاه بدعتها سر بردارند،
عالم باید دانش خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند، نور ایمان
از او سلب می‌شود».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
۵-۳/۳

خطر ترک مسئولیت

۴۱۷. امام علی علیه السلام - از سفارش ایشان به حسن بن علی - پس از ضربت
خوردن توسط ابن ملجم -: امر به معروف و نهی از منکر را رها
نکنید که در این صورت، بدان شما زمام امورتان را به دست
می‌گیرند و آن گاه، هر چه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد.

۴۱۸. امام باقر علیه السلام: خدای تعالی به شعیب پیامبر و حی فرمود: «صد هزار
نفر از مردم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر از بدکاران و
شصت هزار نفر از نیکانشان را».

فَقَالَ: يَا رَبِّ، هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ، فَمَا بِالْأَخْيَارِ؟!

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَغْضَبُوا الْغَضْبَى. (١)

٦-٣/٣

مَرَاتِبُ النَّهْضِ بِالْمَسْئُورَةِ

٣١٩. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! إِنَّهُ مَنْ رَأَى عَدُوَّنَا يُعْمَلُ بِهِ

وَمُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَبَرَّئَ، وَمَنْ أَنْكَرَهُ

بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ، وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ

- لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى -

فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَتَوَرَّ فِي

قَلْبِهِ الْيَقِينُ. (٢)

مَرْتَبَاتُ كَيْفِيَّةِ تَعْلِيمِ رَسْمِي

٣٢٠. عنه ﷺ - لِرَجُلٍ قَطَعَ خُطْبَتَهُ وَقَالَ: حَدَّثَنَا عَنْ مَيْتِ الْأَحْيَاءِ -:

مُنْكَرٌ لِلْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ فَخِلَالُ الْخَيْرِ حَصَلَهَا كُلُّهَا،

وَمُنْكَرٌ لِلْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَتَارِكٌ لَهُ يَدِهِ فَخَصَلَتَانِ مِنْ خِصَالِ

الْخَيْرِ، وَمُنْكَرٌ لِلْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَتَارِكٌ بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ فَخَلَّةٌ مِنْ خِلَالِ

الْخَيْرِ حَازَ، وَتَارِكٌ لِلْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ فَذَلِكَ مَيْتُ

الْأَحْيَاءِ. (٣)

١. مشكاة الأنوار: ١٠٤/٢٣٨.

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٣٧٣.

٣. بحار الأنوار: ١٠٠/٨٢/٤٣.

شعیب گفت: پروردگارا! بدکاران سزاوارند؛ اما نیکان چرا؟
 خدای عزوجل به او وحی فرمود: «آنان با گنهکاران سازش کردند و
 به خاطر خشم من، به خشم نیامدند».

۶-۳/۳

مراتب انجام دادن مسئولیت

۴۱۹. امام علی (ع): ای مؤمنان! آن که بیند ستمی می‌رانند یا مردم را به
 منکری می‌خوانند و او به دل خود، آن را بیسندد، سالم مانده و
 گناه نورزیده؛ آن که آن را به زبان انکار کرد، مزد یافت و از آن که به
 دل انکار کرد، برتر است؛ آن که با شمشیر به انکار برخاست تا
 کلام خدا بلند، و گفتار ستمگران پست گردد، او کسی است که راه
 رستگاری را یافت و بر آن ایستاد و نور یقین در دلش تافت.

۴۲۰. امام علی (ع): به مردی که سخنرانی امام را قطع کرد و پرسید: از
 مرده در میان زندگان برای ما سخن بگو:- کسی که با قلب و زبان و
 دست با زشتکاری مبارزه کند، همه خصلت‌های نیک را تحصیل
 نموده است و کسی که با قلب و زبانش با زشتکاری مبارزه کند،
 اما با دست، مبارزه ننماید، دو خصلت نیک را به دست آورده
 است و کسی که با دل با زشتکاری مبارزه کند، اما با زبان و دست
 به آن کاری نداشته باشد، یکی از خصلت‌های نیک را به دست آورده
 است و کسی که مبارزه با زشتکاری را با قلب و با زبان و با دست
 ترک کند، او مرده‌ای است در میان زندگان!

۳/۳

الْوُطَانُفُ الْعَسْكَرِيَّةُ

الف. القيادة والطاعة العسكرية

۱-۳/۳

الْحَقُوقُ الْمَتَبَادَلَةُ بَيْنَ الْقَائِدِ وَالتَّعْبُويِّ

۴۲۱. الإمام علي عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا، وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ.^(۱)

۴۲۲. عنه عليه السلام - في كتابه إلى أَمْرَائِهِ عَلَى الْجَيْشِ - : مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَصْحَابِ الْمَسَالِحِ:
أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُغَيِّرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ، وَلَا طَوْلٌ خُصَّ بِهِ. وَأَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ، وَعَطْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ.

أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَلَا أُطَوِّيَ دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ، وَلَا أُؤَخَّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ

۴/۳ مسئولیت‌های نظامی

الف. فرماندهی و فرمانبری نظامی

۴/۳-۱ حقوق متقابل فرمانده و سرباز

۴۲۱. امام علی علیه السلام: مردم! مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت المال دارید، بگزارم، شما را تعلیم دهم، تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت، وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی ادا کنید. چون شما را بخوانم، بیاوید و چون فرمان دهم بپذیرید، و از عهده برآیید.

۴۲۲. امام علی علیه السلام - در نامه به فرماندهان سپاهش -: از بنده خدا علی امیر مؤمنان به مرزبانان. اما بعد؛ بر زمامدار است که اگر به زیادتى [از اموال] رسید یا به نعمتى مخصوص گشت، رفتارش را با زیردستان خود، تغییر ندهد؛ و بر اوست که با نعمتهایی که خداوند نصیب او فرموده است، به بندگان خدا بیشتر نزدیک شود و نسبت به برادران خود، بیشتر مهرورزی کند.

بدانید که حق شما بر من این است که چیزی را از شما پوشیده ندارم، مگر راز جنگ را، و کاری را بی رایزنی با شما انجام ندهم، مگر در امر حکومت، و در رسانیدن حق شما به شما کوتاهی نکنم و تا آن حق به شما نرسد، از کوشش باز نایستم، و اینکه شما در نظر من یکسان باشید؛ و اگر چنین کردم، بر خداوند واجب شود

مَحَلِّهِ، وَلَا أَقِفْ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ، وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً، فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لِي عَلَيْكُمُ النِّعْمَةُ، وَلِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ، وَالْأَلَّا تَنْكُصُوا عَنْ دَعْوَةٍ، وَلَا تُفَرِّطُوا فِي صَلَاحٍ، وَأَنْ تَخُوضُوا الْغَمَرَاتِ إِلَى الْحَقِّ، فَإِنْ أَنْتُمْ لَمْ تَسْتَقِيمُوا لِي عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ أَعْوَجَّ مِنْكُمْ، ثُمَّ أُعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ، وَلَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُخْصَةً، فَخُذُوا هَذَا مِنْ أَمْرَائِكُمْ، وَأَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا يُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ.^(۱)

۲-۴/۳

إِهْتِمَامُ الْقَائِدِ بِالْعَلَمِ الْعَسْكَرِيِّ

۳۲۳. تاریخ دمشق عن ابن عباس: عَقِمَ النساءُ أَنْ يَأْتِينَ بِمِثْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَاللَّهُ مَا رَأَيْتُ وَلَا سَمِعْتُ رَئِيساً يوزَنُ بِهِ، لَرَأَيْتُهُ يَوْمَ صَفِّينَ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ قَدْ أَرَحَى طَرْفَهَا، كَأَنَّ عَيْنَيْهِ سِرَاجاً سَلِيطٌ، وَهُوَ يَقِفُ عَلَى شِرْذِمَةٍ يَحْضُهُمْ، حَتَّى انْتَهَى إِلَيَّ وَأَنَا فِي كَنَفٍ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ اسْتَشْعِرُوا الْخَشْيَةَ، وَغَضُّوا الْأَصْوَاتَ، وَتَجَلَّبَبُوا السَّكِينَةَ، وَأَعْمَلُوا الْأَسِنَّةَ، وَأَقْلِقُوا السُّيُوفَ قَبْلَ السَّلَّةِ، وَأَطْعَنُوا الشَّرَرَ^(۲)، وَنَافِحُوا بِالظُّبَا، وَصَلُّوا السُّيُوفَ

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۵۰.

۲. این واژه در متن مورد استناد ما به گونه‌ای دیگرند و ما نقل صحیح تر آنها را از نهج البلاغه آوردیم.

که بر شما نعمت فرستد و بر شما واجب شود که از من اطاعت کنید.

و هرگاه شما را فرا خوانم، درنگ نکنید و در اجرای کار درست، کوتاهی نکنید و در راه حق، در گرداب سختیها فرو روید. اگر چنین پایدار نباشید، کسی نزد من خوارتر از کج رفتار شما نخواهد بود؛ و کیفر او را سخت گردانم و او از کیفر من رهایی نخواهد یافت.

اینک، از فرماندهان خود این دستورها را بگیرید و فرمان آنان را - چندان که خدا کارتان را بدان سازوار می‌دارد - بپذیرید!

۲-۴/۳

اهتمام فرمانده به آموزش نظامی

۴۲۳. تاریخ دمشق: - به نقل از ابن عباس: - زنان عقیق شدند از اینکه مانند امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب بزایند. به خدا سوگند، ندیدم و نشنیدم که رئیسی با وی مقایسه شود. او را به هنگام نبرد صفین دیدم که عمامه‌ای بر سر داشت که دو طرفش را رها کرده بود. دو چشمانش گویا به سان دو چراغ درشت بودند. او بر گروهی اندک ایستاده بود و آنان را به نبرد واداشته تا به من که در لابه‌لای مردم بودم، رسید.

سپس فرمود: «ای گروه مسلمانان! خوف [از خدا] را احساس کنید، صداها را پایین آورید، آرامش را بر تن کنید، نیزه‌ها را به کار گیرید (آشکار سازید) و پیش از کشیدن شمشیر، آن را به حرکت آورید و از چپ و راست، شمشیر زنید و با تیزی اش ضربه زنید، و شمشیرها را به کامها و تیرها را به نیزه‌ها نزدیک

بِالْخُطَا، وَالنَّبَالِ بِالرِّمَاحِ؛ فَإِنَّكُمْ بِعَيْنِ اللَّهِ وَمَعَ ابْنِ عَمِّ نَبِيِّهِ ﷺ.
عَاوِدُوا الْكَرَّ، وَاسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ؛ فَإِنَّهُ عَارٌّ بَاقٍ فِي الْأَعْقَابِ
وَالْأَعْنَاقِ، وَنَارٌ يَوْمَ الْحِسَابِ. وَطَيَّبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ أَنْفُسًا،
وَامْشُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سُجُجًا^(۱). وَعَلَيْكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ
الْأَعْظَمِ، وَالرَّوَاقِ الْمُطَنَّبِ^(۲)، فَاضْرِبُوا ثَبَجَهُ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ
رَاكِبٌ صَعْبُهُ، وَمُفْرِشُ ذِرَاعِيهِ، قَدْ قَدَّمَ لِلْوَثْبَةِ يَدًا، وَأَخَّرَ
لِلنُّكُوصِ رِجْلًا، فَصَمَدًا صَمَدًا حَتَّى يَتَجَلَّى لَكُمْ عَمُودُ الدِّينِ:
«وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَغْمَلَكُمْ»^(۳).^(۴)

۴۲۲. الإمام عليّ عليه السلام: عَضُّوا عَلَى التَّوَاجِذِ؛ فَإِنَّهُ أَنْبَى لِلسُّيُوفِ عَنِ الْهَامِ
وَأَكْمَلُوا الْأُمَّةَ.^(۵)

۳-۴/۳

رِغَايَةُ الْقَائِدِ لِلْقَوَاتِ

۴۲۵. الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ عَهْدِهِ لِلْأَشْتَرِ -: وَلَيْكُنْ آثَرُ رُؤُوسِ جُنْدِكَ
عِنْدَكَ مَنْ وَاسَاهُمْ فِي مَعُونَتِهِ... فَافْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ، وَوَاصِلِ
فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ؛
فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَعْمَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ، وَتُحَرِّضُ النَّاكِلَ

۱ و ۲. این واژه‌ها در متن مورد استناد ما به گونه‌ای دیگرند و ما نقل صحیح‌تر آنها را از نهج البلاغه آوردیم.

۳. محمد: ۳۵.

۴. تاریخ دمشق: ۴۲ / ۴۶۰.

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۶۶.

سازید. به درستی که در دید خداوند قرار گرفته‌اید و همراه
پسر عموی پیامبر اویید.

با یورش و حمله خو گیرید و از فرار، شرم کنید؛ چرا که آن،
ننگی است که در نسلها و گروهها باقی می ماند، و آتشی است در
روز رستاخیز. خود را خرم و شاد دارید و با آسانی و سُبک جانی
به سوی مرگ، گام بردارید. لشکر انبوه [دشمن] و خیمه‌های
طناب افکنده را هدف قرار دهید و قلب آن را نشانه بگیرید؛ چرا
که شیطان، شتر سرکش را سوار شده و بازوانش را گسترانیده
است؛ دستی را برای حمله، پیش دارد و پایی را برای فرار، به
عقب گذارد. پس استوار باشید و پایدار، تا پایه‌های دین بر شما
آشکار گردد، که شما برترید و خدا با شماست و از پاداش
کردار تان نخواهد کاست».

۴۲۴. امام علی علیه السلام: در میدان کارزار، دندانها را سخت بر هم بفشارید، که
شمشیرها را از رسیدن به کاسه سر باز می دارد. و زره کامل
بپوشید.

۳-۴/۳

توجه فرمانده به نیروها

۴۲۵. امام علی علیه السلام و باید گزیده ترین سران سپاه نزد تو آن بُود که با
سپاهیان یار باشد و آنان را کمک کار... پس امیدشان را بر آر،
و ستودنشان را به نیکی پیوسته دار، و رنج کسانی را که کوششی
کرده اند، بر زبان آر، که فراوان کار نیکوی آنان را یاد کردن،

إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (١)

٤-٤/٣

إِطَاعَةُ الْقَائِدِ

٤٢٦. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: أَطِيعْ مَنْ فَوْقَكَ يُطِيعَكَ مَنْ دُونَكَ، وَأَصْلِحْ سِرِيرَتَكَ يُصْلِحِ اللَّهُ عَلَانِيَتَكَ. (٢)

٤٢٧. عنه عليه السلام - لعبدالله بن عباس، وَقَدْ أَشَارَ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ لَمْ يُوَافِقْ رَأْيَهُ -: لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ وَأَرَى، فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَطِيعْنِي. (٣)

٤٢٨. عنه عليه السلام - إلى أميرين من أمراء جيشه -: قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرُ، فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا، وَاجْعَلَا لَهُ دِرْعًا وَمِجَنًّا؛ فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَهُنُّهُ وَلَا سَقَطَتُهُ وَلَا بَطْوُهُ عَمَّا الْإِسْرَاعُ إِلَيْهِ أَحْزَمُ، وَلَا إِسْرَاعُهُ إِلَى مَا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْثَلُ. (٤)

٥-٤/٣

خُذُوا الطَّاعَةَ الْعُسْرَةَ

٤٢٩. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى أَهْلِ مِصْرَ لَمَّا وَلَّى عَلَيْهِمُ

١. نهج البلاغة: الكتاب ٥٣.

٢. غرر الحكم: ٢٤٧٥.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ٣٢١.

٤. نهج البلاغة: الكتاب ١٣.

دلیر را برانگیزاند، و ترسان بد دل را به کوشش مایل گردانند،
 إن شاء الله!

۴-۴/۳

اطاعت از فرمانده

۴۲۶. امام علی علیه السلام: از مافوق خود اطاعت کن، تا زیر دستت از تو اطاعت کند و باطنت را اصلاح کن، تا خداوند ظاهر ت را اصلاح کند.

۴۲۷. امام علی علیه السلام - به عبد الله بن عباس، درباره نظری که داده بود و امام موافق آن نبود -: حق توست که به من نظر دهی و من در آن می‌اندیشم؛ اما اگر نپذیرفتم، تو باید از من اطاعت کنی.

۴۲۸. امام علی علیه السلام - در نامه‌ای به دو تن از فرماندهان سپاهش -: من، مالک اشتر، پسر حارث را بر شما و سپاهیان زیر دست شما، امیر کردم. پس گفته او را بشنوید و از او فرمان برید. او را چون زره و سپر، نگهبان خود کنید که او را سستی و لغزشی نیست. نه آنجا که شتاب لازم است، کندی می‌کند و نه آنجا که درنگ لازم است، عجله می‌نماید.

۵-۴/۳

مرزهای نظامی

۴۲۹. امام علی علیه السلام - پس از سپردن حکومت مصر به مالک اشتر، در

الْأَشْتَرُ -: أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، لَا يَنَامُ
أَيَّامَ الْخَوْفِ... فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَابَقَ الْحَقُّ؛ فَإِنَّهُ
سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ. (١)

٤٣٠. عَنْهُ ﷺ: بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ جَيْشًا وَأَمَرَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ
يَسْتَمِعُوا لَهُ وَيُطِيعُوا، فَأَجَبَ نَارًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَقْتَحِمُوا فِيهَا، فَأَبَى
قَوْمٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا وَقَالُوا: إِنَّا فَرَرْنَا مِنَ النَّارِ. وَأَرَادَ قَوْمٌ أَنْ
يَدْخُلُوهَا، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: لَوْ دَخَلُوهَا لَمْ يَزَالُوا فِيهَا،
وَقَالَ: لَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ. (٢)

ب. الجاهزية العسكرية



القرآن:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾. (٣)

الحديث:

٤٣١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ...﴾ -: أَلَا إِنَّ
الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ. (٤)

١. نهج البلاغة: الكتاب ٣٨.

٢. تنبيه الخواطر: ٥١/١.

٣. الانفال: ٦٠.

٤. صحيح مسلم: ١٥٢٢/٣/١٦٧.

نامه‌اش به مردم آنجا: - اما بعد؛ من بنده‌ای از بندگان خدا را سوی شما فرستادم که به روزگار ترس، خواب به دیده‌اش نمی‌رود... پس، از او حرف‌شنوی داشته باشید و فرمانش را، تا جایی که با حق سازگار است، اطاعت کنید؛ زیرا که او یکی از شمشیرهای خداست.

۴۳۰. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله سپاهی را گسیل داشت و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان فرمود تا دستورهای او را بشنوند و اطاعت کنند. او آتشی بی‌فروخت و به سپاهیان دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی از وارد شدن به آتش، سر باز زده، گفتند: «ما از آتش گریزانیم» و گروهی تصمیم گرفتند وارد آتش شوند. خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. فرمود: «اگر به درون آتش می‌رفتند، برای همیشه در آتش بودند». آن گاه فرمود: «در معصیت خدا نباید از کسی اطاعت کرد؛ بلکه در خوبیها باید فرمان بُرد».

ب: رزم‌آوری

۶-۴/۳

اهمیت آموزش نظامی

قرآن:

و در برابر آنها هر چه می‌توانید، از نیرو [های انسانی و سلاح]، آماده بسیج سازید.

حدیث:

۴۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در تفسیر سخن خداوند متعال: «و در برابر آنها هر چه می‌توانید... آماده بسیج سازید» - بدانید که [منظور از] نیرو، تیراندازی است؛ بدانید که نیرو، تیراندازی است؛ بدانید که نیرو، تیراندازی است.

٤٣٢. عنه عليه السلام: اركبوا وارموا، وأن ترموا أحب إلي من أن تركبوا...
 ألا إن الله تعالى ليدخل في السهم الواحد الثلاثة الجنة:
 عامل الخشبة، والمقوي به في سبيل الله، والرامي به في سبيل
 الله. (١)

٧-٤/٣

استعداد المقاتل

٤٣٣. دعائم الإسلام: إنه [أي علياً عليه السلام] كره أن يلقي الرجل سلاحه عند القتال؛ وقد قال الله تعالى عند ذكر صلاة الخوف: «وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»، وقال: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَحِدَةً». (٢)، فأفضل الأمور لمن كان في الجهاد أن لا يفارقه السلاح على كل الأحوال. (٣)

٤٣٤. الإمام علي عليه السلام - لما قُتل محمد بن أبي بكر - : رَحِمَ اللهُ مُحَمَّدًا! كان غلاماً حدثاً أما والله لقد كنت أردت أن أولي المرقال هاشم ابن عتبة بن أبي وقاص مصر، والله لو أنه وليها لما خلى لعمر بن العاص وأعوانه العرصة، ولما قُتل إلا وسيفه في يده. (٤)

١. الكافي: ٥/٥٠/١٣.

٢. النساء: ١٠٢.

٣. دعائم الإسلام: ١/٣٧١.

٤. الفارات: ١/٣٠١.

۴۳۲. پیامبر خدا ﷺ: سوارکاری و تیراندازی کنید، و تیراندازی شما را از سوارکاری خوش‌تر می‌دارم... بدانید که خدای عزوجل، به سبب یک تیر، سه نفر را به بهشت می‌برد: کسی که آن را بسازد، و کسی که آن را برای مجاهدان تدارک کند، و کسی که آن را در راه خدا پرتاب نماید.

۷-۴/۳

آمادگی‌زمنده

۴۳۳. دعائم الإسلام: به درستی که [علی علیه السلام] نمی‌پسندید که مردی به هنگام نبرد، سلاحش را بیفکند. خداوند عزوجل به هنگام یادکرد نماز خوف فرموده است: «و سلاحهایشان را بگیرند» و فرموده است: «آنان که کفر ورزیدند، دوست می‌دارند که شما از سلاحها و وسایلتان غفلت ورزید که ناگهان به شما هجوم آورند».

پس برترین کار برای آنان که در جهاد به سر می‌برند، این است که سلاح را به هیچ روی، از خود جدا مسازند.

۴۳۴. امام علی علیه السلام - به هنگام به شهادت رسیدن محمد بن ابی بکر -: خدا رحمت کند محمد را! جوان بود. من تصمیم داشتم مرقال هاشم بن عتبّه را فرماندار مصر کنم. به خدا سوگند، اگر او فرماندار آنجا می‌شد، میدان را برای پسر عاص و دار و دسته او خالی نمی‌گذاشت و جز شمشیر به دست، کشته نمی‌شد.

٨-٤/٣

وَكَاْنَتِ الْمَجَاهِدِيْنَ

القرآن :

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^(١)

الحديث :

٣٣٥. رسول الله ﷺ : ما أعمال العباد كلهم عند المجاهدين في سبيل الله إلا كمثلي خُطَافٍ أَخَذَ بِمَنْقَارِهِ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ^(٢)

٣٣٦. عنه ﷺ : لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ : بَابُ «المجاهدين» يَمْضُونَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَهُمْ مُتَقَلِّدُونَ سُيُوفَهُمْ ، وَالْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ وَالْمَلَائِكَةُ تُرَحِّبُ بِهِمْ^(٣)

٣٣٧. عنه ﷺ - فِي فَضْلِ الْغَزَاةِ - : وَيُشَفَّعُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَجَيْرَتِهِ ، حَتَّى إِذَا الْجَارَيْنِ يَخْتَصِمَانِ أُتِيَهُمَا أَقْرَبُ ، فَيَقْعُدُونَ مَعَ إِبْرَاهِيمَ ؑ عَلَى مَائِدَةِ الْخُلْدِ ،

١. النساء: ٩٥.

٢. كنز العمال: ٤/ ٣١٦/ ١٠٦٨٠.

٣. الأمالي للصدوق: ٦٧٣/ ٩٠٦.

۸-۴/۳

ارزش رزمندگان

قرآن:

مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند، هرگز با مجاهدانی که در راه خدا به مالها و جانهایشان جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، جهادکنندگان به مالها و جانهایشان را بر خانه‌نشینان به رتبه‌ای [بلند] برتری بخشیده است؛ و خداوند، هریک را وعده پاداش نیک [بر ایمان و عملش] داده، و جهادگران را بر خانه‌نشینان، به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.

حدیث:

۴۳۵. پیامبر خدا ﷺ: اعمال همه بندگان در برابر [عمل] مجاهدان در راه خدا، نیست مگر به مانند پرستوی دریایی که با منقار خود، مقداری آب از دریا برداشته است.

۴۳۶. پیامبر خدا ﷺ: بهشت، دروازه‌ای دارد به نام «دروازه مجاهدان». مجاهدان با شمشیرهای حمایل شده خود به سوی این دروازه - که به رویشان باز است - پیش می‌روند، و خلائق در محشرند، در حالی که فرشتگان به مجاهدان خوشامد می‌گویند.

۴۳۷. پیامبر خدا ﷺ: در فضیلت رزمندگان - یک نفر از آنان برای هفتاد هزار نفر از خاندان و همسایگان خود شفاعت می‌کند، چندان که دو همسایه بر سر اینکه کدام یک به او نزدیک‌ترند، با هم دعوا می‌کنند. رزمندگان در کنار من و ابراهیم علیه السلام بر سر سفره

فَيَنْظُرُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ بُكْرَةٍ وَعَشِيَّةٍ. (١)

٤٣٨. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ، وَجُنَّةُ الْوَثِيقَةِ. (٢)

٤٣٩. فاطمة عليها السلام - فِي دُعَائِهَا عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَعَمَلَهُمْ، وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ. (٣)

٤٤٠. الإمام الصادق عليه السلام - فِي الدُّعَاءِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَعَمَلَهُمْ، وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ، وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ. (٤)



٤٤١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ: لَوِدِدْتُ أَنِّي أَغْزُو فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أَغْزُو فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أَغْزُو فَأَقْتُلُ. (٥)

٤٤٢. الإمام عليّ عليه السلام: - لَمَّا أَخْبَرَهُ النَّبِيُّ ﷺ عَمَّا تَقَعُ مِنَ الْفِتَنِ بَعْدَهُ - فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوَلَيْسَ قَدْ قُلْتُ لِي يَوْمَ أَحُدٍ حَيْثُ

١. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ٢٦٩/١.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ٢٧.

٣. فلاح السائل: ٣١٢/٢١٢.

٤. الكافي: ٥٩٣/٢.

٥. صحيح مسلم: ١٠٣/١٤٩٦/٣.

جاودانگی می‌نشینند و هر بام و شام، به خدای تعالی نظر دارند.

۴۳۸. امام علی علیه السلام: جهاد، دری از درهای بهشت است که خداوند، آن را برای دوستان ویژه خود، برگزیده است. جهاد، جامه تقواست و زره محکم خداوند و سپر مطمئن او.

۴۳۹. فاطمه علیها السلام - در دعایش پس از نماز ظهر -: خدایا! گفتار و کردار توبه کاران، و رستگاری و پاداش مجاهدان را از تو می‌طلبم.

۴۴۰. امام صادق علیه السلام - در دعایش -: خدایا! من از تو، گفتار و کردار توبه کاران، و نور و درستی پیامبران، و رستگاری و پاداش مجاهدان را می‌طلبم.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
۹-۴/۳

عشق به شهادت

۴۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن‌که جان محمد در دست اوست، دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم، و باز بجنگم و کشته شوم، و باز هم بجنگم و کشته شوم.

۴۴۲. امام علی علیه السلام - هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از فتنه‌هایی که پس از وفات ایشان در جامعه اسلامی پدید می‌آید، خبر داد، گفتم: ای پیامبر خدا! مگر در روز احد که تعدادی از مسلمانان شهید شدند و من

اسْتَشْهَدَ مَنْ اسْتَشْهَدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، وَحِيزَتْ عَنِّي الشَّهَادَةُ ،
فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ فَقُلْتُ لِي : أَبْشِرْ ؛ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ ؟
فَقَالَ لِي : إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ ، فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذَا ؟ فَقُلْتُ :
يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ ، وَلَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ
الْبُشْرِ وَالشُّكْرِ !^(١)

١٠-٤/٣

طَلَبُ الشَّهَادَةِ

٢٢٣ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ
الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ .^(٢)

٢٢٤ . عَنْهُ ﷺ : مَنْ جُرْحَ جَرْحًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَوْنُهُ
لَوْنُ الزَّعْفَرَانِ وَرِيحُهُ رِيحُ الْمِسْكِ ، عَلَيْهِ طَابِعُ الشُّهَدَاءِ وَمَنْ
سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ مُخْلِصًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ وَإِنْ مَاتَ عَلَى
فِرَاشِهِ .^(٣)

٢٢٥ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ - فِي خِتَامِ عَهْدِهِ لِلأُسْتُرِ لَمَّا وَلَّاهُ مِصْرَ - : وَأَنَا
أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَعَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَى إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ ... أَنْ

١ . نهج البلاغة : الخطبة ١٥٦ .

٢ . صحيح مسلم : ١٥٧ / ١٥١٧ / ٣ .

٣ . مستدرك حنبل : ٢٢١٧١ / ٢٥٩ / ٨ .

از شهادت محروم ماندم و این امر بر من گران آمد، به من
فرمودی: «مژده بادا تو را که در آینده به شهادت خواهی
رسیدی؟!». .

پیامبر خدا به من فرمود: «همین طور است. در آن صورت،
صبر تو چگونه خواهد بود؟». گفتم: ای پیامبر خدا! اینجا، جای
صبر نیست؛ بلکه جای شادی و شکر است!

۱۰-۴/۳

درخواست شهادت

۴۴۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که صادقانه از خداوند، شهادت را مسئلت کند،
خداوند او را به جایگاه شهیدان برساند، هر چند در بستر خود
بمیرد.

۴۴۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه خدا از خمی شود، روز قیامت بارنگ
زعفران و بوی خوش مُشک می آید و بر او مُهر شهیدان، نقش
بسته است و هر کس شهادت را مخلصانه از خدا بطلبد، خداوند،
پاداش شهید را به او عطا می کند، هر چند در بستر بمیرد.

۴۴۵. امام علی علیه السلام - در پایان عهدنامه خود به مالک اشتر -: من از خدا
می خواهم با رحمتی فراگیر و قدرت بزرگش بر انجام گرفتن

يَخْتِمَ لِي وَلَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ. (١)

٢٤٦. الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء - : ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ ... حَمْداً
نَسَعْدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ
بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ. (٢)

١١-٤/٣

قِيَمَةُ الشَّهَادَةِ

٢٤٧. رسول الله صلى الله عليه وآله : فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ
اللهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ. (٣)

٢٤٨. عنه عليه السلام : مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ : قَطْرَةٍ دَمٍ فِي
سَبِيلِ اللهِ، وَقَطْرَةٍ دَمْعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ. (٤)

٢٤٩. الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللهِ لَمْ يُعْرِفْهُ اللهُ شَيْئاً مِنْ
سَيِّئَاتِهِ. (٥)

١. نهج البلاغة : الكتاب ٥٣.

٢. الصحيفة السجادية : ٢٣ الدعاء ١.

٣. الكافي : ٢ / ٢٤٨ / ٤.

٤. الأمالي للمفيد : ٨ / ١١.

٥. الكافي : ٥ / ٥٤ / ٦.

هرگونه درخواست، که ... کار من و تو را به سعادت به پایان رساند و شهادت نصیبمان گرداند.

۴۴۶. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش :- آن گاه، ستایش از آن اوست ... ستایشی که به واسطه آن، در زمره اولیای نیکبخت او و به واسطه شمشیرهای دشمنان وی، در سلک شهیدان در آییم.

۱۱-۴/۳

ارزش شهادت

۴۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکاری است تا آن گاه که مرد در راه خدا کشته شود. پس، چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از او، نیکوکاری نیست.

۴۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قطره‌ای نزد خداوند، محبوب‌تر از دو قطره نیست: قطره خون [ریخته شده] در راه خدا و قطره اشک [ریخته شده] در سیاهی شب از ترس خدا.

۴۴۹. امام صادق علیه السلام: هر که در راه خدا کشته شود، خداوند چیزی از گناهانش را به او یادآور نمی‌شود.

الفصل الرابع سِرُّ مَوْفِقِيَّةِ التَّعْبَوِيَّاتِ

١ / ٤

اِكْتِسَابُ الْمَهَارَاتِ الصَّرُورِيَّةِ

٣٥٠. رسول الله ﷺ: لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ رَفِيقٌ فِيَمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَدْلٌ فِيَمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيَمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ. (١)

٢ / ٤

رِعَايَةُ أَهْلِئِ الْمَخَاطَبِ

٣٥١. رسول الله ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ. (٢)

١. النوادر للراوندي: ١٩٥ / ١٤٣.

٢. الكافي: ١ / ٢٣ / ١٥.

فصل چهارم راز موفقیت سحی

۱/۴ کسب شایستگی های لازم

۴۵۰. پیامبر خدا ﷺ: امر به معروف و نهی از منکر نکند، مگر کسی که سه خصلت در او باشد: در امر و نهی خود، طریق مدارا پیش گیرد، در امر و نهی خود، به عدالت رفتار کند، و به آنچه امر و نهی می کند، دانا باشد.

۲/۴ رعایت ظرفیت مخاطب

۴۵۱. پیامبر خدا ﷺ: ما پیامبران فرمان داریم که با مردم به اندازه فهمشان سخن بگوییم.

٤٥٢. عنه ﷺ: لَا تُحَدِّثُوا أُمَّتِي مِنْ أَحَادِيثِي إِلَّا بِمَا تَحْمِلُهُ عُقُولُهُمْ. (١)

٤٥٣. عنه ﷺ: يَا بَنَ عَبَّاسٍ، لَا تُحَدِّثْ حَدِيثًا لَا تَحْتَمِلُهُ عُقُولُهُمْ، فَيَكُونَ فِتْنَةً عَلَيْهِمْ. (٢)

٤٥٤. عنه ﷺ: لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ؛ أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ (٣)

٤٥٥. الإمام علي عليه السلام: أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَأَمْسِكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ. (٤)

٤٥٦. الإمام الصادق عليه السلام: حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَدَعُوا مَا يُنْكِرُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ يُسَبَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟

قالوا: وَكَيْفَ يُسَبَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟

قال: يَقُولُونَ إِذَا حَدَّثْتُمُوهُمْ بِمَا يُنْكِرُونَ: «لَعَنَ اللَّهُ قَائِلَ هَذَا!»، وَقَدْ قَالَهُ اللَّهُ ﷻ وَرَسُولُهُ ﷺ. (٥)

٤٥٧. الكافي عن عبدالعزيز القراطيسي: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ، إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ بِمَنْزِلَةِ السُّلَمِ، يُصْعَدُ

١. كنز العمال: ١٠ / ٢٤٢ / ٢٩٢٨٤.

٢. الفردوس: ٥ / ٣٥٩ / ٨٤٣٤.

٣. الغيبة للنعماني: ٣٤ / ٢.

٤. الغيبة للنعماني: ٣٤ / ١.

٥. دعائم الإسلام: ١ / ٦٠.

۴۵۲. پیامبر خدا ﷺ: سخنانی از من برای امتم نقل کنید که اندیشه آنها تحمّل پذیرش آنها را داشته باشد.

۴۵۳. پیامبر خدا ﷺ: ای ابن عباس! حدیثی مگو که عقلهای ایشان ظرفیت پذیرش آن را ندارد که آنان را دچار فتنه می کند.

۴۵۴. پیامبر خدا ﷺ: برای مردم حدیثی مگویید که نمی پذیرند. آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟!

۴۵۵. امام علی علیه السلام: آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش تکذیب شوند؟! با مردم سخنی بگویید که بپذیرند و از آنچه نمی پذیرند، دست بکشید.

۴۵۶. امام صادق علیه السلام: «با مردم سخنی بگویید که بپذیرند و آنچه را نمی پذیرند وانهید. آیا دوست دارید که به خدا و پیامبرش ناسزا گفته شود؟!»

گفتند: چگونه به خدا و پیامبرش ناسزا گفته می شود؟
فرمود: «چون چیزی به آنان بگویید که ردّ و انکار کنند، می گویند: "خداوند، گوینده این [سخن] را لعنت کند"، در حالی که خدای عزّوجلّ و پیامبرش آن را گفته اند».

۴۵۷. الکافی - به نقل از عبدالعزیز قراطیسی -: امام صادق علیه السلام به من فرمود: عبدالعزیز! ایمان را ده درجه است، چون نردبانی که یکی پس از دیگری از پله های آن بالا روند. پس کسی که در پله دوم است، نباید به آن که در پله اول است بگوید: «تو چیزی نیستی»، تا اینکه به پله دهم برسد. پس کسی را که از تو پایین تر است،

مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ، فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْاِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ: «لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ»، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ؛ فَلَا تُسْقِطْ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ. وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعُهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ، وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرُهُ؛ فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ^(١).

٤٥٨. الكافي عن يعقوب بن الضحاک عن رجلٍ من أصحابنا سراج - وَكَانَ خَادِمًا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - : بَعَثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَاجَةٍ - وَهُوَ بِالْحِيرَةِ - أَنَا وَجَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ. قَالَ: فَانْطَلَقْنَا فِيهَا، ثُمَّ رَجَعْنَا مُغْتَمِّينَ.

قَالَ: وَكَانَ فِرَاشِي فِي الْحَائِرِ الَّذِي كُنَّا فِيهِ نُرْوِلُ، فَجِئْتُ وَأَنَا بِحَالٍ، فَرَمَيْتُ بِنَفْسِي، فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذَا أَنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ أَقْبَلَ. قَالَ: فَقَالَ: قَدْ أَتَيْنَاكَ - أَوْ قَالَ: جِئْنَاكَ - فَاسْتَوَيْتُ جَالِسًا، وَجَلَسَ عَلَيَّ صَدْرُ فِرَاشِي، فَسَأَلَنِي عَمَّا بَعَثَنِي لَهُ، فَأَخْبَرْتُهُ، فَحَمِدَ اللَّهُ.

ثُمَّ جَرَى ذِكْرُ قَوْمٍ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّا نَبْرَأُ مِنْهُمْ؛ إِنَّهُمْ لَا يَقُولُونَ مَا نَقُولُ.

قَالَ: فَقَالَ: يَتَوَلَّوْنَا وَلَا يَقُولُونَ مَا تَقُولُونَ؛ تَبْرَأُونَ مِنْهُمْ؟! قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

پایین مینداز تا آن‌که از تو بالاتر است، تو را پایین میندازد، و چون دیدی رتبه کسی از تو پایین تر است، او را با نرمی به سوی خود بالا بیاور و چیزی را هم که تاب تحملش را ندارد، بر او تحمیل مکن تا بدین وسیله او را بشکنی؛ زیرا که هر کس مؤمنی را بشکند، باید جبران کند.

۴۵۸. الکافی - به نقل یعقوب بن ضحاک، از یکی از شیعیان که شغلش سرّاجی و خدمتکار امام صادق علیه السلام بود :- آن‌گاه که امام صادق علیه السلام در حیره بود، من و جماعتی از دوستان خود را برای انجام دادن کاری روانه ساخت. [رفتیم و] هنگام غروب، بازگشتیم. محلّ استراحت من در زمین گودی بود که در آنجا منزل کرده بودیم. با حال خستگی و ضعف آمدم و خود را [در بستر] انداختم. در همین حال بودم که به ناگاه، امام صادق علیه السلام آمد و فرمود: «نزد تو آمدم»...

من [برخاستم و] راست نشستم. امام نیز بالا سرِ بستر من نشست و از کاری که مرا در پی آن فرستاده بود، پرسید. من هم گزارش دادم و ایشان، سپاس خدای را به جا آورد.

سپس از گروهی سخن به میان آمد که من گفتم: فدایت شوم! ما از آنها بیزاری می‌جوییم؛ زیرا آنان به آنچه ما [درباره شما] عقیده داریم، عقیده ندارند.

فرمود: «آنها ما را دوست دارند، و فقط چون عقیده شما را ندارند، از آنها بیزارید؟!».

گفتم: آری.

قال: فَهُوَ ذَا عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ، فَيَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَبْرَأَ مِنْكُمْ؟

قال: قُلْتُ: لَا، جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قال: وَهُوَ ذَا عِنْدَ اللَّهِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا، أَفْتَرَاهُ أَطْرَحَنَا؟!

قال: قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ، جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا نَفَعَلُ؟

قال: فَتَوَلَّوْهُمْ، وَلَا تَبْرُؤُوا مِنْهُمْ؛ إِنَّ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ لَهُ سَهْمٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَهْمَانِ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْهُمٍ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ أَرْبَعَةُ أَسْهُمٍ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ خَمْسَةُ أَسْهُمٍ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سِتَّةُ أَسْهُمٍ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَبْعَةُ أَسْهُمٍ؛ فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْمَلَ صَاحِبُ السَّهْمِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ، وَلَا صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الثَّلَاثَةِ، وَلَا صَاحِبُ الثَّلَاثَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ، وَلَا صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْخَمْسَةِ، وَلَا صَاحِبُ الْخَمْسَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّتَّةِ، وَلَا صَاحِبُ السَّتَّةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّبْعَةِ.

وَسَأَضْرِبُ لَكَ مَثَلًا: إِنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ جَارٌ - وَكَانَ نَصْرَانِيًّا - فَدَعَاهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَزَيَّنَتْهُ لَهُ، فَأَجَابَهُ، فَأَتَاهُ سُخِيرًا فَقَرَعَ عَلَيْهِ الْبَابَ، فَقَالَ لَهُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: أَنَا فُلَانٌ. قَالَ: وَمَا حَاجَتُكَ؟ فَقَالَ: تَوَضَّأْ وَالْبَسْ ثَوْبِيكَ، وَمُرَّ بِنَا إِلَى الصَّلَاةِ. قَالَ: فَتَوَضَّأَ وَلَبِسَ ثَوْبِيهِ وَخَرَجَ مَعَهُ. قَالَ: فَصَلَّيَا مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ صَلَّيَا الْفَجْرَ، ثُمَّ مَكَّنَا حَتَّى أَصْبَحَا. فَقَامَ الَّذِي كَانَ نَصْرَانِيًّا يُرِيدُ مَنَزِلَهُ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أَيْنَ تَذْهَبُ! النَّهَارُ قَصِيرٌ، وَالَّذِي بَيْنَكَ

امام فرمود: «ما هم چیزهایی (حقایقی) داریم که شما ندارید. پس آیا سزاوار است از شما بیزاری بجوئیم؟»
گفتم: نه، قربانت گردم.

فرمود: «همچنین، نزد خدا هم حقایقی است که نزد ما نیست. آیا می‌پنداری خداوند، ما را به کناری می‌اندازد؟!»
گفتم: نه به خدا، فدایت شوم! دیگر [از آنها بیزاری نمی‌جوئیم و چنین کاری] انجام نمی‌دهیم.

امام فرمود: «دوستشان بدارید و از آنان، بیزاری مجوئید؛ زیرا برخی مسلمانان، یک سهم [از ایمان] دارند و برخی دو سهم و برخی سه سهم و برخی چهار سهم و برخی پنج سهم و برخی شش سهم و برخی هفت سهم. پس نه شایسته است که دارنده یک سهم را بر آنچه صاحب دو سهم دارد، و نه دارند، و نه دارنده دو سهم را بر آنچه صاحب سه سهم دارد، و نه دارنده سه سهم را بر آنچه صاحب چهار سهم دارد، و نه دارنده چهار سهم را بر آنچه صاحب پنج سهم دارد، و نه دارنده پنج سهم را بر آنچه صاحب شش سهم دارد، و نه دارنده شش سهم را بر آنچه صاحب هفت سهم دارد.

اکنون برایت مثلی می‌زنم. مردی [از مسلمانان] بود که همسایه‌ای مسیحی داشت. او را به اسلام دعوت کرد و اسلام را در نظرش چنان جلوه داد تا وی پذیرفت. نزدیک سحر، نزد تازه مسلمان رفت و در زد. گفت: کیست؟ گفت: منم، فلانی. گفت: چه کار داری؟ گفت: وضو بساز و جامه‌هایت را در بر کن و همراه ما برای نماز بیا.

تازه مسلمان، وضو ساخت و جامه‌هایش را در بر کرد و همراه او [به سوی مسجد] روان شد. نماز بسیاری خواندند، سپس نماز صبح را نیز خواندند و صبر کردند تا روز بر دمید.

وَبَيْنَ الظُّهْرِ قَلِيلٌ، قَالَ: فَجَلَسَ مَعَهُ إِلَى أَنْ صَلَّى الظُّهْرَ. ثُمَّ قَالَ:
وَمَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ قَلِيلٌ. فَاحْتَبَسَهُ حَتَّى صَلَّى الْعَصْرَ.

قَالَ: ثُمَّ قَامَ وَأَرَادَ أَنْ يَنْصَرِفَ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّ هَذَا
آخِرُ النَّهَارِ، وَأَقْلُ مِنْ أَوَّلِهِ. فَاحْتَبَسَهُ حَتَّى صَلَّى الْمَغْرِبَ. ثُمَّ
أَرَادَ أَنْ يَنْصَرِفَ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّمَا بَقِيَتْ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.
قَالَ: فَمَكَثَ حَتَّى صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، ثُمَّ تَفَرَّقَا.
فَلَمَّا كَانَ سُحُورًا، غَدَا عَلَيْهِ فَضَرَبَ عَلَيْهِ الْبَابَ.

فَقَالَ: مَنْ هَذَا؟

قَالَ: أَنَا فُلَانٌ.

قَالَ: وَمَا حَاجَتُكَ؟

قَالَ: تَوْضُأٌ وَالْبَسَ ثَوْبِيكَ وَاخْرُجْ بِنَا فَصَلِّ.

قَالَ: أَطْلُبُ لِهَذَا الدِّينِ مَنْ هُوَ أَفْرَعُ مِنِّي، وَأَنَا إِنْسَانٌ
مِسْكِينٌ، وَعَلَيَّ عِيَالٌ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَدْخَلْهُ فِي شَيْءٍ
أَخْرَجَهُ مِنْهُ! - أَوْ قَالَ: أَدْخَلْهُ مِنْ مِثْلِ ذِهِ وَأَخْرَجْهُ مِنْ مِثْلِ
هَذَا. ^(١)

٣/٤

رَأْيُ آيَةِ الْإِنْبَاءِ السَّالَةِ

٢٥٩. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَانَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ فَلْيَكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ

مسیحی (تازه مسلمان) برای رفتن به خانه خود از جای برخاست که آن مرد مسلمان به او گفت: کجا می روی؟ روز کوتاه است و چیزی تا ظهر نمانده است. آن مرد با او نشست تا نماز ظهر را نیز خواند. باز آن مرد گفت: بین ظهر و عصر، زمان کوتاهی است، و او را نگه داشت تا اینکه نماز عصر را هم خواند. پس از آن، مرد [تازه مسلمان] برخاست تا به خانه اش برود که مرد مسلمان به او گفت: اکنون، پایان روز و از اولش کوتاه تر است، و [با این سخن] او را نگه داشت تا نماز مغرب را هم بگذارد. همین که آن مرد خواست به خانه خود رود، به او گفت: تنها یک نماز دیگر باقی مانده است! و او ماند و نماز عشا را هم خواند. سپس از هم جدا شدند.

چون فردا نزدیک سحر شد، نزد او رفت و در زد. تازه مسلمان گفت: کیست؟
گفت: منم، فلانی!

گفت: چه می خواهی؟ گفت: وضو بگیر و لباسهایت را بپوش و بیا با ما نماز بخوان.

گفت: برای این دین، فردی پیدا کن که از من بی کارتر باشد! من مستمند و عیالوارم.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «آن شخص، او را در [همان] دینی وارد کرد که از آن بیرونش آورده بود» یا آنکه فرمود: «او را به دینی مانند مسیحیت وارد کرد و از دینی مانند اسلام خارج نمود».

۳/۴

رعایت ادب رسالت

بِمَعْرُوفٍ^(١).

٤ / ٤

الْمَدَارَةُ

القرآن :

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾^(٢).

الحديث :

٤٦٠. رسول الله ﷺ: إِنَّا أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْنَا

بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ^(٣)

٤٦١. عنه ﷺ: الرَّفْقُ رَأْسُ الْحِكْمَةِ، اللَّهُمَّ مَنْ وَلَّى شَيْئاً مِنْ أُمُورِ أُمَّتِي

فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ، وَمَنْ شَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشَقِّ عَلَيْهِ^(٤).

٤٦٢. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ^(٥).

٤٦٣. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ^(٦).

١. مسند الشهاب: ١ / ٢٨٥ / ٤٦٥.

٢. آل عمران: ١٥٩.

٣. الأمالي الطوسي: ٥٢١ / ١١٥٠.

٤. بحار الأنوار: ٧٥ / ٣٥٢ / ٦٢.

٥. صحيح البخاري: ٥ / ٢٢٤٢ / ٥٦٧٨.

٦. صحيح مسلم: ٤ / ٢٠٠٤ / ٧٧.

رویش فرمان دادن او خوب و درست باشد.

۴/۴

مدارا

قرآن:

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنها نرمخو شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی، بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنها درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، که بی تردید، خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.



حدیث:

۴۶۰. پیامبر خدا ﷺ: ما جماعت انبیا به مدارا کردن با مردم فرمان داریم، همچنان که به بر پا داشتن فرایض مأموریم.

۴۶۱. پیامبر خدا ﷺ: نرمی، رأس حکمت است. خدایا! هر که کارگزار امری از امور امت من شود و با آنان نرمی کند، با او نرم باش و هر که بر آنان سخت گیرد، بر او سخت گیر.

۴۶۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، ملایمت در همه چیز را دوست دارد.

۴۶۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، ملایم است و ملایمت را دوست دارد.

٤٦٤. عنه عليه السلام: الرِّفْقُ يُنْزِلُ وَالْخُرْقُ سُومٌ. ^(١)

٤٦٥. عنه عليه السلام: إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا نُزْعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ. ^(٢)

٤٦٦. الإمام علي عليه السلام: الرِّفْقُ يُبَسِّرُ الصَّعَابَ، وَيُسَهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ. ^(٣)

٤٦٧. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ ^(٤) - :
 أَيِّ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالِفِهِمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسِطُ لَهُمْ
 وَجْهَهُ، وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكْلُمُهُمْ بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى
 الْإِيمَانِ؛ فَإِنَّهُ بِأَيْسَرَ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُ شُرُورَهُمْ عَنْ نَفْسِهِ، وَعَنْ
 إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ. ^(٥)

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر
 ۵/۴
 اجتناب التشنج

القرآن:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾. ^(٦)

١. الكافي: ٢/ ١١٩/ ٤.

٢. الكافي: ٢/ ١١٩/ ٦.

٣. غرر الحكم: ١٧٧٨.

٤. البقرة: ٨٣.

٥. بحار الأنوار: ٧٥/ ٤٠١/ ٤٢.

٦. البقرة: ١٨٥.

۴۶۴. پیامبر خدا ﷺ: نرمی، میمنت دارد و درشتی، شوم است.
۴۶۵. پیامبر خدا ﷺ: نرمی با هیچ چیز همراه نشد، جز اینکه آن را آراست و از هیچ چیز برداشته نشد، مگر اینکه آن را زشت کرد.
۴۶۶. امام علی علیه السلام: نرمی، دشواریها را آسان، و چاره‌های سخت را ساده می‌سازد.

۴۶۷. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «و با مردم، نیکو سخن گوید» -: مقصود، همه مردمان، اعم از مؤمن و کافر است. اما با مؤمنان باید گشاده رو بود، و اما با کافران باید به نرمی و مدارا سخن گفت، تا به سوی ایمان کشیده شوند، و کمترین ثمرش این است که خود و برادران مؤمنش را از گزند آنان، مصون می‌دارد.

۵/۴

اجتناب از سختگیری

قرآن:

خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد.

الحديث :

٤٦٨. رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ دِينَ اللَّهِ ﷻ يُسْرُ. (١)

٤٦٩. عنه ﷺ: لَمْ يُرْسِلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ. (٢)

٤٧٠. عنه ﷺ: بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ، وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (٣)

٤٧١. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي بِالرَّهْبَانِيَّةِ - مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا - وَإِنْ خَيْرَ الدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةُ السَّمْحَةُ. (٤)



٤٧٢. الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا، رُبَّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَالدَّاءُ دَوَاءً. (٥)

٤٧٣. الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ شِئْتَ أَنْ تُكْرِمَ فَلِنْ، وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تُهَانَ فَاخْشُنْ. (٦)

١. كنز العمال: ٥٤١٨/٤٧/٣.

٢. الكافي: ١/٤٩٤/٥.

٣. تاريخ بغداد: ٢٠٩/٧.

٤. الطبقات الكبرى: ٣٩٥/٣.

٥. نهج البلاغة: الكتاب ٣١.

٦. الكافي: ٢٩/٢٧/١.

حدیث:

۴۶۸. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! دین خدای ﷻ آسان است.
۴۶۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، مرا به رهبانیت و گوشه گیری برنینگیخت؛ بلکه مرا با دینی پاک و آسان و روان برانگیخت.
۴۷۰. پیامبر خدا ﷺ: من برای آوردن دین آسانِ روان، برگزیده شده‌ام و هر که با سنت و روش من مخالفت کند، از من نیست.
۴۷۱. پیامبر خدا ﷺ: دو یاسه بار فرمود: خداوند، مرا به تبلیغ رهبانیت مبعوث نکرد، و همانا محبوب‌ترین دینها نزد خدا، آیینِ آسانِ روان است.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

اجتناب از خشونت بدون ضرورت

۴۷۲. امام علی علیه السلام: هرگاه به جای نرمی خشونت لازم باشد، خشونت، [عین] نرمی است. بسا دارویی که [باعث] بیماری باشد، و بسا درد و بیماری‌ای که خود داروست!
۴۷۳. امام صادق علیه السلام: اگر می‌خواهی گرامی باشی، نرم باش و اگر می‌خواهی خوار شوی، خشن باش.

٧/٢

الصَّبْرُ عَلَى مَشَاقِّ السَّالَةِ

القرآن:

﴿يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْاُمُوْر﴾^(١)

الحديث:

٣٧٢. الإمام عليّ عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ﴾ - :
مِنَ الْمَشَقَّةِ وَالْأَذَى فِي الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ^(٢).



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١. لقمان: ١٧.

٢. تفسیر مجمع البیان: ٨ / ٥٠٠.

۷/۴

تحمل سختی های رسالت

قرآن:

پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آسیبی که به تو می رسد، شکیباف باش، که این از کارهای سترگ است.

حدیث:

۴۷۴. امام علی علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «و بر آسیبی که به تو می رسد، شکیباف باش» - مقصود، سختیها و آزارهایی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر به انسان می رسد.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

الفصل الخامس

قَدْ وَاتٍ تَعْبُورِيَّةٌ

١/٥

شُرْطَةُ الْخَمِيسِ (القَوَاتُ الْخَاصَّةُ)

٤٧٥. الإمام الصادق عليه السلام: كانوا - شُرْطَةُ الْخَمِيسِ - سِتَّةَ آلَافٍ رَجُلٍ أَنْصَارَهُ [أَيَّ عَلِيِّ عليه السلام].^(١)

٤٧٦. الاختصاص عن علي بن الحكم: أصحابُ أمير المؤمنين عليه السلام الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ: تَشَرَّطُوا، فَأَنَا أُشَارِطُكُمْ عَلَى الْجَنَّةِ، وَلَسْتُ أُشَارِطُكُمْ عَلَى ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ؛ إِنَّ نَبِيَّنَا عليه السلام فِيمَا مَضَى قَالَ لِأَصْحَابِهِ:

تَشَرَّطُوا، فَإِنِّي لَسْتُ أُشَارِطُكُمْ إِلَّا عَلَى الْجَنَّةِ - وَهُمْ: سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ، وَالْمِقْدَادُ، وَأَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ، وَعَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ،

فصل پنجم سحیان نمونه

۱/۵ شرطه انجیس (سپاه ویژه)

۴۷۵. امام صادق علیه السلام: سپاه ویژه، شش هزار نفر از یاران علی علیه السلام بودند.

۴۷۶. الاختصاص - به نقل از علی بن حکم -: یاران امیر مؤمنان، کسانی

بودند که به آنان فرمود: «پیمان ببندید! من با شما بر بهشت پیمان

می‌بندم، نه بر طلا و نقره. پیامبر ما در گذشته به یارانش فرمود:

«پیمان ببندید که من با شما، جز بر بهشت پیمان نبندم» و آنان

عبارت بودند از: سلمان فارسی، مقداد، ابوذر غفاری، عمار بن

یاسر، ابو ساسان، ابو عمرو انصاری، سهل [بدری] و عثمان،

پسران حنیف انصاری و جابر بن عبد الله انصاری».

و از برگزیدگان یاران او بودند: عمرو بن حمق خزاعی عرب

وَأَبُو سَاسَانَ، وَأَبُو عَمْرٍو الْأَنْصَارِيَّانَ، وَسَهْلُ بَدْرِيٍّ وَعُثْمَانُ ابْنَا
حَنِيفِ الْأَنْصَارِيِّ، وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ.

وَمِنْ أَصْفِيَاءِ أَصْحَابِهِ: عَمْرُو بْنُ الْحَمَقِ الْخَزَاعِيُّ عَرَبِيٌّ،
وَمِثْمُ التَّمَّازِ - وَهُوَ مِثْمُ بْنُ يَحْيَى، مَوْلَى -، وَرَشِيدُ الْهَجَرِيِّ،
وَحَبِيبُ بْنُ مُظَهَّرِ الْأَسَدِيِّ، وَمُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ.

وَمِنْ أَوْلِيَائِهِ: الْعَلَمُ الْأَزْدِيُّ، وَسُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ الْجُعْفِيُّ،
وَالْحَارِثُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْوَرُ الْهَمْدَانِيُّ، وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ،
وَأَبُو يَحْيَى حَكِيمُ بْنُ سَعْدِ الْخَنْفِيِّ.

وَكَانَ مِنَ شَرْطَةِ الْخَمِيسِ: أَبُو الرِّضِيِّ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى
الْحَضْرَمِيُّ، وَسَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، وَعُبَيْدَةُ السَّلْمَانِيُّ
الْمُرَادِيُّ، عَرَبِيٌّ. (١)

٤٧٧. رجال الكشي عن أبي الجارود: قُلْتُ لِلأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ: مَا كَانَ
مَنْزِلُهُ هَذَا الرَّجُلِ [عَلَيْهِ السَّلَام] فِيكُمْ؟

قَالَ: مَا أَدْرِي مَا تَقُولُ! إِلَّا أَنَّ سَيُوفَنَا كَانَتْ عَلَى عَوَاتِقِنَا،
فَمَنْ أَوْمَى إِلَيْهِ ضَرْبَانَهُ بِهَا. وَكَانَ يَقُولُ لَنَا: تَشَرَّطُوا، فَوَاللَّهِ مَا
اشْتَرَاظَكُمْ لِدَهَبٍ وَلَا لَفِضَّةٍ، وَمَا اشْتَرَاظَكُمْ إِلَّا لِلْمَوْتِ، إِنَّ
قَوْمًا مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ [بَنِي إِسْرَائِيلَ] تَشَارَطُوا بَيْنَهُمْ، فَمَا مَاتَ
أَحَدٌ مِنْهُمْ حَتَّى كَانَ نَبِيٌّ قَوْمِهِ، أَوْ نَبِيٌّ قَرِيَّتِهِ، أَوْ نَبِيٌّ نَفْسِهِ،

و میثم تمار (میثم بن یحیی، برده آزاد شده)، رشید هجری، حبیب بن مظهر اسدی و محمد بن ابی بکر.

و از دوستان او بودند: عَلم ازدی، سوید بن غفله جعفی، حارث بن عبد الله اعور همدانی، ابو عبدالله جدلی و ابو یحیی حکیم بن سعد حنفی.

و از سپاه ویژه‌اش بودند: ابو رضی عبدالله بن یحیی حضرمی، سلیم بن قیس هلالی و عبیده سلمانی مرادی عرب.

و از نزدیکانش بودند: تمیم بن حذیم ناجی - که در همراهی علی علیه السلام به شهادت رسید -، قنبر - آزاد شده حضرت -، ابو فاخته - آزاد شده بنی هاشم - و عبیده الله بن ابی رافع - که منشی علی علیه السلام بود -.

۴۷۷. رجال الکشی - به نقل از ابو جارود -: به اصبع بن نباته گفتم: جایگاه این مرد (علی علیه السلام) در میان شما چیست؟

گفت: نمی‌دانم چه می‌گویی؛ اما شمشیرهای ما بر دوشمان بود و هر کس را که وی اشاره می‌کرد، با شمشیر می‌زدیم. علی علیه السلام به ما می‌گفت: «پیمان ببندید! به خدا سوگند که پیمان شما برای طلا و نقره نیست، و پیمان شما جز برای مرگ نیست. به درستی که گروهی از پیشینیان بنی اسرائیل، میان خود پیمان بستند. پس هیچ‌یک از آنان از دنیا نرفت، مگر آنکه پیامبر قومش با

وَأَنْتُمْ لِمَنْزِلَتِهِمْ، غَيْرَ أَنْكُمْ لَسْتُمْ بِأَنْبِيَاءَ. ^(١)

٢/٥

أَنْصَارُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ

٤٧٨. الإمام زين العابدين عليه السلام :- في بيان وقائع يوم تاسوعاء حينما

جَمَعَ الْحُسَيْنُ عليه السلام أَصْحَابَهُ عِنْدَ قُرْبِ الْمَسَاءِ :- فَذَنُوتُ مِنْهُ

لَأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ، وَأَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ، فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ

لِأَصْحَابِهِ: أَتُنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ

وَالضَّرَّاءِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالثَّبُوءَةِ وَعَلَّمْتَنَا

الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ، وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً وَأَفِيدَةً،

فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ. مختصر معلوم رسولي

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي،

وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرٍّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي

خَيْراً، أَلَا وَإِنِّي لَأُظَنُّ أَنَّهُ آخِرُ يَوْمٍ لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ

أَذْنْتُ لَكُمْ فَانْطَلِقُوا جَمِيعاً فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِمَامٌ، هَذَا

اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلاً. فَقَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ وَأَبْنَاؤُهُ وَبَنُو

أَخِيهِ وَأَبْنَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: لِمَ نَفْعَلُ ذَلِكَ؟ لِنَبْقِيَ بَعْدَكَ؟!

لَا أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَداً. بَدَأَهُمْ بِهَذَا الْقَوْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ رُضْوَانُ

روستایش و یا خودش بود، و شما به سان آنانید، جز آنکه پیامبر نیستید».

۲/۵

یاران سید الشهداء

۴۷۸. امام سجاد (ع) - در بیان وقایع روز تاسوعا، هنگامی که امام حسین (ع) یارانش را در نزدیکی غروب جمع کرد -: به امام (ع) نزدیک شدم تا سخنانش را بشنوم. در حالی که آن زمان، بیمار بودم، شنیدم که به یارانش می گوید: «خدای را به بهترین ستایشها می ستایم و او را بر خوشی و سختی، سپاس می گویم. خدایا! من تو را سپاس می گزارم؛ چون ما را با نبوت، گرمی داشتی و به ما قرآن آموختی و ما را فهم دین شناسی عنایت فرمودی و به ما گوش و چشم و دل دادی. پس ما را از سپاسگزاران قرار ده. اما بعد؛ من یارانی وفادارتر و بهتر از یاران خویش، سراغ ندارم و خاندانی نیکوکارتر و به هم نزدیک تر از خاندان خود نمی شناسم. خداوند از جانب من خیرتان دهد! بدانید که من گمان می برم امروز، آخرین روز مهلت ما و ایشان است، هان! من به شما اجازه دادم همگی بروید که گره بیعتم را از گردنتان گشودم. این شب، پوشش شماست. آن را مرکب خود سازید و بروید».

برادران و پسران و برادرزادگانش و نیز دو پسر عبد الله بن جعفر گفتند: چرا چنین کنیم؟! تا پس از تو بمانیم؟! خدا هرگز این را برای ما پیش نیاورد.

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاتَّبَعْتُهُ الْجَمَاعَةُ عَلَيْهِ فَتَكَلَّمُوا بِمِثْلِهِ وَنَحْوِهِ. فَقَالَ
 الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا بَنِي عَقِيلٍ، حَسْبُكُمْ مِنَ الْقَتْلِ بِمُسْلِمٍ، فَاذْهَبُوا
 أَنْتُمْ فَقَدْ أَذَنْتُمْ لَكُمْ. قَالُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ! فَمَا يَقُولُ النَّاسُ؟!
 يَقُولُونَ إِنَّا تَرَكْنَا شَيْخَنَا وَسَيِّدَنَا وَبَنِي عُمُوْمَيْنَا - خَيْرَ الْأَعْمَامِ -
 وَلَمْ نَرْمِ مَعَهُمْ بِسَهْمٍ، وَلَمْ نَطْعَنْ مَعَهُمْ بِرُمْحٍ، وَلَمْ نَضْرِبْ مَعَهُمْ
 بِسَيْفٍ، وَلَا نَدْرِي مَا صَنَعُوا، لَا وَاللّٰهِ مَا نَفَعَلُ ذَلِكَ، وَلَكِنْ
 (تَفْدِيكَ أَنْفُسُنَا وَأَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا)، وَنُقَاتِلُ مَعَكَ حَتَّى نَرِدَّ
 مَوْرِدَكَ، فَقَبِّحَ اللَّهُ الْعَيْشَ بَعْدَكَ.

وَقَامَ إِلَيْهِ مُسْلِمُ بْنُ عَوَسَجَةَ فَقَالَ: أَنْخَلِي عَنْكَ وَلَمَّا نَعَذَّرَ
 إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي آدَاءِ حَقِّكَ! أَمَّا وَاللّٰهِ حَتَّى أَطْعَنَ فِي
 صُدُورِهِمْ بِرُمْحِي، وَأَضْرِبُهُمْ بِسَيْفِي مَا ثَبَّتَ قَائِمُهُ فِي يَدِي،
 وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ سِلَاحٌ أَقَاتِلُهُمْ بِهِ لَقَذَفْتُهُمْ بِالْحِجَارَةِ، وَاللّٰهُ
 لَا نُخَلِّيكَ حَتَّى يَعْلَمَ اللَّهُ أَنْ قَدْ حَفِظْنَا غَيْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِيكَ،
 وَاللّٰهُ لَوْ عَلِمْتُ أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أُحْرَقُ، ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أُذْرَى،
 يُفْعَلُ ذَلِكَ بِي سَبْعِينَ مَرَّةً مَا فَارَقْتُكَ حَتَّى أَلْقَى حِمَامِي دُونَكَ،
 فَكَيْفَ لَا أَفْعَلُ ذَلِكَ وَإِنَّمَا هِيَ قَتْلَةٌ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ هِيَ الْكَرَامَةُ الَّتِي
 لَا انْقِضَاءَ لَهَا أَبَدًا.

وَقَامَ زُهَيْرُ بْنُ الْقَيْنِ الْبَجَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: وَاللّٰهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ،
 ثُمَّ نُشِرْتُ، ثُمَّ قُتِلْتُ حَتَّى أُقْتَلَ هَكَذَا أَلْفَ مَرَّةٍ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى

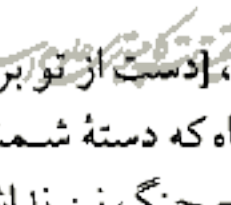
عبّاس بن علی - رضوان خدا بر او باد - آغازگر این سخن بود و دیگران در پی او و چون او سخن گفتند.

امام حسین علیه السلام فرمود: «ای پسران عقیل! کشته شدن مسلم برای شما کافی است. بروید که من به شما اجازه دادم».

آنان گفتند: سبحان الله! آن گاه مردم چه می گویند؟ می گویند: ما بزرگ و سالار و پسران بهترین عموهایمان را و انهادیم و با آنان، نه تیری پرتاب کردیم و نه نیزه ای زدیم و نه شمشیری برکشیدیم و نمی دانیم چه کردند. نه، به خدا سوگند، چنین نکنیم؛ بلکه جان و مال و خاندانمان را فدای تو کنیم و همراه تو پیکار می کنیم تا هر جا که تو در آیی. خدا زندگی پس از تو را روسیاه بدارد.

و مسلم بن عوسجه در برابر امام حسین علیه السلام برخاست و گفت: آیا تو را تنها گذاریم، در حالی که هنوز در برابر خدا حجتی در ادای حقت نداریم؟! 

هان! به خدا سوگند، [دست از تو بر ندارم] تا سینه هایشان را با نیزه ام بشکافم و تا آن گاه که دسته شمشیرم را به دست دارم، با آنان بجنگم و اگر سلاح جنگ نیز نداشته باشم، بر ایشان سنگ بیندازم. به خدا سوگند، دست از تو بر نداریم، تا آنکه خدا بداند ما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، حرمت تو را پاس داشتیم.

به خدا سوگند، اگر می دانستم که کشته می شوم و سپس زنده می گردم و سوزانده می شوم، سپس دوباره زنده می شوم و [خاکستر] را به باد می دهند و هفتاد بار با من چنین کنند، از تو جدا نمی شدم تا مرگ خویش را در یاری تو ببینم. حال چگونه از تو جدا شوم با اینکه یک کشته شدن بیش نیست و پس از آن هم کرامت بی پایان ابدی است؟! 

و زهیر بن قین بجلی - درود خدا بر او باد - برخاست و گفت: به خدا سوگند، دوست داشتم که هزار بار کشته شوم و زنده گردم

يَدْفَعُ بِذَلِكَ الْقَتْلَ عَنْ نَفْسِكَ، وَعَنْ أَنْفُسِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَانِ مِنْ أَهْلِ
بَيْتِكَ. وَتَكَلَّمَ جَمَاعَةُ أَصْحَابِهِ بِكَلَامٍ يُشَبِّهُ بَعْضُهُ بَعْضًا فِي وَجْهِ
وَاحِدٍ، فَجَزَّاهُمُ الْحُسَيْنُ عليه السلام خَيْرًا وَأَنْصَرَفَ إِلَى مَضْرَبِهِ. ^(۱)

۳/۵

التَّعْبُويُّ التَّمَوَّجِيُّ فِي مَنْظَرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ

۴۷۹. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام :- مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عليه السلام مَا دَارَتْ الْجُمُعَةُ بَعْدَهَا حَتَّى
ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ :- أَلَا إِنَّهُ قَدْ أَدْبَرَ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ مُقْبِلًا،
وَأَقْبَلَ مِنْهَا مَا كَانَ مُدْبِرًا، وَأَزْمَعَ التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ،
وَبَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَفْنَى. مَا ضَرَّ
إِخْوَانُنَا الَّذِينَ سَفِكَتْ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ بِصَفَيْنَ أَنْ لَا يَكُونُوا الْيَوْمَ
أَحْيَاءَ يُسَيِّغُونَ الْغُصَصَ وَيَشْرَبُونَ الرَّنَقَ. قَدْ وَاللَّهِ لَقُوا اللَّهَ
فَوْقَاهُمْ أُجُورَهُمْ، وَأَحْلَاهُمْ دَارَ الْأَمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ. أَيْنَ إِخْوَانِي
الَّذِينَ رَكَبُوا الطَّرِيقَ وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟ أَيْنَ عَمَّارٌ؟ وَأَيْنَ ابْنُ
التَّيْهَانِ؟ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ؟ وَأَيْنَ نَظَرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ
تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ، وَأَبْرَدَ بَرُؤُسَهُمْ إِلَى الْفَجْرَةِ؟ إِقَالَ: ثُمَّ
ضَرَبَ يَدِهِ عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبُكَاءَ، ثُمَّ
قَالَ عليه السلام: [أَوْهَ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ،

و خدای متعال، قتل را بدان وسیله از تو و این جوانان
خاندانت دور سازد.

دیگر یاران امام حسین علیه السلام نیز سخنانی مانند هم و برای ابراز
فداکاری خود بیان داشتند و امام علیه السلام نیز برای آنان، پاداش
خیرخواست و به خیمه خود بازگشت.

۳/۵

بسیجیان نمونه از دیدگاه امام علی علیه السلام

۴۷۹. امام علی علیه السلام - هان! بدانید که آنچه از دنیا روی آورده بود، پشت
کرد، و آنچه پشت کرده بود، روی آورد. و بندگان گزیده خدا دل
بر رخت بستن دوختند، و اندکی این جهان را، که نباید، به بسیار
آن جهان، که به سر نیاید، فروختند. برادران ما که خونشان در
صفین ریخته شد، زیان نکردند که امروز زنده نیستند [و به که
ندیدند اینان که مانده اند، کیستند] تا پیایی ساغر غصه در گلو
ریزند و شرنگ تیره [چنین زندگی را] بدان بیامیزند.

به خدا سوگند، خدا را دیدار کردند و مزد آنان را به کمال
پرداخت، و از پس آن که ترسان بودند، در خانه امانشان ساکن
ساخت. کجایند برادران من که راه حق را سپردند، و با حق،
رخت به خانه آخرت بردند؟ کجاست عمار؟ کجاست پسر
تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند همانندان ایشان از
برادرانشان که با یکدیگر به مرگ پیمان بستند و سرهای آنان را به
فاجران هدیه کردند؟

[پس دست به ریش مبارک خود گرفت و زمانی دراز گریست

سپس فرمود:]

وَتَدَبَّرُوا الْقَرْضَ فَأَقَامُوهُ، أَحْيَا السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ، دُعُوا
لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا، وَوَثِقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ.^(۱)



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ علوم اسلامی

دریغاً از برادرانم که قرآن را خواندند و در حفظ آن کوشیدند؛
واجب را برپا کردند، پس از آن که در آن اندیشیدند؛ سنت را زنده
کردند و بدعت را میراندند؛ به جهاد خوانده شدند و پذیرفتند؛ به
پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند.

اللّٰهُمَّ، إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِينَا وَغَيْبَةَ وَلِينَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرِ
الزَّمَانِ عَلَيْنَا.

اللّٰهُمَّ، فَافْرَجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنْكَ تَعْجَلْهُ وَنَصْرِ مَنْكَ تَعْزِهِ وَسُلْطَانِ
حَقِّ تَظْهِرِهِ. وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ
وَارْزُقْنَا رُؤْيَاهُ وَرِضَاهُ.

وَتَقْبِلْ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

شب نیمه شعبان ۱۴۲۳

۲۹ مهرماه ۱۳۸۱

مشهد الرضا علیه آلاف التحية والثناء



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست‌ها



مرکز تحقیقات کتب و میراث اسلامی

۱. فهرست آیات ۲۹۷
۲. فهرست معصومان علیهم‌السلام ۳۰۱
۳. فهرست منابع ۳۰۵



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فہرست آیات

سورہ	آیہ	شمارہ آیہ	صفحہ
بقرہ	﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ...﴾	۸۳	۲۷۶، ۲۱۶
	﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾	۱۶۵	۲۰۰
	﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾	۱۸۵	۲۷۶
	﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُسْتَطِرِينَ﴾	۲۲۲	۲۱۲
	﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ...﴾	۲۳۸	۱۷۶
آل عمران	﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾	۱۰۳	۲۳۴
	﴿وَلَتَكُن مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...﴾	۱۰۴	۲۳۰
	﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا...﴾	۱۵۹	۲۷۴
	﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا...﴾	۱۷۳	۱۳۸
نساء	﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾	۳۶	۲۱۸
	﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾	۹۵	۲۵۶
	﴿وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ... وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ...﴾	۱۰۲	۲۵۴
	﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ﴾	۱۳۳	۲۶
	﴿يُرَءَوْنَ النَّاسُ وَلَا يُذْكَرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾	۱۴۲	۱۵۴
مائده	﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ...﴾	۳۲	۲۳۲
	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن...﴾	۵۴	۱۴۰، ۱۳۴، ۴۶، ۲۸

۴۶	۸۹	﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِآءٍ فَعَذَّوْ كُنَّا بِهَا...﴾	انعام
۱۷۴	۳۳	﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾	اعراف
۱۷۴	۱۵۷	﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأَتَى...﴾	
۲۳۴	۲۶	﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا فِتْنَةً لَكُمْ...﴾	انفال
۱۵۶	۴۷	﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا...﴾	
۲۵۲	۶۰	﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾	
۱۹۰	۱۱۴	﴿إِنْ إِبْرَاهِيمَ لِأَوْهٍ خَلِيمٍ﴾	توبہ
۱۲۲	۱۱۹	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ...﴾	
۵۶	۱۲۲	﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ...﴾	
۳۸.۳۶	۶۲	﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾	یونس
۱۱۲	۱۱۲	﴿فَاسْتَفْهِمُوا كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ﴾	ہود
۱۲۸	۱۱۷	﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُنْزِلَ الْفُرْقَانَ عَلَيْكُمْ وَأَمَلَهَا...﴾	
۵۶	۱۰۸	﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾	یوسف
۴۰	۲۴	﴿سَلِّمْ عَلَيْكُمْ يَمَّا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّ عَقَبَى الدَّارِ﴾	رعد
۱۸۴	۲۸	﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ...﴾	
۵۲	۹	﴿إِنْ هَذَا الْقُرْءَانُ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ﴾	اسراء
۱۹۲	۱۰۷	﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ...﴾	
۱۹۲	۱۰۸	﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَنَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ...﴾	
۱۹۲	۱۰۹	﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُورُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾	
۲۲۴	۳۱	﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾	مریم
۲۳۴	۹۲	﴿إِنْ هَذِهِ ءَأْمَتُكُمْ أُمَّةٌ وَجِدَّةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾	انبیاء
۱۱۸	۸	﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَسَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾	مؤمنون

۱۷۸	۹	﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾	
۳۲	۵۵	﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ﴾	
۳۲	۵۶	﴿تُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾	
۲۱۸	۶۳	﴿وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾	قرقان
۱۸۸	۷۷	﴿قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾	
۲۰۲	۸۹	﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾	شعراء
۴۴	۵	﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي...﴾	قصص
۱۸۶	۴۵	﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾	عنكبوت
۲۸۰	۱۷	﴿يَتَّبِعُنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ...﴾	لقمان
۱۳۸، ۱۰۶	۳۹	﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ...﴾	احزاب
۶۰	۱۳	﴿وَقَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾	سبا
۲۰۲	۳۲	﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...﴾	فاطر
۹۴	۸۲	﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾	ص
۹۴	۸۳	﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُتَخَلِّصِينَ﴾	
۱۹۰، ۱۸۸	۶۰	﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾	غافر
۱۱۲	۳۰	﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا...﴾	فصلت
۱۱۲	۳۱	﴿نَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...﴾	
۸۸	۳۴	﴿أَنْفَعُ بِالنِّبِيِّ هَبْ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي...﴾	
۸۸	۳۵	﴿وَمَا يُلْقِئَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا...﴾	
۱۱۲	۱۵	﴿وَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ﴾	شوری
۱۰۴	۲۰	﴿أَذْهَبْتُمْ طَيْبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا...﴾	احقاف
۲۴۸	۳۵	﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرَكَكُمْ أَغْمَلَكُمْ﴾	محمّد

۳۰	۳۸	﴿وَإِنْ تَقُولُوا یَسْتَبْدِلْ قَوْمَا غَیْرَكُمْ ثُمَّ...﴾	
۱۱۶	۴	﴿هُوَ الَّذِیْ أَنْزَلَ السَّكِیْنَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِیْنَ...﴾	فتح
۱۴۸	۲۶	﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِیْنَ كَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّةَ...﴾	
۱۹۴	۱۷	﴿كَانُوا قَلِیْلًا مِّنَ اللَّیْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾	ناریات
۱۹۴	۱۸	﴿وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ﴾	
۱۵۶، ۱۵۴	۳۲	﴿فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾	نجم
۱۰۰	۹	﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...﴾	حشر
۱۵۸	۲	﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾	صف
۱۵۸	۳	﴿كَثُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾	
۹۸	۲	﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...﴾	طلاق
۹۸	۳	﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى...﴾	
۱۴۶	۱۹	﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِیْقٌ هَلُوعًا﴾	معارج
۱۴۶	۲۰	﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾	
۱۸۰	۵	﴿الَّذِیْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾	ماعون

فہرست معصومان علیہم السلام

نام	شماره حدیث
جبرئیل ؑ : ۱۴۷	۲۲۶، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱
لقمان ؑ : ۲۹۲، ۸۱	۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵
الخضر ؑ : ۲۹۵	۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴
داود ؑ : ۴۰۸	۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۶
موسیٰ و شعیب ؑ : ۱۴۴	۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۲
المسیح ؑ : ۲۰۵، ۲۵۶	۳۱۳، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۸
رسول اللہ ﷺ : ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۶، ۱	۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۹
۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷	۳۴۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۴
۴۶، ۴۴، ۴۳، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۶، ۳۵	۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰
۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۷، ۶۲، ۶۰، ۵۹، ۴۷	۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۸۴، ۳۸۵
۱۳۹، ۱۳۸، ۱۰۸، ۹۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴	۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵
۱۶۸، ۱۶۵، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۱	۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴
۱۸۹، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۶۹	۴۰۹، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۳۱، ۴۳۲
۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴	۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۴۳
۲۲۱، ۲۱۷، ۲۱۱، ۲۰۴، ۲۰۲	۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱
۲۳۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۲	۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۹، ۴۶۰

۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷	۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۶	الإمام علیؑ : ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۳، ۳۰
۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳	۳۱، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۵۷
۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۵	۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹
۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۸، ۲۹۹	۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۲
۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹	۸۳، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴
۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۰	۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۳۶	۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹
۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵	۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۹، ۳۷۵	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹
۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۲	۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۹	۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹
۴۰۰، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۱	۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱	۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲
۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶	۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹
۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۴	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۰
۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۵۵، ۴۶۶	۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷
۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۹	۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
فاطمہؑ : ۱۴۲، ۲۳۹	۱۹۰، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳
الإمام الحسنؑ : ۱۶۴، ۱۶۷، ۲۲۸	۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۳
الإمام زین العابدینؑ : ۲۴، ۸۰	۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۶
۱۶۲، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۵	۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹

۲۷۹، ۲۸۲، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۱۷	۴۷۸، ۴۴۶
۳۳۵، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱	الإمام الباقر عليه السلام : ۱۲۹، ۴۱، ۲۵، ۷
۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۷۴	۱۵۶، ۱۸۴، ۱۹۱، ۲۲۰، ۲۲۹
۳۷۹، ۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۰۷	۲۶۰، ۲۶۹، ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۳۴
۴۱۳، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۵۶، ۴۵۷	۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۸
۴۵۸، ۴۶۷، ۴۷۳، ۴۷۵	الإمام الصادق عليه السلام : ۱۵، ۱۴، ۸، ۵، ۲
۱۵۱، ۲۴۸، ۳۲۷	۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۲، ۴۵، ۵۳
۲۳۵، ۵۴	الإمام الرضا عليه السلام : ۱۷۱، ۱۵۷، ۱۴۳، ۱۳۰، ۱۰۶، ۶۵
۱۴۹، ۲۱۰	الإمام الجواد عليه السلام : ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۱۷۸، ۱۷۴
۲۴۲	الإمام الهادي عليه السلام : ۲۳۰، ۲۱۶، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۰
۳۴۹، ۹۰	الإمام العسكري عليه السلام : ۲۷۴، ۲۶۱، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۳۱

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع

١. القرآن الكريم.
٢. الاختصاص، المنسوب إلى أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ.
٣. اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: مهدي الرجائي، مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ.
٤. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ.
٥. أعلام الدين في صفات المؤمنين، أبو محمد الحسن بن محمد الديلمي (ت ٧١١ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث - قم.
٦. الأمالي للصدوق، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسة البعثة - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ.

٧. الأمالي للطوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

٨. الأمالي للمفيد، أبو عبد الله محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ)، تحقيق: حسين أستاذ ولي وعلي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ.

٩. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (ت ١١١٠ هـ)، مؤسسة الوفاء - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٣ هـ.

١٠. بصائر الدرجات، أبو جعفر محمد بن الحسن الصفار القمي المعروف بابن فروخ (ت ٢٩٠ هـ)، مكتبة آية الله المرعشي - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ.

١١. تاريخ أصبهان، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصفهاني (ت ٤٣٠ هـ)، تحقيق: سيد كسروي حسن، دار الكتب العلمية - بيروت.

١٢. تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ٤٦٣ هـ)، المكتبة السلفية - المدينة المنورة.

١٣. تاريخ دمشق = تاريخ مدينة دمشق «ترجمة الإمام علي عليه السلام»، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ)، تحقيق: علي شيري، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ.

١٤. تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، أبو محمد الحسن بن علي الحرّاني المعروف بابن شعبة (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ.

○ تفسير الدرّ المثور = الدرّ المثور في التفسير بالمأثور.

○ تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن.

١٥. تفسير العياشي، أبو النضر محمد بن مسعود السلمي السمرقندي المعروف بالعياشي (ت ٣٢٠ هـ)، تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي، المكتبة العلمية - طهران، الطبعة الأولى ١٣٨٠ هـ.

١٦. تفسير القمي، أبو الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي (ت ٣٠٧ هـ)، إعداد: طيّب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.

○ تفسير مجمع البيان = مجمع البيان في تفسير القرآن.

١٧. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)، أبو الحسين ورام بن أبي فراس (ت ٦٠٥ هـ)، دار التعارف ودار صعب - بيروت.

١٨. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، دار التعارف - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ.

١٩. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، أبو جعفر محمد بن علي القمي المعروف بالصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق - طهران.

٢٠. جامع الأخبار أو معارج اليقين في أصول الدين، محمد بن محمد الشعيري السبزواري (ق ٧)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

٢١. جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ هـ)، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.

٢٢. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني (ت ٤٣٠ هـ)، دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ.

٢٣. الخرائج والجرائح، أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.

٢٤. الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ.

٢٥. الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، محمد ابن الشيخ جمال الدين مكي بن محمد بن حامد بن أحمد العاملي النبطي الجزيني الملقب بالشهيد الأول، مؤسسة طبع ونشر الآستانة الرضوية المقدسة - مشهد، ١٣٦٥ ش.

٢٦. الدرّ المثور في التفسير المأثور، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ)، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

٢٧. دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، أبو حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيّون التميمي المغربي (ت ٣٦٣ هـ)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، دار المعارف - مصر، الطبعة الثالثة ١٣٨٩ هـ.

○ رجال الكشي = اختيار معرفة الرجال.

٢٨. روضة الواعظين، محمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابوري (ت ٥٠٨ هـ)، تحقيق: حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ.

٢٩. سنن الترمذي (الجامع الصحيح)، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي (ت ٢٩٧ هـ)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، دار إحياء التراث - بيروت.

٣٠. السنن الكبرى، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي (ت ٤٥٨ هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

٣١. السنن الكبرى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداري، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ.

٣٢. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، أبو حنيفة القاضي النعمان بن محمد المصري (ت ٣٦٣ هـ)، تحقيق: محمد الحسيني الجلالى، مؤسسة النشر الإسلامى - قم، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ.

٣٣. شرح نهج البلاغة، عز الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلى المعروف بابن أبي الحديد (ت ٦٥٦ هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ.

٣٤. شعب الإيمان، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ٤٥٨ هـ)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ.

٣٥. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، علاء الدين علي بن بلبان الفارسي (ت ٧٣٩ هـ)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ.

٣١٠..... حكمةنامة بسبح

٣٦. صحيح البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤١٠ هـ.

٣٧. صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١ هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث - القاهرة، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ.

٣٨. صحيفة الإمام الرضا (عليه السلام)، المنسوبة إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.

٣٩. الصحيفة السجادية، المنسوبة إلى الإمام علي بن الحسين (عليه السلام)، تصحيح: علي أنصاريان، المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية - دمشق، ١٤٠٥ هـ.

٤٠. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ٢٣٠ هـ)، دار صادر - بيروت.

٤١. عدة الداعي ونجاح الساعي، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ٨٤١ هـ)، تحقيق: أحمد الموحدي، مكتبة وجداني - طهران.

٤٢. علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.

٤٣. عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: مهدي الحسيني اللاجوردي، منشورات جهان - طهران.

٤٤. عيون الحكم والمواعظ، لأبي الحسن علي بن محمد الليثي الواسطي (قرن ٦ هـ)، تحقيق: حسين الحسيني البيرجندي، دار الحديث - قم، الطبعة الأولى ١٣٧٦ ش.

٤٥. الغارات، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفني (ت ٢٨٣ هـ)، تحقيق: جلال الدين المحدث الأرموي، منشورات أنجمن آثار ملي - طهران، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ.

٤٦. غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (ت ٥٥٠ هـ)، تحقيق: جلال الدين المحدث الأرموي، جامعة طهران، الطبعة الثالثة ١٣٦٠ ش.

٤٧. الغيبة، أبو جعفر محمد بن الحسين بن علي بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: عباد الله الطهراني وعلي أحمد ناصح، مؤسسة المعارف الإسلامية - قم، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ.

٤٨. الغيبة، أبو عبد الله محمد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعماني (ت ٣٥٠ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق - طهران.

٤٩. الفردوس بمأثور الخطاب، أبو شجاع شيرويه بن شهر دار الديلمي الهمداني (ت ٥٠٩ هـ)، تحقيق: السعيد بن بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ.

٥٠. فلاح السائل، أبو القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ)، تحقيق: غلامحسين مجيدي، مكتب الإعلام الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ.

٥١. قرب الإسناد، أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي (ت بعد ٣٠٤ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ.

٥٢. قصص الأنبياء، أبو الحسين سعيد بن عبد الله المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان اليزدي، مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسة الآستانة الرضوية - مشهد، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.

٥٣. الكافي، أبو جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ٣٢٩ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، دار صعب ودار التعارف - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠١ هـ.

٥٤. كشف الغمّة في معرفة الأنعمّة، علي بن عيسى الإربلي (ت ٦٨٧ هـ)، تصحيح: هاشم الرسولي المحلّاني، دار الكتاب الإسلامي - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ.

٥٥. كمال الدين وتمام النعمة، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ.

٥٦. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي (ت ٩٧٥ هـ)، تصحيح: صفوة السقا، مكتبة التراث الإسلامي - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٧ هـ.

٥٧. كنز الفوائد، أبو الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراجكي الطرابلسي (ت ٤٤٩ هـ)، إعداد: عبد الله نعمة، دار الذخائر - قم، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ.

٥٨. المتحائين في الله، عبد الله بن محمد المقدسي معروف به ابن قدامه (ت ٦٢٠هـ)، تحقيق: مجدى السيد ابراهيم، مكتبة القرآن، قاهره.

٥٩. مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ) تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي وفضل الله اليزدي الطباطبائي، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ.

٦٠. المحاسن، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ٢٨٠ هـ)، تحقيق: مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت (ع) - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ.

٦١. المحجّة البيضاء في تهذيب الأحياء، محسن الفيض الكاشاني (ت ١٠٩١ هـ)، مع حاشية: علي أكبر الفقاري، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية - قم، ١٣٨٣ هـ.

٦٢. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (ت ٤٠٥ هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ.

٦٣. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسين النوري الطبرسي (ت ١٣٢٠ هـ)، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ.

٦٤. مسند أبي يعلى الموصلي، أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى التميمي الموصلي (ت ٣٠٧ هـ)، تحقيق: إرشاد الحق الأثري، دار القبلة - جدة، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.

٦٥. مسند الشهاب، محمد بن سلامة القضاعي (ت ٤٥٤هـ)، مؤسسة الرسالة - بيروت.

٦٦. المسند لأحمد بن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١هـ)، تحقيق: عبدالله محمد الدرويش، دار الفكر - بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤هـ.

٦٧. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، أبو الفضل علي الطبرسي (ق ٧)، تحقيق: مهدي هوشمند، دار الحديث - قم، الطبعة الأولى ١٤١٨هـ.

٦٨. مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، كمال الدين محمد بن طلحة الشافعي (ت ٦٥٤هـ)، مخطوط في مكتبة آية الله المرعشي - قم.

٦٩. معاني الأخبار، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٣٦١ش.

٧٠. المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠هـ)، تحقيق: طارق ابن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين - القاهرة، الطبعة الأولى ١٤١٥هـ.

٧١. المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠هـ)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٤هـ.

٧٢. معدن الجواهر ورياضة الخواطر، أبو الفتح محمد بن علي الكراجكي (ت ٤٤٩هـ)، تحقيق: أحمد الحسيني، المكتبة المرتضوية - طهران، الطبعة الثانية ١٣٩٤هـ.

٧٣. مكارم الأخلاق، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ)، تحقيق: علاء آل جعفر، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.
٧٤. مكارم الأخلاق، عبد الله بن محمد بن عبيد بن أبي الدنيا (ت ٢٨١ هـ)، دار الكتب العلمية - بيروت ١٤٠٩ هـ.
٧٥. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨ هـ)، المطبعة العلمية - قم.
٧٦. من لا يحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية.
٧٧. منية المريد، زين الدين علي العاملي المعروف بالشهيد الثاني (ت ٩٦٥ هـ)، مكتب الإعلام الإسلامي - قم، ١٤١٥ هـ.
٧٨. مهج الدعوات و منهج العبادات، أبو القاسم بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ)، تحقيق: حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.
٧٩. المواعظ العديدة، علي المشكيني الأردبيلي (معاصر)، تحقيق: علي الأحمد الميانجي، دفتر نشر الهادي - قم، الطبعة الرابعة ١٤٠٦ هـ.
٨٠. النوادر، فضل الله بن علي الحسني الراوندي (ت ٥٧١ هـ)، تحقيق: سعيد رضا علي عسكري، دار الحديث - قم، الطبعة الأولى ١٣٧٧ ش.
٨١. نهج البلاغة (من كلام أمير المؤمنين عليه السلام)، اختيار: أبي الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ٤٠٦ هـ).